



هیئت معارف جنگ
شهید سیدعلی صیادشیرازی



سایه‌های نور

پاسخ به برخی پرسش‌ها و ابهامات هشت سال دفاع مقدس

(شامل ۱۴۷ پرسش و پاسخ)

زیر نظر مستقیم علمی - تخصصی سر تیپ ستاد ناصر آراسته

گردآوری و تنظیم: سر تیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور

سرشناسه	: تقیان پور، عباس، ۱۳۲۸ -، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: سایه‌های نور: پاسخ به برخی پرسش‌ها و ابهامات هشت سال دفاع مقدس شامل: ۱۴۷ پرسش و پاسخ/ زیر نظر مستقیم علمی تخصصی سرتیپ ستاد ناصر آراسته؛ گردآوری و تنظیم سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور؛ [برای] هیات معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۵۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: پاسخ به برخی سوالات و ابهامات هشت سال دفاع مقدس شامل: ۱۴۷ پرسش و پاسخ.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
شناسه افزوده	: آراسته، ناصر، ۱۳۳۱ -
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ س ۲/ت ۶۶/۱۶۰۰ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۵۸۵۴۸

گردآوری و تنظیم: سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور

زیر نظر مستقیم علمی - تخصصی سرتیپ ستاد ناصر آراسته

نوبت/سال چاپ: اول/۱۳۹۳

ویرایش تخصصی: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

ویرایش ادبی: الهه آموزگار

طرح جلد: سعید تقیان پور

ناشر: انتشارات ایران سبز

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۵۶-۸

شمارگان: ۲۰۰۰

مرکز پخش: تلفن ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است»

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی
که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند،
درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این
دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشده را
برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است.
آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟
آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه
کند.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست‌آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده است و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه‌نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌شود.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیان‌گذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند، به منطقه عملیات عزیمت داده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نماید و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار دهد.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاههای افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار داده است.

هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه ارتش در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی کرده‌اند که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۱۸۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فراگرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

فهرست

صفحه	عنوان
۹	مقدمه بخش اول (۶ پرسش)
۱۳	وضعیت ارتش و آمادگی نیروها در شروع جنگ تحمیلی بخش دوم (۵ پرسش)
۲۱	علل و راهبردهای عراق در حمله به ایران بخش سوم (۵ پرسش)
۲۷	ادامه جنگ و طولانی شدن آن بخش چهارم (۱۶ پرسش)
۳۳	موضوعات کلی هشت سال دفاع مقدس بخش پنجم (۳ پرسش)
۴۹	موضوعات بسیج مردمی و سپاه پاسداران بخش ششم (۴ پرسش)
۵۳	موضوعات ارتش و سپاه پاسداران بخش هفتم (۲ پرسش)
۵۷	سربازان وظیفه در جنگ بخش هشتم (۳ پرسش)
۵۹	پیشروی در خاک عراق بخش نهم (۱۲ پرسش)
۶۳	موضوعات سیاسی - نظامی داخلی و خارجی دوران دفاع مقدس

	بخش دهم (۷ پرسش)
۷۳	قطعه‌نامه‌های سازمان ملل و شرایط ایران
	بخش یازدهم (۹ پرسش)
۸۱	شخصیت‌ها در دفاع مقدس
	بخش دوازدهم (۱۲ پرسش)
۹۱	تبلیغات دفاع مقدس
	بخش سیزدهم (۳ پرسش)
۱۰۱	اسرای جنگ تحمیلی
	بخش چهاردهم (۶ پرسش)
۱۰۵	آثار و پیامدهای جنگ تحمیلی
	بخش پانزدهم (۷ پرسش)
۱۱۹	مسائل جانبی
	بخش شانزدهم (۶ پرسش)
۱۲۷	هوانیروز
	بخش هفدهم (۲۷ پرسش)
۱۳۳	نیروی هوایی
	بخش هجدهم (۱۴ پرسش)
۱۵۷	نیروی دریایی
۱۷۷	نمایه

مقدمه

با وجود نشیب و فرازها و اتفاقات فراوانی که در طول ۳۳ سال گذشته از انقلاب اسلامی رخ داده است تا این لحظه بدون شک مهم‌ترین واقعه و تأثیرگذارترین رویداد را می‌توان جنگ تحمیلی هشت ساله عراق عنوان کرد که آثار سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و روانی آن در جامعه سال‌های سال باقی خواهد ماند.

از آنجایی که دانستن تاریخ برای نسل جوان همیشه یک ضرورت بوده و خواهد بود و ماندن در آینده مستلزم دانستن از گذشته است و دفاع مقدس ما جنگ نور با ظلمت بوده است، باید از آن نورانیت گرفته و آنچه را که در سایه پنهان شده با نور آن روشن و واضح نمائیم تا در سایه‌های نور نیز جلوه‌های دفاع مقدس متبلور گردد. لذا مسئولین هیئت معارف جنگ بر آن شدند طرح آموزش معارف جنگ را با مطالب خاص و درخور دانشجویان وظیفه در مراکز آموزشی و فرهنگی ارتش از مقطع فوق‌دیپلم و لیسانس به بالا تهیه نمایند که مستند به نظرخواهی به عمل آمده مورد استقبال فراوان دانشجویان قرار گرفته و همین‌طور حمایت مسئولین محترم اجا به ویژه ریاست محترم عقیدتی - سیاسی اجا را دربرداشته است.

این آموزش‌ها به مدت ۱۶ ساعت در مراکز آموزشی برای دانشجویان ارائه می‌شود تا سربازان عزیز میهن اسلامی‌مان در ابتدای خدمت وظیفه خود بدانند این لباس مقدسی را که به تن کرده‌اند در سال‌های نه چندان دور بر پیکر رشید جوانان غیور، فداکار و ایثارگری بوده است که توانستند با از خودگذشتگی حماسه افتخارآفرین هشت سال دفاع مقدس را در این کشور پدید آورند.

در این آموزش‌ها روایت دفاع مقدس و نقش ارتش در جنگ تحمیلی طرح‌ریزی و اجرا می‌شود و از آنجایی که جنگ ما، یک جنگ سه‌بعدی بود، یعنی هم در عرصه زمین، هم در هوا و هم در دریا ادامه داشت، لذا از اساتید نیروی زمینی، هوانیروز،

نیروی هوایی و نیروی دریایی برای اداره کلاس‌ها استفاده شده است. در پایان آموزش‌ها نیز جلسات پرسش و پاسخ پیش‌بینی گردیده تا دانشجویان سوالات خود را در رابطه با جنگ تحمیلی به صورت کتبی مطرح نمایند و اساتید گروه معارف جنگ که از فرماندهان رده‌های مختلف نظامی در دوران جنگ و دفاع مقدس بوده و خود در صحنه‌ها حضور داشته‌اند، بر مبنای تجربیات و دانش خود پاسخ لازم را ارائه نمایند.

البته در پاسخ به سوالات مطروحه دو نکته قابل ذکر است: اول اینکه با توجه به محدودیت زمانی و رعایت حوصله مخاطبان پاسخ به سوالات به صورت چکیده مطالب و در حد بسیار موجز و کوتاه بیان گردیده است. این در حالی است که در توضیح و تشریح کامل بعضی سوالات می‌توان ساعت‌ها بحث نمود. دوم اینکه در ابتدای جلسات از دانشجویان خواسته می‌شد سوالات مربوط به هشت سال دفاع مقدس را مطرح نموده و از طرح سوالات خارج از موضوعات آموزش معارف جنگ خودداری نمایند. با این حال در بین سوالات کتبی تعدادی سوال راجع به مسائل روز، توان رزمی، جنگ‌های احتمالی آینده و... وجود داشت که از پاسخ به آنها خودداری گردیده و حذف گشته است.

کتاب پاسخ به سوالات در اجرای تدبیر ریاست محترم هیئت، امیر سرتیپ ستاد ناصر آراسته و زیر نظر مستقیم ایشان و بهره‌مندی از بیشترین تعداد در پاسخ به سوالاتی که توسط شخص ایشان ارائه گردیده و با برداشتی از این جلسات پرسش و پاسخ تدوین شده است، که البته نسخه اولیه پس از جمع‌آوری، در جلسات هماهنگی با حضور امیران سرتیپ سید حسام هاشمی، سرتیپ سید ناصر حسینی، سرتیپ ۲ مسعود بختیاری و با کمک نمایندگان نیروهای مربوطه سرتیپ ۲ خلبان حسین خلیلی، سرتیپ ۲ خلبان سید اسماعیل موسوی، ناخدا مجید منصوری و ناخدا علی جعفری-جلی مورد بررسی و بازبینی قرار گرفته و آخرین بررسی تخصصی و مقابله و اعمال

تصحیحات تخصصی مجدداً توسط رئیس محترم هیئت معارف جنگ معمول و کتاب به صورت حاضر تهیه و تقدیم می‌گردد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که گروه معارف جنگ در این آموزش‌ها به دنبال این که ارتش و سپاه کدام‌یک در جنگ بیشتر و بهتر و مؤثرتر عمل کرده‌اند، نبوده؛ بلکه هدف بیان حوادث و خاطرات جنگ به طور مستقیم و بی‌واسطه به نسل جوان کشورمان و آشنایی آنان با فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و شجاعت‌های برآمده از عمق ایمان رزمندگان اسلام بوده تا بدانند این کشور با خون عزیزترین و فداکارترین فرزندان بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در سخت‌ترین شرایط نگهداری و اینک به دست توانا و قدرتمند آنان سپرده شده، تا آنان نیز با تلاش و کوشش و ایثار و فداکاری در ارتقای جایگاه کنونی آن کوشیده و این امانت گران‌سنگ را همانند اسلاف خلف خود با توانمندی و رشد بیشتری به نسل آینده خود بسپارند و معتقدیم ارتش و سپاه همانند دو هم‌رزم در یک جبهه با تمام قوت و توانمندی و با پشتیبانی بی‌دریغ و ایثار بی‌مثال دریادلان بسیجی و فرماندهی الهی حضرت امام(ره) با دشمن جنگیده‌اند و حاصل آن پیروزی، سرافرازی و عزت برای ملت رشید ایران بوده است.

سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور

بخش اول

وضعیت ارتش و آمادگی نیروها در شروع جنگ تحمیلی

۱- در شروع جنگ تحمیلی حضور نیروهای ارتش در مرزها از چه تاریخی

بوده است؟

درگیری‌های مرزی بین ایران و عراق از مدت‌ها قبل شروع شده بود. از تیرماه سال ۱۳۵۹ این درگیری‌ها شدت بیشتری پیدا کرد. تقریباً کلیه یگان‌های رزمی ارتش عراق در مرزها مستقر شده و پای کار بودند و برای حمله آماده می‌شدند و گاهی نیز اقدام به تیراندازی به مناطق مرزی و پاسگاه‌های ایران می‌کردند که متقابلاً توسط نیروهای خودی پاسخ مناسب داده می‌شد. ولی یگان‌های رزمی ارتش ایران همگی پای کار نبودند و می‌توان گفت در مجموع نیرویی نزدیک به استعداد ۳ لشکر از لشکرهای ۹۲ زرهی اهواز، لشکر ۸۱ کرمانشاه و یگان‌هایی از لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۳۷ زرهی و گروه‌های توپخانه اصفهان و تهران در مناطق قصرشیرین، نفت‌شهر، سومار، فکه و سایر مناطق مرزی خوزستان مستقر شده بودند و به آتش‌های عراقی‌ها پاسخ می‌دادند. تا اواخر شهریورماه که کم‌کم حرکت نیروهای عراقی برای تصرف پاسگاه‌های مرزی و نفوذ در خاک کشورمان آغاز شد که اوج این حملات در واقع شروع جنگ تحمیلی در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمله ۱۹۲ فروند هواپیما به پایگاه‌های نیروی هوایی به قصد انهدام

نیروی هوایی ایران و هم‌زمان حمله سراسری زمینی در جبهه‌های غرب و جنوب آغاز شد.

حضور اولیه نیروهای ارتش در مرزها چند ماه قبل از حمله سراسری عراق انجام شده بود، لیکن باتوجه به حضور نیروهای ارتش در مقابله با ضدانقلاب در نقاط مختلف و به ویژه شمال غرب کشور استعداد نیروهای موجود ارتش در مقابل نیروهای مهاجم عراق به هیچ عنوان قابل مقایسه نبود، به طوری که اغلب در هر محور در مقابل یک یا دو لشکر عراقی، یک یا دو گردان یا یک گروه رزمی ایستاده بودند. نیروهای مهاجم عراقی موفق شدند وارد خاک کشورمان شده و مناطقی را به تصرف خود درآورند. در اینجا بود که کلیه یگان‌های ارتش از سراسر کشور به سوی جبهه‌ها بسیج شدند و توانستند جلوی پیشروی دشمن را گرفته و با ایجاد خطوط پدافندی دشمن را زمین‌گیر کرده و برای عملیات آفندی بعدی طرح‌ریزی و خود را آماده نمایند.

۲- وضعیت ارتش و میزان آمادگی آن در شروع جنگ تحمیلی چگونه بوده است؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، باتوجه به شرایط جدیدی که در اداره کشور پیش آمده بود و دیدگاه‌هایی که نسبت به ارتش وجود داشت تا تثبیت و شکل‌گیری مدیریت و رهبری جدید در ارتش، بالطبع ضعف‌هایی درون ارتش به وجود آمده بود.

هرچند که کارکنان مسلمان و علاقمند به انقلاب اسلامی که بدنه ارتش را تشکیل می‌دادند با تمام نیرو تلاش می‌کردند وضعیت پادگان‌ها و پایگاه‌ها را به حالت عادی برگردانند، ولی تصمیمات و اتفاقاتی که پیش می‌آمد اثر سوء خود را بر پیکره ارتش می‌گذاشت. از دلایل مهمی که باعث کاهش توان رزمی ارتش شده بود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هجوم به تعدادی از پادگان‌ها و غارت سلاح‌ها و اموال موجود در آن.

دستگیری و تصفیه تعدادی از کارکنان کادر ارتش.

وضعیت ارتش و آمادگی نیروها در شروع جنگ تحمیلی/ ۱۵

ابلاغ کاهش مدت خدمت سربازی به یک سال که بر این اساس عده زیادی از سربازان از سربازخانه‌ها ترخیص شدند و پادگان‌ها را ترک کردند و سربازخانه‌ها با کمبود شدید سرباز مواجه شدند.

استعفای عده‌ای از کارکنان و خارج شدن از کسوت سربازی با توجه به تسهیلاتی که فراهم شده بود.

انتقال عده زیادی از کارکنان بدون در نظر گرفتن تخصص آنان به سایر یگان‌ها، که این مسأله باعث تراکم کارکنان در برخی یگان‌ها و کمبود شدید در یگان‌های دورافتاده و بد آب و هوا و بکارگیری بعضی کارکنان در مشاغل غیرمرتبط با تخصص و مهارت خود شده بود.

همچنین ضعف انضباط و عدم رعایت کامل سلسله مراتب فرماندهی و به تبع آن ضعف در آموزش و نگهداری از دیگر عواملی بودند که به انسجام و کارایی یگان‌ها لطمه وارد کرده بود. ضمن اینکه بسیاری از عناصر انقلابی ارتش برای تشکیل و تأسیس و تقویت کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران، قوه قضائیه، جهاد سازندگی و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شهری جذب آن نهادها شده بودند.

این در حالی بود که ارتش عراق با توجه به پیش‌بینی‌ها و طراحی‌های قبلی، با تجهیزات و آمادگی کامل در مرزها مستقر شده و منتظر فرصت مناسب برای حمله سراسری بودند و نهایتاً با توجه به پشتیبانی‌هایی که از طرف استکبار جهانی می‌شدند و چراغ سبزی که از ابرقدرت‌ها گرفته بودند به این کار دست زدند و کشور ما را از زمین و هوا و دریا مورد تهاجم قرار دادند.

با این حال حضور ارتش در سال اول جنگ با همه کاستی‌هایی که توضیح داده شد، جزو پرافتخارترین دوران ارتش محسوب می‌شود که توانست خودش را سریعاً پیدا کند و جلوی هجوم ناجوانمردانه ارتش عراق با آن همه نیرو را بگیرد، حرکت او را کند و سپس او را متوقف و تثبیت نماید و در حین جنگ بود که انضباط، آموزش، نگهداری و

وحدت فرماندهی به ارتش بازگشت و آن گسستگی و بی‌انضباطی‌ها و عدم اعتماد به نفس در بین افراد پایان پذیرفت.

۳- باتوجه به این که تا یک سال قبل از انقلاب اسلامی، ایران به دلیل داشتن ارتش منظم و سلاح مدرن، مرکز ثبات و همچنین ابرقدرت خاورمیانه بود، دلیل این که گفته می‌شود ایران در زمان جنگ هیچ سلاحی نداشت و هیچ نظم خاصی در ارتش نبود چیست؟ چرا این سلاح‌ها را نادیده می‌گیرید؟

باتوجه به دکترین امریکا در دهه ۵۰، ایران نیروی برتر نظامی منطقه خاورمیانه شده بود و در راستای همین سیاست، براساس برخی آمارهای موجود بیش از ۳۰ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در این دهه خریداری گردید. با به روز شدن تجهیزات نظامی و سازمان‌دهی جدید نیروهای مسلح، به خصوص نیروی هوایی و نیروی دریایی و تقویت و گسترش نیروی زمینی، ایران قدرت اول نظامی منطقه شناخته می‌شد، منتها این قدرت نظامی با راهبرد حفظ منافع امریکا در منطقه شکل گرفته و در واقع ایران به عنوان خط مقدم امریکا در مقابل نفوذ شوروی در منطقه سازمان‌دهی شده بود. اما بعد از پیروزی انقلاب، این راهبرد بهم خورد و ارتش ایران کلاً در اختیار انقلاب و مردم قرار گرفت.

باتوجه به اینکه هر انقلابی بی‌نظمی‌های خاص خودش را دارد و قدرت نظامی صرفاً متکی به سلاح و تجهیزات نبوده و مؤلفه‌هایی از جمله فرماندهی و کنترل، روحیه، انضباط، آموزش، تعمیر و نگهداری و انسجام یگان‌ها و نهایتاً پشتیبانی و حمایت همه جانبه مسئولین و مردم نقش بسزایی در کارایی و روحیه ارتش می‌تواند داشته باشد، لذا در سال‌های ۵۶، ۵۷ و ۵۸ ارتش ایران دستخوش یک‌سری مسائل و عوارض و ضرباتی بر پیکره خود شده بود که اثرات ناخوشایندی بر آمادگی رزمی‌اش داشته؛ و آلا ارتش از نظر تجهیزات قوی بود و با همان تجهیزات هم این جنگ را اداره کرد و حتی امروز هم از همان تجهیزات استفاده می‌کند. البته می‌توان گفت جنگ تحمیلی یکی از عوامل

وضعیت ارتش و آمادگی نیروها در شروع جنگ تحمیلی/۱۷

مهم انسجام و قوام ارتش جمهوری اسلامی ایران بر اساس راهبرد جدیدی که نشأت گرفته از اهداف انقلاب اسلامی ایران بود، می‌باشد.

۴- اگر ارتش بلافاصله بعد از انقلاب منحل می‌شد و سپاه تازه تأسیس در

مقابل ضدانقلاب و بعد عراق می‌ایستاد چه می‌شد؟

در یک جمله، حداقل سه سال طول می‌کشید تا سپاه بتواند سازمان و ساختار عملیاتی پیدا کند و بعد برای اینکه از هواپیماها، ناوها، هلی‌کوپترها، تانک‌ها و... هم بتواند برای دفاع از کشور استفاده عملیاتی کند، بین ۱۰ تا ۱۵ سال زمان نیاز داشت و تا آن موقع از کشور چیزی نمی‌ماند و در این مورد که ارتش هم‌زمان و در روزهای اولیه انقلاب چه کرد، فقط فرمایشی از حضرت امام(ره) را برایتان می‌گوییم:

در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایادی شرق و غرب و آنها که صداقت و امانت و دینداری و میهن‌داری ارتشیان را در حماسه پیروزی درک نکرده بودند، کمر به نابودی ارتش بستند و با شعارهای به ظاهر انقلابی و فریبنده مصمم به انحلال آن، غارت سلاح‌ها و نابودی امکانات دفاعی کشور شدند و چه بسا ساده‌لوحان نیز تحت تأثیر القائات آنان راه این هدف شوم را هموار نمودند که خداوند متعال کشور و انقلاب اسلامی ما را از توطئه شوم آنان رهایی بخشید و ارتش سرافراز ایران اسلامی همچون برق و صاعقه بر سر توطئه‌گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند فرود آمد و کردستان، گنبد و ترکمن‌صحرا گورستان کوردلان گردید، که همه اینها از افتخارات تاریخی و فراموش‌نشده ارتش قهرمان است.^۱

۵- چرا در شروع جنگ تحمیلی تمام نیروها در خط مرزی مستقر نبودند؟

تمرکز نیروهای عراقی در مناطق مرزی از چند ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی انجام شده بود و به طور کلی قرائن و شواهد نشان‌دهنده وقوع جنگ بود و این که دشمن حمله خواهد کرد. در این طور مواقع بایستی بسیج و مسئولین پیش‌بینی‌های لازم را از قبل انجام داده و دستور آماده‌باش به همه ارگان‌ها داده می‌شد و با اعلام شرایط جنگی در کشور همه قسمت‌ها برای دفاع آماده می‌شدند. ولی متأسفانه برخی از مسئولین باور نداشتند که صدام بتواند به ما حمله کند و جنگی با این وسعت راه بیندازد و ذهنیت مسئولین چنین بود که ملت عراق از صدام حمایت نخواهد کرد. مردم عراق با ما هستند و این درگیری‌ها در حد برخوردهای مرزی پایان خواهد یافت؛ درحقیقت باور ملی به تهدید وجود نداشت.

اما در مورد چگونگی حضور نیروهای ارتش در مرزها با توجه به این که لشکرهای ۶۴ ارومیه و ۲۸ سنندج در مناطق سرزمینی خود درگیر عملیات با ضدانقلاب داخلی بودند، لذا قبل از شروع جنگ تحمیلی یگان‌هایی از لشکر ۸۱ کرمانشاه، لشکر ۲۱، گروه رزمی ۳۷ شیراز، تیپ ۸۴ خرم‌آباد و چند گردان توپخانه از گروه‌های اصفهان و تهران و همچنین لشکر ۹۲ زرهی اهواز در مرزهای غربی و جنوب‌غرب مستقر شدند و با حمله گسترده و سراسری عراق که از این مناطق آغاز شده بود با عملیات نظامی پرده پوشش و عملیات تأخیری با کمک و پوشش آتش مؤثر جنگنده‌های نیروی هوایی و هوانیروز که روزانه چندین سورتی پرواز روی ستون‌های زرهی، موتوری، پیاده و مناطق تجمع دشمن انجام می‌دادند، توانستند حرکات دشمن را در بیشتر محورها متوقف نمایند تا سایر نیروها از جمله لشکر ۲۱ حمزه، لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۱۶ قزوین و گروه‌های توپخانه از سراسر کشور به منطقه اعزام شده و به کمک نیروهای در خط بپردازند.

وضعیت ارتش و آمادگی نیروها در شروع جنگ تحمیلی/۱۹

نهایتاً این که مقاومت‌ها و حرکات نظامی انجام‌شده اولیه، بهترین شرایط را به وجود آورد تا با سد شدن پیشروی دشمن حالت آفندی او به حالت پدافندی تغییر وضعیت پیدا کند.

۶- در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر بیشترین عامل بازدارنده دشمن چه عاملی بود و نقش ارتش در این حماسه چه بوده است؟ چرا نیروی جدیدی به خرمشهر اعزام نشد؟

مهم‌ترین عامل را می‌توان روحیه مقاومت شجاعانه، دلاورانه و سازش‌ناپذیر مردم ما دانست. وقتی عراق به خرمشهر حمله کرد، همین عدد ۳۴ روزی که شما مطرح می‌کنید، یعنی ۳۴ روز مقاومت، ایستادگی و از جان گذشتگی نیروهایی که در خرمشهر حضور داشتند، که این نیروها علاوه بر مردم و اهالی خرمشهر که از خانه و کاشانه خود دفاع می‌کردند و سپاه خرمشهر به فرماندهی شهید جهان‌آرا، نیروهای ارتشی شامل گردان تکاور نیروی دریایی از پایگاه خرمشهر، گردان تکاوران دریایی به فرماندهی ناخدا هوشنگ صمدی از گروه ۴۲۱، که از بوشهر اعزام شده بودند، و علاوه بر آن قریب به یک گردان دانشجویان فارغ‌التحصیل و دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری بودند که به خرمشهر اعزام شده و از شهر دفاع می‌کردند و غالباً فرماندهی و هدایت نیروهای مردمی را به عهده داشته که در این راستا ۱۴ شهید نیز تقدیم داشتند. ضمن این که گردان ۲۳۲ تانک از لشکر ۹۲ زرهی و گردان ۱۵۱ دژ که یگان سرزمینی بوده و اصولاً محل استقرار گردان در خرمشهر می‌باشد، حضور داشتند. قابل توجه است که بدانید در درگیری‌های خرمشهر، تمام افسران این گردان بجز یک نفر که مجروح شده، بقیه به شهادت می‌رسند و برابر آمارهای موجود، گردان دژ در طول جنگ بیش از ده بار بازسازی می‌شود و تا پایان جنگ ۷۸ نفر از کارکنان پایور و ۲۰۷ نفر افراد وظیفه این گردان به شهادت رسیده و ۳۲۰ نفر نیز اسیر و مفقودالثر داشته است.

اما در مورد اعزام نیروی جدید به خرمشهر، باتوجه به حمله سراسری عراق و درگیری کلیه یگان‌های ارتش در مناطق مختلف بیشتر از این دیگر نیرویی وجود نداشت که به خرمشهر اعزام شود و خود لشکر ۹۲ زرهی، که خوزستان منطقه سرزمینی‌اش می‌باشد، با ۱۰-۱۲ گردان بیش از ۳۰۰ کیلومتر خط مرزی را پدافند می‌کرد و به شدت درگیر بود.

علل و راهبردهای عراق در حمله به ایران

۱- استراتژی نظامی (راهبرد) عراق در حمله به ایران چه بود؟

می‌توان گفت عراق در طول هشت سال جنگ با ایران چهار راهبرد نظامی را پی‌گیری می‌کرد. نکته ظریفی که باید به آن دقت کرد این است که هر راهبرد نظامی را که عراق کنار می‌گذاشت و راهبرد بعدی را انتخاب می‌کرد، معنی‌اش این بود که در راهبرد قبلی شکست خورده و امکان ادامه آن برایش میسر نمی‌باشد.

اولین راهبرد نظامی عراق پیروزی در یک جنگ برق‌آسا بود. صدام حسین با الهام از جنگ شش روزه اسرائیل علیه اعراب، با ۱۹۲ فروند هواپیمای جنگی اقدام به بمباران فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نیروی هوایی ایران کرد و در نظر داشت با این حمله ناگهانی و غافل‌گیرکننده و با نابود کردن نیروی هوایی ایران بزرگترین حربه راهبردی ایران را از کار بیندازد. اما شکست راهبرد جنگ برق‌آسای عراق توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران کلید خورد. درست بعد از ظهر همان روز، یعنی زمانی که فقط دو ساعت از حمله عراق گذشته بود، هواپیماهای جنگنده ما چند پایگاه هوایی عراق را بمباران کردند و فردای آن روز در عملیات غرورآفرین کمان ۹۹ تعداد ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگنده نیروی هوایی پایگاه‌ها و نقاط حساس عراق را بمباران کردند، لذا این اولین جرقه‌ای بود که صدام فهمید در محاسباتش اشتباه کرده است.

دومین موردی که باعث شد او بفهمد در راهبرد نظامی‌اش شکست خورده، توقف کامل ارتش عراق در پای پل کرخه بود که می‌خواست با عبور از رودخانه کرخه شهرهای دزفول و اندیمشک را تصرف کند.

توقف ۳۴ روزه در پشت دیوارهای خرمشهر سومین مورد درک این شکست بود. آخرین ضربه‌ای که در این مقطع به ارتش عراق وارد شد تا صدام متوجه بشود جنگ برق‌آسایش دقیقاً با شکست روبه‌رو شده، نابودی دوسوم نیروی دریایی عراق در هفتم آذر سال ۱۳۵۹، یعنی نزدیک به سه ماه بعد از شروع جنگ تحمیلی توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که با پشتیبانی جنگنده‌های نیروی هوایی محقق گردید و نیروی دریایی عراق با چنان شکست سنگینی مواجه شد که تا پایان هشت سال جنگ تحمیلی هیچ‌گاه جرئت عملیاتی را در خلیج فارس پیدا نکرد. لذا جنگ سریع و برق‌آسا در اینجا قطعاً شکست خورد و صدام راهبرد بعدی خود را مطرح کرد. یعنی درحقیقت آغاز و فرجام شکست و راهبرد جنگ برق‌آسای صدام را ارتش اسلام رقم زد.

راهبرد دوم عراق تثبیت اشغال سرزمین‌های ما بود. به طوری که روی دیوارهای خرمشهر نیز سربازان صدام نوشته بودند: آمده‌ایم که بمانیم.

این راهبرد عراق هم با عملیات‌های بزرگی مثل ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس شکست خورد. ابتدای شکست این راهبرد توسط لشکر ۷۷ خراسان و نیرووهایی از سپاه پاسداران در اجرای عملیات شکست حصر آبادان در ۵ مهرماه ۱۳۶۰ آغاز شد (پس از پیروزی این عملیات غرورآفرین، لشکر ۷۷ خراسان، عنوان لشکر ۷۷ پیروز خراسان را به خود اختصاص داد).

و در پایان، عملیات بیت‌المقدس که آزادسازی خرمشهر را به دنبال داشت، درواقع پایان راهبرد تثبیت اشغال سرزمین‌های ما بود و عراق مطمئن شد که توانایی نگهداری سرزمین‌های اشغالی را نخواهد داشت.

علل و راهبردهای عراق در حمله به ایران/۲۳

راهبرد سوم عراق دفاع متحرک بود که بر اساس آن در سال ۶۵ اقدام به انجام عملیات آفندی در مناطق مختلف شمال غرب و جنوب کرد. عملیات تهاجمی محدودی که به قصد ضربه زدن، بازپس‌گیری و اشغال برخی مناطق حساس و همچنین تضعیف روحیه رزمندگان انجام می‌شد. مانند عملیات لولان، حاج عمران، مهران و... که با پایداری و حملات مجدد رزمندگان اسلام منجر به بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده و نهایتاً شکست این راهبرد گردید.

توسعه جنگ چهارمین راهبرد صدام بود. هرچند مستشاران شوروی برای اجرای این راهبرد عراق را کمک می‌کردند، ولی طرح آن توسط امریکا به صدام ارائه شده بود و طی آن استفاده گسترده عراق از عوامل شیمیایی در مناطق عملیاتی و بمباران شهرها (حلبچه و سردشت)، موشکباران وسیع شهرها و مراکز حیاتی، حساس و مهم و جنگ نفت‌کش‌ها انجام گرفت و در نظر داشتند با اجرای این راهبرد و ایجاد رعب و وحشت، با عملیات روانی در بین مردم و رزمندگان آن‌قدر بر ملت ما فشار وارد کنند تا ملت خسته شوند و توان مقاومت را از دست بدهند و آنها نیز به دولت فشار بیاورند و دولت مجبور به قبول شکست شده و ساقط شود، که این راهبرد عراق هم با مقاومت دلیرانه و استقامت صبورانه مردم کشورمان، به خصوص مردم مناطق غرب و جنوب کشور با شکست روبه‌رو شد.

۲- علل حمله عراق به ایران چه بود؟

حمله عراق به ایران علل متعددی داشت که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) **علل جغرافیایی:** یعنی چشم‌داشت عراق به منطقه خوزستان.

(ب) **علل اقتصادی:** بهره‌برداری از منابع عظیم اقتصادی در منطقه خوزستان.

(ج) **علل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی:** عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر ساحل دارد و ایران در خلیج فارس ۱۲۷۸ و دریای عمان ۷۶۲ کیلومتر؛ لذا عراق به دنبال گسترش این ساحل بوده و حداقل خواسته‌اش تسلط بر ابرودرود بود.

(د) **علل سیاسی:** تلاش عراق برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی در عراق.

(هـ) **علل فرامنطقه‌ای:** تلاش بسیار زیاد آمریکا و شوروی، یعنی دو ابرقدرت رقیب برای تضعیف انقلاب یا به سازش کشیدن آن و نهایتاً براندازی نظام انقلاب اسلامی.^۱

(و) **علل روانی:** که مختص شخص صدام می‌باشد. داشتن خوی جنگ‌طلبی، خشونت‌گرایی، برتری‌جویی و کسب آقایی و رهبری در منطقه خاورمیانه و جبران تحقیر گذشته در قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.

(ز) **سابقه طولانی و تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق:** که به قبل از استقلال عراق و جدا شدن آن از دولت عثمانی برمی‌گردد.

۳- آیا برخی تفکرات افراطی در اوایل انقلاب را در شروع جنگ مؤثر می‌دانید؟

این هم یک نظریه است که می‌گویند بعد از انقلاب تفکرات افراطی که در ایران مطرح می‌شد باعث جنگ گردید. البته تفکرات افراطی به صورت ناخودآگاه در جامعه مطرح می‌شد و خواسته و نظر حضرت امام(ره) نبود. روش حضرت امام(ره) حفظ کشور و انقلاب اسلامی بود و به فکر بازسازی همه‌جانبه کشور بودند، چه از نظر سیاسی و چه

۱. نکته بسیار جالبی که در جنگ ایران و عراق باید به آن اشاره کرد این است که دو ابرقدرت که در حالت رقابت با هم هستند در این مورد با هم متحد می‌شوند. چرا؟ چون ایران گفته بود سیاست من نه غربی است، نه شرقی؛ یعنی نه جزو بلوک غرب هستم، نه شرق. لذا هر دو قطب شوروی و آمریکا با اتحاد هم تلاش کردند درسی به ایران بدهند که مایه دلگرمی برای سایر دوستانشان باشد.

از لحاظ رفاه مردم و معیشت مردم و کلاً رشد معنوی، اقتصادی و اجتماعی مردم. منتها دشمنان به خاطر این که این تفکر را از بین ببرند، جنگ را بر ما تحمیل کردند. در هر حال هرچند تفکرات افراطی اوایل انقلاب، به نحوی شاید کم، باعث ارباب بعضی از کشورهای منطقه گردیده بود و می‌توانست بهانه‌ای برای جنگ قرار گیرد، لیکن دقت در رخدادهای آن زمان و تجزیه و تحلیل مسائل این واقعیت را آشکار می‌سازد که در هر صورت کشورهای استکباری تحمل انقلاب اسلامی را نداشته و خواه ناخواه برای سرکوب نظام نوپای اسلامی ما و جلوگیری از نفوذ و توسعه آن به هر تریبی که بتوانند تلاش خواهند کرد، حتی با تحمیل جنگ که به آن نیز اقدام کردند، ولی با عنایات خاص خداوند موفق نشدند.

۴- اگر در ایران انقلاب اسلامی نمی‌شد، باتوجه به این که شاه طرفدار امریکا بود باز هم ممکن بود عراق به ایران حمله کند؟ چرا می‌گویند عراق از سال‌های ۵۳-۵۲ به فکر حمله به ایران بود؟

اختلافات مرزی ایران و عراق سابقه طولانی داشته و حتی به قبل از ایجاد کشور مستقل عراق برمی‌گردد. دلیلش هم نقش دولت‌های استکباری در تعیین مرزهای دو کشور می‌باشد که در نظر داشتند همواره کانون بحرانی در این منطقه وجود داشته باشد. برای رفع این اختلافات و تفاهم بین دو کشور در طول زمان‌های گذشته حداقل ۱۶ سند همکاری و توافق‌نامه بین ایران و دولت عثمانی و بعدها با دولت عراق منعقد گردیده است، که آخرین آن توافق‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر می‌باشد که عراقی‌ها مدعی بودند آن را در موضع ضعف پذیرفته‌اند و این قرارداد به آنها تحمیل شده است.

لذا از همان تاریخ، یعنی سال‌های ۵۳ و ۵۴ (زمان عقد قرارداد ۱۹۷۵) به بعد سرمایه‌گذاری زیادی برای تقویت نیروهای مسلح خود نموده و مترصد این بودند که شرایطی برای ایران پیش بیاید تا آنها بتوانند به ادعاهای مرزی خود جامه عمل

بپوشانند و به قولی این بار در موضع قدرت خواسته‌های خودشان را بر ایران تحمیل نمایند. لذا پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاهنشاهی وابسته به امریکا بهترین موقعیت و فرصت را برای صدام به وجود آورد که این بار با هدف‌های بزرگتر و ادعاهای بیشتر برای احقاق حقوق موهوم خود به ما حمله کند.

۵- چرا جنگ به این وسعت بر سر یک شهر یا یک رودخانه سر گرفته است؟

اگر به علل حمله ارتش صدام به کشور ما - که قبلاً گفته شد - دقت کنید، متوجه می‌شوید که این جنگ بر سر یک رودخانه یا یک شهر نبوده است. اهدافی که صدام اعلام کرده بود و اهدافی که کشورهای فرامنطقه‌ای برایش دیکته کرده بودند خیلی فراتر از اینها بود. آنها ضمن جدا کردن خوزستان درصدد براندازی کل نظام بودند، لذا تمامیت ارضی ما که جزو منافع ملی و ناموس هر کشور محسوب می‌شود هدف قرار گرفته بود.

از طرفی اعتقادات مذهبی ملت ما این اجازه را نمی‌داد که بنشینند و نظاره‌گر باشد. وقتی که ما می‌گوییم هیئات من الذله - که یک مفهوم جهانی دارد - یعنی این که ما زیر بار هیچ ذلتی نمی‌رویم. این را اسلام، قرآن و آیین ما به ما آموخته است. حال ملت ما به سادگی ارون‌درود را بدهد و بعد خرمشهر را از دست بدهد! آیا با این تفکر کشوری برای ما باقی مانده بود؟

ادامه جنگ و طولانی شدن آن

۱- آیا شروطی که ایران برای پذیرش صلح در اوایل جنگ گذاشته بود، مانند

سقوط رژیم بعث، منطقی بود؟ آیا این شروط بهانه‌ای برای ادامه جنگ نبود؟
 وقتی که جنگ شروع شد اولین شرط ما به طور معقول خروج متجاوز از مناطق اشغالی بود. در تمام دنیا از گذشته تا حال و در آینده همه همین ایده را دارند که ابتدا باید وجود دشمن از منطقه اشغالی پاک بشود تا شرایط یکسان شود، زیرا زمین در گرو امتیازاتی است که دشمن می‌خواهد بگیرد؛ از امتیازات سیاسی یا اقتصادی یا ادعای ارضی و چیزهای دیگر.

بنابراین در ابتدای جنگ ما اصرار داشتیم نیروهای عراقی باید از ایران خارج بشوند تا آتش‌بس را بپذیریم و عراق هم روز ششم جنگ پیشنهاد آتش‌بس داده بود؛ ولی این در حالی بود که نزدیک به ۱۵ هزار کیلومترمربع از خاک وطن ما را در اشغال خود داشت و پذیرفتن آتش‌بس در آن شرایط یعنی واگذاری آن ۱۵ هزار کیلومتر. حال شما امروز می‌پذیرید که خرمشهر در دست عراق باشد، آبادان در محاصره، عراق در ۱۵ کیلومتری اهواز، از آن طرف هم نزدیک دزفول و اندیمشک بایستد و بعد ایران مذاکره کند که خواهش می‌کنم برو بیرون؟

اگر ایران چنین پیشنهادی را می‌پذیرفت، قطعاً ما ضرر کرده بود و امروز آن تصمیم مورد لعن و استیضاح شما بود. لذا شرط اول ما این بود که از مناطق اشغالی بیرون بروم که از نظر حقوقی و منطقی شرطی است کاملاً معقول و چون عراق از مناطق اشغالی خارج نشد و تخلیه نکرده بود و ادعاهای بیشتری را مطرح می‌کرد، جنگ ادامه پیدا کرد و روز به روز صدمات و خسارات ما بیشتر شد و لذا شروط ایران نیز اضافه می‌گردید؛ برای این که کشور مورد حمله و تجاوز قرار گرفته بود و خسارات مالی و جانی بسیاری دیده بود. در هر صورت سقوط رژیم بعث در پاسخ‌های رسمی و بین‌المللی ایران نبود، بلکه خواسته ما متجاوز شناخته شدن صدام، تنبیه متجاوز، تخلیه اراضی اشغال‌شده و پرداخت غرامت بود و این شروط در واقع نوعی احقاق حق ایران بود که بایستی از متجاوز گرفته می‌شد.

۲- چرا جنگ را تمام نمی‌کردیم؟

اصلاً جنگ را ایران شروع نکرده بود که تمام کند. دزدی آمده ما را مورد تعدی قرار داده و در اتاق ما نشسته، حال چه کسی باید این دزد را بیرون کند؟ دزد هم می‌گوید توی همین اتاق می‌مانم و به شما پیشنهاد آتش‌بس می‌دهد. باید می‌پذیرفتیم؟ اگر شما بودید قبول می‌کردید؟ اگر ایران آن روز می‌پذیرفت، شما جوانان غیرتمند امروز به آن تصمیم اعتراض نمی‌کردید و نمی‌گفتید چرا قصرشیرین، نفت‌شهر و... را پس نگرفتید؟ آن موقع شما باید آن نسل را محاکمه می‌کردید که چرا این سرزمین‌ها را پس نگرفتید؛ حالا که نباید محاکمه کنید، حالا باید تشویق کنید. برای این که وقتی دشمن در خاکمان بود و گفت آتش‌بس، گفتیم آتش‌بس خیر؛ تا پای یک سرباز عراقی در خاک ماست، ملت ما آتش‌بس را نمی‌پذیرد و آن قدر می‌جنگد تا دشمن را از سرزمینش بیرون کند و این افتخار نصیب ما شد که یک وجب از خاک کشورمان به دست دشمن

نیفتاد. شما جنگ‌های گذشته کشورمان را مطالعه کنید، این جنگ از نوادر جنگ‌هایی است که ما قطعه‌ای از سرزمین‌مان را از دست نداده و حفظ کردیم.

۳- چرا جنگ ما یک جنگ طولانی فرسایشی بود؟

در طول هشت سال جنگ تحمیلی هر موقع توازن قوا به نفع ما بود صددرصد عملیاتی انجام می‌گرفت. ما همیشه تلاش می‌کردیم از طریق روش‌های ابتکاری و تاکتیک‌های مختلف کمبودهایمان را نسبت به عراق جبران کنیم. چون در محاصره نظامی و تحریم‌ها قرار داشتیم، لذا با کمبودهای بسیار زیادی روبه‌رو بودیم.

عراق از طرف حامیانش از جهت تجهیزاتی دائماً تقویت می‌شد و هیچ‌گاه از نظر امکانات سخت‌افزاری کمبودی را احساس نمی‌کرد. زمانی که توازن برقرار می‌شد جبهه‌ها نیز ساکت می‌شد؛ مانند دو کشتی‌گیری که هم‌زور هستند. در نتیجه جنگ طولانی می‌شد. چرا؟ برای اینکه نمی‌توانستیم تکلیف قطعی طرف مقابل را روشن کنیم؛ اما زمانی که با تقویت روحیه معنوی و قدرت جنگندگی و با تلاش مهندسین در مجموعه نیروهای ارتش و سپاه و بسیج و جهاد سازندگی برای ساختن کمبودهایی که داشتیم و آن قطعاتی که مورد نیاز بود ما را به یک برتری نسبی می‌رساند با استفاده از طرح‌های تاکتیکی خاص و ابتکاری، حتماً عملیاتی را شروع می‌کردیم.

۴- چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

این سوال با بیان‌های مختلف همیشه مطرح بوده است. فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ ضربه بسیار مهلکی هم از نظر نظامی و هم از نظر سیاسی و حیثیتی به صدام و ارتش صدام وارد نموده بود. صدام هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد با آن همه سرمایه‌گذاری که در منطقه خرمشهر کرده بود و استقرار لشکرهای سنگین در رده‌های متعدد پدافندی و ایجاد میادین گسترده مین و استحکامات و موانع فراوان، ایران بتواند این

منطقه را از اشغال خارج کند. وی گفته بود اگر ایران بتواند خرمشهر را آزاد کند، من کلید بصره را به او می‌دهم و با این شکست سنگین بسیار نگران شده بود، اعلام کرد من عقب‌نشینی می‌کنم و اعلام آتش‌بس می‌کنم. اما چرا باتوجه به پیشنهاد آتش‌بس صدام جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد، باید به دلایل مشروحه زیر توجه کرد:

اول: هیچ‌گونه پیشنهاد صلح عادلانه‌ای به ایران نشده بود و پیشنهاد آتش‌بس بود و مفهوم آتش‌بس در عرف بین‌الملل این است که نیروهای نظامی هر کشور در هر کجا که هستند، در هر منطقه‌ای حضور دارند بایستند و کشورهای متخاصم با هم مذاکره کنند.

دوم: عدم پذیرش معاهده ۱۹۷۵ و حضور ارتش بعث عراق در خاک ایران. عراق از سرزمین‌های ما به طور کامل عقب‌نشینی نکرده بود و ما خوزستان را با خون فرزندان برومند این کشور از اشغال عراق بیرون آورده بودیم و هنوز از ۱۵ هزار کیلومترمربع مناطق اشغالی حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع مثل قصرشیرین، خسروی، نفت‌شهر، مهران و چند منطقه دیگر در دست عراق بود و در میز مذاکره امکان نداشت عراق کوچکترین امتیازی را برای سمت مقابل قائل شود و درواقع این ایران بودیم که باید امتیاز می‌داد.

ما نباید فراموش کنیم در پایان جنگ وقتی که با عراق به آتش‌بس رسیدیم، مدت‌ها بحث می‌شد که برای مذاکره چگونه بنشینیم و بالأخره سیستم مثلث انتخاب شد. یعنی یک سمت ایران، یک سمت عراق، یک سمت نمایندگان سازمان ملل متحد. چون عراقی‌ها می‌گفتند ما باید بالا بنشینیم، یعنی بر سر چگونه نشستن بحث بود، چگونه وارد سالن بشوند، طارق عزیز، اصرار می‌کرد اول هیئت عراقی باید داخل جلسه شود و ایران می‌گفت نه، اول ما. نهایتاً سالنی انتخاب شد که دو درب داشت و در آن واحد هر دو هیئت وارد سالن مذاکرات شدند. نزدیک به ۲۵۰۰ کیلومترمربع از سرزمین‌های ما نیز دست عراق بود و می‌گفت ایران بگوید مرزهایش کجاست؟ کسی که زمینی را اشغال کرد به این سادگی رها نمی‌کند که مذاکره نماید.

سوم: ماشین جنگی عراق با کمک کشورهای غربی و شرقی کاملاً آماده به کار بود. درست است که عراق چند لشکرش را از دست داده بود، اما ۱۲ لشکری که در سال ۶۱ داشت، در پایان جنگ به حدود ۵۵ تا ۶۰ لشکر رسیده بود. ما انهدام نیرو انجام می‌دادیم، ولی با پشتیبانی شرق و غرب باز تسلیح و تجهیز می‌شد، انواع هواپیماهای جدید و مدرن نظامی را از روسیه و فرانسه دریافت کرده بود، تعداد زیادی تانک پیشرفته تی-۷۲ را از شوروی گرفته بود، یعنی یک قدرت نظامی تازه‌ای شده بود و هیچ بعید نبود که بلافاصله بعد از پذیرش آتش‌بس مجدداً به ایران حمله کند. کما اینکه بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران این مسئله اتفاق افتاد و ثابت شد که صدام قابل اعتماد نیست.

چهارم: هیچ‌یک از دو طرف ایران و عراق به خواسته‌هایشان نرسیده بودند. عراق به ایران حمله کرده بود که بگوید قوی‌ترین کشور جهان عرب است. از سران عرب پول زیادی گرفته بود، کمک‌های مالی، تسلیحاتی، تجهیزاتی، سیاسی، حتی نیروی انسانی و ابرقدرت‌ها کمک‌ها و حمایت‌های همه‌جانبه کرده بودند و توقع داشتند دست خالی از ایران خارج نشود. آیا مردم عراق سوال نمی‌کردند دستاورد تو از این جنگ سنگین و پرهزینه از نظر مالی و نیروی انسانی چه بوده است؟

و همین‌طور ایران هم به خواسته‌های به حق خودش که آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و رفع اشغال، شناخت متجاوز و قبول این که متجاوز باید خسارت بدهد نیز نرسیده بود. در این صورت ایران چه مذاکره و صحبتی با آنها می‌توانست داشته باشد؟ عراق به عنوان طلبکار و مدعی می‌گفت ایران قصد حمله به کشور ما را داشت و ما از خودمان دفاع کردیم و لذا در میز مذاکره قصد داشت حتماً بتواند امتیازاتی را از ما بگیرد، حتی به مقدار خیلی کم، تا بتواند جواب مردم کشورش و حمایت‌کننده‌هایش را بدهد.

در این صورت سوال‌کنندگان عزیزی که می‌گویند چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد، امروز نمی‌گفتند چرا آن روز دنبال حق ایران نرفتند و چرا جنگ ادامه پیدا نکرد تا حق ایران از متجاوز گرفته شود؟

۵- آیا طولانی‌تر شدن جنگ ارزش داشت؟

طولانی شدن جنگ خواست ایران نبود، بلکه به این خاطر بود که ما به خواسته‌های به حق و به حقوق قانونی خود برسیم. کوتاه‌تر شدن جنگ بسیار خوب بود، ولی نه به قیمت از دست رفتن حقوق مسلم کشور. لذا باید آن قدر ایستادگی می‌شد که حق ایران از متجاوزین گرفته می‌شد و به حول و قوه الهی هم موفق شدیم و دشمن را سر جایش نشانیدیم. البته این صدام بود که با تن ندادن به خواسته‌های به حق ما تجاوز را ادامه داده و جنگ را طولانی کرده بود و ما ملزم به استمرار دفاع بودیم.

البته طولانی‌تر شدن دفاع ملت ما حداقل ارزشش این بود که مقاومت ملت ما را به دنیا ثابت کرد و امروز بخشی از قدرت بازدارندگی موجود در کشور در اثر آن مقاومت دلیرانه و سازش‌ناپذیر ملت ما بوده است و دنیا فهمید که اگر با ما درگیر شود، با ملتی درگیر خواهد شد که از حقوقش نمی‌گذرد. در طول سال‌های گذشته بعد از جنگ هم استکبار جهانی به رهبری امریکا کارهایی را کردند، تهدیداتی را انجام دادند، اخیراً هم اسرائیلی‌ها به شدت این تهدیدات را انجام می‌دهند، ولی آنچه که در سابقه ذهنی آنها وجود دارد و مانع از برخورد نظامی می‌شود، در واقع اثرات آن مقاومت هشت ساله ملت ما بوده است. در واقع ما ثابت کردیم که اهل دفاع ایثارگرانه هستیم، هرچقدر هم دفاع طول بکشد، تن به ذلت صلح غیرشرافتمندانه نمی‌دهیم.

موضوعات کلی هشت سال دفاع مقدس

۱- آیا بنی‌صدر در حین جنگ به کشور خیانت کرد؟

حضرت امام(ره) وقوف کامل داشتند که دشمنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ما را راحت نخواهند گذاشت و کشور ما را رها نخواهند کرد، چون ما حرف جدیدی زده بودیم. ما در واقع با انقلاب اسلامی، امریکا و شوروی را خلع سلاح کرده بودیم و آنها نیز به تلافی، انقلاب ما را مورد هدف قرار داده بودند.

بنی‌صدر در سمت اولین رئیس‌جمهور کشور، قبل از شروع جنگ تحمیلی و بعد از آن وظیفه مهمی به عهده داشت؛ به خصوص اینکه حضرت امام(ره) اختیارات فرماندهی کل قوا را هم به ایشان تفویض کرده بودند، برای این که ایشان بتواند با تمام قوا و ظرفیت‌های موجود در مملکت برای موفقیت و پیش‌برد جنگ تلاش کند. اما متأسفانه حواشی و درگیری‌های سیاسی وی که با تحریک منافقین و سکولارها انجام می‌شد، به قدری شدید بود که قبل از شروع جنگ تحمیلی چندان توجهی به این سمت جلب نشد.

البته نمی‌توان به یقین گفت که ایشان از ابتدا به قصد خیانت به مردم و کشور نفوذ کرده و می‌خواست که مملکت را با خیانت به نابودی بکشاند، این امر را متخصصین

سیاسی باید تحلیل کنند. به نظر ما بنی‌صدر چون فردی قدرت‌طلب بود و همه چیز را برای خودش می‌خواست، لذا این‌گونه عمل می‌کرد.

به نظر می‌رسد او پیروزی را برای خود، نه برای نظام مقدس اسلامی می‌خواست و بعد از آن اتفاقات سیاسی که در سال‌های ۵۹ و ۶۰ در تهران رخ داد و نهایتاً گرایشاتی که ایشان به سمت منافقین پیدا کرد، منافقینی که با ملت ایران اعلام جنگ کرده بودند و بعد هم به طرف صدام رفته و ستون پنجم عراق را در داخل کشور تشکیل دادند، به خیانت کشیده شد و ملاحظه می‌کنیم بعد از فرار بنی‌صدر به اتفاق سرکرده منافقین در واقع گره جنگ باز می‌شود و کسانی که انگیزه دفاع از کشور را داشتند، یعنی ارتش و سپاه و بسیج مردمی متحد شده و نهایتاً آن فتوحات و پیروزی‌های بزرگ به دست می‌آید.

۲- چگونگی روند جنگ را توضیح دهید؟

مراحل جنگ را ما می‌توانیم به سه دوره تقسیم کنیم:

دوره اول: تثبیت یا سد نمودن دشمن

این امر در سال اول اتفاق افتاد. دشمن که با پیش‌بینی‌های قبلی و آمادگی کامل با حمله سراسری موفق شده بود از محورهای مختلف به خاک کشور اسلامی مان نفوذ کند، در این دوره با توجه به این که قصد داشت شهرهای بزرگی همچون کرمانشاه، ایلام، اهواز، آبادان، خرمشهر، اندیمشک و دزفول را تصرف کند و حتی در صورت استمرار موفقیت‌هایش به تسخیر پایتخت و براندازی نظام هم فکر می‌کرد، پیشروی‌اش متوقف شد و با وجود این که شهرهای مرزی خرمشهر، قصرشیرین، مهران

و نفت‌شهر را به تصرف خود درآورده بود، ولی به اهداف عمده و راهبرد خود نرسید و پس از هجوم اولیه قادر به پیشروی نشده و زمین‌گیر گردید.^۱

دوره دوم: دفع تجاوز دشمن از سرزمین‌های اشغالی

در این مرحله ضربات کوبنده نیروهای رزمنده ایران چه به صورت تک‌های ایذایی و محدود در سرتاسر جبهه‌ها و چه به صورت عملیات بزرگ، غرورآفرین و سرنوشت‌سازی همچون ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس با توجه به تعداد اسرا و تجهیزات و تسلیحات به غنیمت گرفته شده و انهدامی از دشمن، موفق شدیم علاوه بر وارد کردن ضربات مهلک بر پیکره ارتش صدام، او را از قسمت اعظم سرزمین‌مان نیز بیرون کنیم.

دوره سوم: اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دوره تنبیه متجاوز و

دفع فتنه

این دوره نزدیک شش سال طول کشید و با ایستادگی و مقاومت ملت ایران نهایتاً با صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، عقب‌نشینی کامل دشمن از قسمت‌های باقی‌مانده سرزمین‌مان و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ از سوی صدام و بعد اعلام رسمی دبیر کل سازمان ملل به معرفی عراق به عنوان آغازکننده جنگ و تعیین میزان خسارات جنگی انجامید.

۱. سرلشکر عراقی به نام وفیق السامرابی در کتاب خودش به نام *ویرانی دروازه شرقی* می‌نویسد: لشکر زرهی نتوانست از رودخانه کرخه عبور کند. لشکر ۱ مکانیزه نیز موفق نشد در منطقه شوش از رودخانه کرخه عبور کند. نیروهای ما در دشت‌ها در حالی که از شدت بمباران ایران جهنمی به وجود آمده بود، زمین‌گیر شدند و از این‌رو نیروهای ما در مواضع آشکار به شدت کوبیده شدند. وی ویژگی‌های این مرحله را به شرح زیر بیان می‌کند:

- ۱) ناکامی در تصرف اهداف مهم نظامی و عملیاتی بر روی زمین؛
- ۲) ناکامی نیروی هوایی در ایجاد یک وضعیت هوایی مناسب؛
- ۳) نیروهای ایرانی از مرحله عقب‌نشینی به مرحله دفاع نیرومند و هجوم رسیدند.

اما دفع فتنه یا نابودی حاکمیت متجاوز هرچند به دست نیروهای ما انجام نگرفت، ولی پایداری و مقاومت ملت ما در دفاع مقدس مشروعیت ملی، مقبولیت جهانی را از صدام گرفته و بی‌حاصلی جنگ را برای مردم عراق روشن نمود، انگیزه ملی و میل جنگ‌جویی ملی را از صدام گرفت و برای جبران این ضایعات به کویت حمله کرد که در نهایت منجر به سرنگونی او شد. لذا ایران اسلامی نقش عمده‌ای در سرنگونی صدام و حزب بعث عراق داشته است.

۳- علمی‌ترین عملیات، مهم‌ترین عملیات، کلیدی‌ترین عملیات کدام است؟

البته هرکدام از مسئولین در این زمینه نظرات خاص خودشان را دارند. اما از نظر هیئت معارف جنگ علمی‌ترین عملیات که تمام اصول جنگ و قوانین آن رعایت شده، عملیات فتح‌المبین بوده است.

مهم‌ترین عملیات استراتژیک عملیات بیت‌المقدس بوده که منجر به آزادسازی بزرگترین شهر استراتژیک، یعنی خرمشهر گردید.

دو عملیات را می‌شود کلیدی‌ترین عملیات بیان کرد. اولی عملیات ثامن‌الائمه که در آن حصر آبادان شکسته شد و دومی عملیات طریق‌القدس که طی آن جبهه پیوسته دشمن در خوزستان شکسته شد و درواقع میدان نبرد به دو قسمت تجزیه گردید که بعدها عملیات فتح‌المبین در شمال و بیت‌المقدس در جنوب‌غربی این منطقه انجام گرفت و آغاز پیروزی‌های بعدی بود و به رزمندگان اسلام اعتماد به نفس داد که اگر این دو عملیات نبود، این پیروزی‌های بزرگ شاید نصیب نمی‌شد.

۴- سلاح و تجهیزاتی را که در جنگ به کار گرفته می‌شد از کجا تهیه می‌گردید؟

همان‌طور که مطلع هستید، بحث تحریم‌ها تقریباً از اوایل انقلاب در کشور ما مطرح بوده و هنوز هم ادامه دارد. به خصوص تحریم‌های نظامی در زمان جنگ. هیچ کشوری

به ما تانک، هواپیما، توپ و تجهیزات عمده نمی‌فروخت. عراق که با اتحاد جماهیر شوروی پیمان داشت، بیشترین نیازهای خود را به سهولت از این کشور دریافت می‌کرد و برای تأمین سایر نیازمندی‌های خود از کشورهای دیگر هم هیچ‌گونه محدودیتی نداشت. برعکس هیچ کشوری نیازهای تسلیحاتی ما را تأمین نمی‌کرد. امریکایی‌ها که تأمین‌کننده بیشترین سلاح و تجهیزات ما بودند بعد از انقلاب ارتباطشان را با ما قطع کرده و ما را در تحریم تسلیحاتی قرار داده بودند، حتی به کشورهای دیگر هم اجازه فروش سلاح به ما را نمی‌دادند.

لذا در طول جنگ تحمیلی ما از همان سلاح‌ها و تجهیزاتی که در دست یگان‌ها بود و یا در انبارها به صورت ذخیره وجود داشت (هم در نیروی هوایی، هم در نیروی دریایی و هم در نیروی زمینی) و نگهداری شده بود، استفاده کردیم. البته در حین جنگ تعداد کمی تانک، حدود ۵۰-۴۰ دستگاه از کره‌شمالی خریداری شد، منتها چون موتورهای این تانک‌ها با آب و هوای ایران سازگاری نداشت از ادامه خرید آن صرف‌نظر شد؛ اما مهمات و قطعات یدکی از بازارهای آزاد بین‌المللی خریداری می‌شد، منتها با قیمتی گران‌تر، چون افراد زیادی در این زمینه دلالتی می‌کنند. ولی قادر به تهیه سلاح عمده نظامی مانند هواپیما و تانک و حتی برخی از قطعات یدکی عمده نبودیم.

در شرایط فعلی که ما در حال گذر از تکنولوژی قدیمی به تکنولوژی جدید و پیشرفته هستیم، شما نسلی هستید که باید این تغییرات را به وجود آورید، کما اینکه به وجود آورده‌اید. امروزه پیشرفت‌هایی که حاصل شده از همین دانشگاه‌ها و دانشجویان و جوانان کشور بوده است. به خصوص در بحث تسلیحاتی ما بیشترین پیشرفت را نسبت به سایر عرصه‌ها داشته‌ایم. دلیلش هم از آثار جنگ می‌باشد، چون ما در جنگ به این باور رسیدیم که هیچ‌کس در دنیا به ما کمک نخواهد کرد و باید روی پای خودمان بایستیم.

۵- ما در جنگ در چه عملیات‌هایی شکست خوردیم و به چه علت؟ و چرا

فقط به پیروزی‌ها توجه می‌کنید و از شکست‌ها یاد نمی‌شود؟

در طول هشت سال دفاع مقدس صدها عملیات کوچک و بزرگ در زمین و هوا و دریا انجام گرفت. طبیعتاً تعدادی از این عملیات‌ها پیروز بوده و تعدادی هم ناموفق. اگر بخواهیم عملیات‌های مهمی که در آن موفق نشدیم را نام ببریم می‌توان به عملیات ۲۳مهر، عملیات نصر، عملیات کرخه کور، عملیات والفجر مقدماتی، والفجر ۱، عملیات رمضان، بدر، خیبر، کربلا ۴ اشاره کرد.

اما علت عدم این موفقیت‌ها چه بوده است، برمی‌گردد به تقویت‌ها و حمایت‌های گسترده و بی‌دریغی که از عراق می‌شد و یا اشتباهات تاکتیکی که نیروهای خودی می‌کرد، که بیشتر ناشی از عدم برآوردهای دقیق بر اساس فقدان اطلاعات کامل از دشمن بود. بالأخره نیروهای ما هم اشتباه داشتند و نمی‌شود گفت که اشتباه نمی‌شد؛ بالعکس عراق به دلیل حمایت‌های بی‌دریغ اطلاعاتی غرب و شرق، در مواردی از حملات و عملیات نیروهای ایران اسلامی مطلع می‌گردید.

اما می‌پرسید چرا فقط به پیروزی‌ها توجه می‌کنید و از شکست‌ها یاد نمی‌شود؟ دلیلش این است که در این کلاس‌ها با فرصت کمی که داریم، عملیاتی که ناموفق بود را فقط نام بردیم. ولی نقاط قوت جنگ و آن پیروزی‌های بزرگی که نیروهای ما را به نتیجه رساندند و باعث پیروزی در بیرون راندن دشمن از سرزمین‌مان و شکست نهایی دشمن شدند و ذکر آن موجب افتخار و غرور ملی ما می‌شود را بیان می‌کنیم.

۶- چرا برای خنثی کردن مین از نیروی انسانی استفاده می‌شد؟ آیا روش

دیگری وجود نداشت؟

میادین مین کارگذاشته در منطقه نبرد با نیروی انسانی پاک‌سازی می‌شود و اصولاً در زمان حمله برای ایجاد معبر در میادین مین چاره‌ای جز استفاده از نیروی انسانی

نیست. ولی اگر منظور تان این است که انسان‌ها را داخل میدان مین می‌فرستادند و یا افراد را از روی مین رد می‌کردند، که در بعضی مواقع شایع می‌شد، خیر؛ چنین دستوری هرگز صادر نشده و هرگز کسی نگفته روی مین بروند. اما موارد کمی پیش آمده است که در بحبوحه جنگ و در آن هیجان نبرد هنگامی که یگانی به واسطه برخورد با میدان مین متوقف شده و تلفات می‌داد افرادی به صورت داوطلبانه برای جمع‌آوری مین و ایجاد معبر می‌رفتند تا راه را برای عبور یگان مربوطه باز کنند؛ و شاید به دلیل کمبود زمان و برای لو نرفتن عملیات و از دست دادن فرصت، بسیار نادر به صورت تعجیلی و با کمترین امکانات و با ایثار به عملیات استشهادی مبادرت می‌ورزیدند. اما اینکه کسی دستور بدهد که شما بروید و با بدن‌هایتان میدان مین را پاک کنید، چنین چیزی نبوده است.

۷- چرا ایران به حلبچه حمله کرد؟

حلبچه در شمال کردستان عراق قرار دارد. وقتی که عراق در جبهه جنوب و اطراف بصره آب انداخته بود و با ایجاد موانع زمین را به اصطلاح مسلح کرده بود و راهی که نیروهای زمینی ما بتوانند به سمت بصره حمله کنند وجود نداشت، تصمیم گرفته شد جنگ به سمت شمال عراق کشیده شود تا عراق هم نیروهایش را به طرف شمال حرکت دهد. در واقع این یک تاکتیک شناخته‌شده‌ای است که با باز شدن جبهه جدید، جبهه قبلی سبک‌تر می‌شود. وقتی که سپاه با استقبال مردم کرد عراق به حلبچه حمله کرد و هنوز حلبچه را کامل تصرف نکرده بود، مردم حلبچه شروع به خوشحالی کردند. صدام از این مسئله بسیار ناراحت و نگران شد و برای عبرت مردم آنجا و سایر شهرهای کردنشین دستور بمباران شیمیایی شهر را صادر کرد که در نتیجه تعداد زیادی از مردم شهر کشته و مجروح شدند.

۸- انگیزه شما از جنگ حفظ نظام حاکم بر ایران بود، یا دفاع و حفظ مرزها

و ناموس میهن؟

دقت کنید وقتی که شما از مرزهای کشورتان دفاع می‌کنید، یعنی تمامیت ارضی را حفظ می‌کنید، درواقع از نظام حاکم بر کشور نیز دفاع کرده‌اید. یعنی حاکمیت ملی را نیز دفاع نموده‌اید. مأموریت ارتش برابر ماده ۱۴۴ قانون اساسی ایران حراست از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی و صیانت از کیان جمهوری و نظام اسلامی ایران می‌باشد. یعنی ارتش علاوه بر حفظ سرحدات کشور، حفظ نظام را هم طبق قانون اساسی به عهده دارد و این وظیفه‌ایست که تمام ارتش‌های جهان نسبت به کشور خود دارند. ضمناً نظام یک نهاد قانونی است که برآمده از اراده ملت است و با رأی مردم انتخاب شده و مشروعیت پیدا کرده. ارتش هم وظیفه‌اش دفاع از آن، یعنی دفاع از خواست و اراده ملی است.

۹- عراق از دادن تلفات پرهیز می‌کرد و اغلب افرادش در موقع جنگ برای

اینکه تلفات ندهند یا فرار می‌کردند یا خودشان را تسلیم می‌کردند. چرا ایرانی‌ها این کار را نمی‌کردند و برای شهادت‌طلبی آماده بودند و از کشته شدن هراسی نداشتند و در مقابل عراقی‌ها دیوار گوشتی درست می‌کردند؟

اولاً عراقی‌ها به این سادگی حاضر به تسلیم نبودند و همیشه تا آخرین تیر تفنگشان مقاومت می‌کردند و اینکه شما در عملیات‌های بزرگ خیل اسیران عراقی را می‌بینید، دلیلش نجنگیدن آنها نیست، بلکه طراحی‌های خوب عملیاتی و اجرای شجاعانه و هوشمندانه و بی‌باکانه رزمندگان ما بوده است. شما ملاحظه می‌کنید ارتش عراق حتی بعد از هر حمله رزمندگان اسلام چندین پاتک سنگین برای بازپس‌گیری مناطق از دست رفته انجام می‌داد. لذا اینکه سربازان عراقی از جلوی نیروهای ما فرار می‌کردند یا خیلی زود خودشان را تسلیم رزمندگان می‌کردند، صحت ندارد و یک مطلب تبلیغاتی

است. بلکه می‌توان گفت از ترس عقبه خود و برخورد صدام با فراریان یا شکست-خوردگان تا مرحله اعدام انفرادی و دسته‌جمعی آنان تا آخرین لحظه و آخرین تیر تفنگشان می‌جنگیدند.

اما در مورد رزمندگان اسلام، برابر آمارهای موجود ما در طول هشت سال دفاع مقدس با قریب پنج‌میلیون رزمنده، نزدیک به ۱۸۰ هزار نفر شهید داشته‌ایم که برای هشت سال جنگ، آن‌هم با این وسعت و گستردگی به هیچ‌وجه عدد بزرگی برای جنگ‌های امروزی نیست. چندی قبل مسئولی صحبت می‌کردند، می‌گفتند در طول جنگ ما حدود ۲۲۰ هزار شهید دادیم، در حالی که در همان دوره ۳۰۰ هزار نفر در جاده‌های ما در اثر تصادفات و تلفات جاده‌ای کشته شدند. پس اگر شما می‌گویید دیوار گوشتی باید به سراغ جاده‌ها بروید، نه دفاع مقدس.

۱۰- دلیل عقب‌نشینی ایران از فاو چه بود؟ در صورتی که اگر فاو حفظ

می‌شد، می‌توانست ضمانتی برای جبران خسارات جنگی ما باشد.

دلیل عقب‌نشینی ایران از فاو حمله گسترده ارتش عراق با استعداد چند لشکر، استفاده از عوامل شیمیایی و نگرانی از قبل ایجادشده در رزمندگان در خصوص عوامل شیمیایی و از طرفی خط پدافندی ضعیف ما که به استعداد تقریبی دو گردان در حال پدافند بودند، می‌باشد.

۱۱- در مورد موفق بودن یا نبودن عملیات خیبر و اینکه اساساً این عملیات

تا چه حد به عنوان عملیات پر قدرت تأثیرگذار بوده است، توضیح دهید.

در عملیات خیبر قصد بر این بود که نیروهای ما از مرداب بزرگ هورالعظیم که بین ایران و عراق به صورت یک منطقه مشترک قرار دارد و از نظر دشمن غیرقابل عبور بود، عبور کرده و ارتباط بین بغداد و بصره را قطع کنند. البته رزمندگان ما با کمک هوانیروز

- که با استعداد حدود ۹۰ بالگرد عده‌های پیاده اعم از سپاهی و بسیجی و ارتشی را هلی‌برن می‌کرد و بعد هم آذوقه و مهمات‌رسانی را انجام می‌داد و نیروهای پیاده‌ای که با قایق از مرداب عبور کرده بودند - به هدف رسیدند و عملیات با موفقیت انجام شد و ۴۸ ساعت هم ارتباط جاده‌ای را قطع کردند. ولی عراق با به کار بردن یگان‌های سنگین زرهی و آتش توپخانه بسیار شدید و سلاح‌های شیمیایی نیروهای ما را پس زد و نهایتاً ما در عملیات خیبر به همه اهدافمان نرسیدیم. اما در حین عقب‌نشینی توانستیم جزایر خیبر (که بعداً به جزایر مجنون معروف شد) و چندین پد یا قطعه زمین خشک دیگر را که دارای حوزه‌های نفتی بود تصرف کرده و نگه داریم. ضمناً صدام فهمید که نیروهای ایران از هر طریقی که شده برای تنبیه او و وادار کردن او به تحقق خواسته‌های مشروع خود وارد خاک عراق خواهد شد، چه از مسیر شرق بصره، چه از طریق عبور از نینواها و یا زمین‌های ماسه‌ای، از طریق هوا، زمین و... و رهایش نخواهد کرد تا او قرارداد ۱۹۷۵ را پذیرفته و در آتی دست به تجاوز مجدد نزند. این بزرگترین نتیجه‌ای بود که عملیات خیبر دربرداشت.



۱۲- آیا در جنگ تحمیلی ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد؟

ما سلاح شیمیایی نداشتیم که استفاده کنیم و قصد تولید و داشتن آن را هم نداشتیم. چون ما بر اساس موازین شرع و فتوای حضرت امام(ره) با سلاح‌های کشتار جمعی مخالف بوده و هستیم و سلاح شیمیایی جزو سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌شود. لذا چه به لحاظ دینی، اخلاقی و چه به لحاظ نظامی مخالف کاربرد این سلاح بوده و هستیم. به همین دلیل هم به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و رهبر فرزانه انقلاب، فتوا بر عدم تولید و استفاده از آن داده‌اند.

در طول جنگ تحمیلی عراق بارها از این نوع سلاح علیه رزمندگان ما استفاده کرد، به خصوص علت بسیاری از شکست‌ها در عملیات‌های اواخر جنگ، استفاده گسترده

عراق از سلاح شیمیایی بود. حتی استفاده از سلاح شیمیایی در شهرهای حلبچه و سردشت که جنایات ماندگار در تاریخ بشریت خواهد بود، توسط صدام انجام شد و ما هم به کرات به تمام جهان اعلام می‌کردیم و با طرح شکایت در سازمان ملل، دنیا متوجه این جنایت صدام گردید. در صورتی که حتی یک مورد گزارش و شکایت از کاربرد سلاح شیمیایی از سوی ایران وجود ندارد. یادآوری می‌شود که به تدریج نیروهای ما نیز در مقابل سلاح‌های شیمیایی دشمن با به‌کارگیری ماسک‌های ضدگاز و دیگر وسایل رفع آلودگی و فراگیری آموزش‌های لازم، آسیب‌پذیری خود را به مراتب کاهش داده و به حداقل رساندند.

۱۳- نقش ارتش در عملیات مرصاد چه بود؟

عملیات مرصاد عملیاتی بود که برای مقابله با عملیات فروغ جاویدان که توسط منافقین و با پشتیبانی هوایی و زمینی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی شده بود، در بعدازظهر روز سوم مردادماه سال ۱۳۶۷ به اجرا گذاشته شد. برآورد اولیه آنها این بود که سه روزه در تهران در محل‌هایی که پیش‌بینی کرده بودند مستقر شود. این عملیات زمانی اتفاق افتاد که ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته بود. منافقین به تصور اینکه نیروهای دفاعی ایران ضعیف شده‌اند و کارایی لازم را ندارند و از طرفی به دلیل غفلت و باوری که از قبول قطعنامه برای نیروهای ما ایجاد شده بود، با پشتیبانی نیروی هوایی و توپخانه‌های عراق حمله زمینی غافلگیرکننده‌ای را علیه ما آغاز کردند. آنها توانستند بعد از عبور از مرزهای غربی وارد قصرشیرین و شهر اسلام‌آباد شده و تا نزدیکی کرمانشاه در گردنه چهارزبر پیشروی کنند. ولی در این محل زمین‌گیر شدند. نقش نیروهای سپاه و بسیج در توقف حمله منافقین در این گردنه بسیار قابل ملاحظه و ارزنده می‌باشد که به اتفاق نیروهای ارتش توانستند جلوی آنها را بگیرند تا نیروهای دیگر برسند.

شهید صیادشیرازی در این عملیات، هواپیماهای نیروی هوایی را از روی زمین به روی مواضع دشمن هدایت می‌کرد و همچنین با قرار گرفتن در داخل بالگرد، فرماندهی بالگردهای هوانیروز را برای انهدام منافقین بر عهده گرفته بود و جهت نابودی نیروهای منافقین به قلب دشمن می‌زد. نهایتاً منافقین با به جا گذاشتن بیش از دوهزار کشته و انهدام صدها نفربر و خودروی نظامی متواری می‌شوند و نیروهای زمینی ارتش و سپاه توانستند آنها را دنبال کرده و به مرز برسند.

۱۴- مراحل جنگ تحمیلی و پیروزی یا شکست در هر مرحله را بفرمایید.

باتوجه به بررسی و تحلیل اهداف سیاسی، نظامی و استراتژیک دشمن و مقایسه آن با اهداف جمهوری اسلامی ایران که در سوال مربوطه به آن پاسخ داده شد، راه دیگر، تحلیل مرحله‌ای دفاع مقدس می‌باشد که تشریح می‌شود:

- مرحله کند کردن، متوقف کردن و زمین‌گیر کردن و تثبیت دشمن.
- اخراج دشمن از کشور اسلامی‌مان.
- تعقیب متجاوز در داخل خاک خود به منظور تنبیه و پذیرش شرایط ایران برای خاتمه جنگ.

در مرحله کند کردن و سد کردن دشمن نزدیک به ۷۰ درصد موفقیت حاصل شد. هرچند دشمن توانست حدود ۱۵ هزار کیلومتر از سرزمین‌های ما را به اشغال خود درآورد، ولی صدام در طراحی اولیه‌اش ۵۰ هزار کیلومترمربع را در نظر گرفته بود، نه ۱۵ هزار کیلومتر. به طوری که از غرب کشور کرمانشاه، از شمال غرب سنندج و میوان و در جنوب هم خوزستان در طرح عملیاتی اولیه دشمن قرار داشت، ولی موفق نشد و اجباراً در مواضع پدافندی متوقف و تثبیت شد. در مرحله دوم یعنی بیرون راندن دشمن از سرزمین اسلامی‌مان ۱۰۰ درصد موفق بودیم؛ زیرا در پایان جنگ و همین امروز هم یک وجب از خاک ما در اختیار دشمن قرار ندارد.

در مرحله تنبیه متجاوز یا راهبرد دفع فتنه که با نابودی صدام حاصل می‌شد، اولاً در اعمال اراده سیاسی که باعث تدوین قطعنامه ۵۹۸ شد که برای اولین بار خواسته‌های ما در آن ملحوظ شده بود و پذیرش و تن دادن صدام به قرارداد ۱۹۷۵ در اثر آن عملیات‌ها و ایستادگی ما به وجود آمده بود، هرچند بعضی‌ها معتقد هستند که در مرحله دفع فتنه ما موفق نبودیم، اما به اعتقاد ما موفقیت زیادی داشتیم. زیرا درست است که حکومت صدام در حمله امریکا سرنگون شد ولی قبل از آن در اثر دفاع جانانه رزمندگان ایران و صدمات جبران‌ناپذیری که ارتش عراق خورده بود، انگیزه جنگیدن را از دست داده بودند، توان ملی و شأن حکومتی صدام در پایان جنگ بسیار تقلیل پیدا کرده و خیانت در ارتش صدام شیوع یافته بود و در دفاع مقدس ما، مشروعیت و مقبولیت جهانی نیز از صدام گرفته شده بود. این عوامل باعث گردید که نهایتاً نظام صدام با کمترین مقاومت، توسط استکبار جهانی از بین برود. لذا هرچند پیروزی برای ما دیرتر از پایان جنگ نصیب شد، ولی در هر صورت همه چیز به نفع ایران رقم خورد.

۱۵- در جنگ هشت ساله ما بیشتر ضرر کردیم یا عراق؟

در هر جنگی هر دو طرف ضرر می‌کنند، ولی خسارات جنگ در بعد نیروی انسانی و مسائل اقتصادی، نظامی، تأسیساتی و... برای طرفی که حمله کرده است، اگر نتواند به اهدافش برسد طبعاً بیشتر خواهد بود.

عراق در حمله به ایران به خودش وعده داده بود که حداقل خوزستان را ضمیمه خاک خود خواهد کرد. لیکن بیش از ۲۰۰ هزار نفر تلفات و بالغ بر ۷۰ هزار اسیر داد. ولی نتوانست به اهدافش برسد، به عقب رانده شد، یا ناچار شد به پشت مرزهایش برگردد و قرارداد ۱۹۷۵ مرزی دو کشور را - که با آغاز جنگ پاره کرده بود - دوباره به رسمیت بشناسد، لذا طبیعی است که بیشتر ضرر کرده است. اما طرفی که دفاع کرده اگر بتواند به اهدافش برسد و اهداف دشمن را در تجاوزی که کرده خنثی کند درست

است که هزینه داده، ولی پیروز شده و ضرری به مراتب کمتر از طرف اول داده است و به تعبیری دشمن نتیجه‌ای از کار خود نگرفت. ولی ما می‌توانیم بگوییم در دفاع خود سربلند بودیم و در مقابل تاریخ و نسل‌های حال و آینده شرمنده نشدیم.

۱۶- آمار حضور رزمندگان در جبهه‌ها و تعداد شهدا و مجروحین را بفرمایید.

بر اساس مدارک و سوابق موجود در طول هشت سال دفاع مقدس ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار سرباز وظیفه به جبهه‌ها اعزام شده‌اند که متوسط حضورشان در جبهه‌ها ۲۰ ماه می‌باشد و در طی همین مدت ۲۱۷ هزار نفر نیروهای پایور ارتش با متوسط ۵۰ ماه در جبهه‌ها حضور داشته‌اند.

ملاحظه می‌شود که در طول هشت سال دفاع مقدس بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر ارتشی از کارکنان وظیفه و کادر در جبهه‌ها حضور داشته‌اند. البته این حضور به غیر از حضور نیروهای ارتش در کردستان، گنبد و مبارزه با خلق عرب بود. یگان‌هایی مثل لشکر ۲۸ کردستان، لشکر ۶۴ ارومیه، لشکر ۸۱ کرمانشاه و همچنین واحدهایی از لشکر ۲۱ حمزه، لشکر ۱۶ قزوین، لشکر ۷۷ خراسان، تیپ ۵۵ هوابرد، تیپ ۶۵ نیرومخصوص قبل از شروع جنگ تحمیلی درگیر با ضدانقلاب بودند.

از حضور این تعداد نیروی ارتشی در جبهه‌ها ۳۸ هزار نفر سرباز وظیفه به شهادت رسیده‌اند و ۱۰ هزار نفر پایور که جمعاً نزدیک به ۴۸ هزار شهید ارتش را تشکیل داده‌اند. باتوجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده در قرن بیستم که به قرن دموکراسی، قرن دانش، قرن اطلاعات و... معروف شده است، ۳۱۸ جنگ، شورش و درگیری مسلحانه از جمله جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم، جنگ کره، جنگ ویتنام و... رخ داده است که به طور متوسط سالی سه مورد می‌باشد و در این جنگ‌ها و درگیری‌ها بیش از ۲۵۰ میلیون نفر تلفات نیروی انسانی بوده است.

لازم به ذکر است که در ۳۱۸ مورد جنگ، در رده بالای هیج ارتشی به اندازه ارتش ما شهید نداده‌اند، ارتش ما در رده رئیس ستاد ارتش دو نفر شهید داده است (شهید قرنی و شهید فلاحی)؛ دو نفر وزیر دفاع شهید شده‌اند (شهید نامجو و شهید فکوری)؛ دو نفر فرمانده نیرو شهید شده‌اند (شهید صیادشیرازی و شهید ستاری)؛ شهادت جانشین نیروها (شهید نیاکی و شهید بابایی) و معاونین نیروها و فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها نیز آمار بالایی را تشکیل می‌دهد.

اما با همه این افتخارات باید اعتراف کنیم افتخار واقعی جنگ به دوش مردم ماست. مردم ما که در قالب بسیج حتی به دلیل نداشتن آموزش کامل، دفاع را بر هیچ امری متوقف نکردند و از اولین روزهای جنگ به کمک نیروهای مسلح آمدند.

آمارها نشان می‌دهد که ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بسیجی در مجموعه سپاه پاسداران در طول هشت سال دفاع مقدس به جبهه‌ها آمدند و ۴۳ درصد از کل شهدای دفاع مقدس، یعنی ۹۳ هزار نفر بسیجی به شهادت رسیدند که از این تعداد ۳۴ هزار نفر دانش‌آموز بودند که بین کلاس سوم متوسطه تا دیپلم مشغول تحصیل بودند. رزمندگان سپاهی پایور، جهادی، کمیته، عشایر، پیش‌مرگان کرد مسلمان، جنگ‌های نامنظم، ژاندارمری، شهربانی مجموعاً ۱۸۰ هزار نفر با متوسط ۴۰ ماه در جبهه. لذا همه ما به حق مدیون بسیج هستیم و با صراحت باید گفت بدون حضور بسیج نه ارتش قادر به اداره جنگ بود، نه سپاه.

البته این مسئله، یعنی کمک‌های مردمی در جنگ، در کشورهای دیگر هم سابقه دارد. زمانی که جنگ طولانی می‌شود به دلیل عمق جبهه، زمان و گسترش جنگ، مردم هم درگیر می‌شوند، ولی حضور بسیجیان ما یک حضور داوطلبانه، عاشقانه، عارفانه و با عشق به شهادت انجام می‌شد.

کل شهدای ایران که شامل شهدای جنگ تحمیلی، شهدای انقلاب اسلامی می‌باشند، مجموعاً حدود ۲۱۷ هزار نفر می‌باشند که شهدای پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۳ هزار نفر، شهدای درگیری‌های مستقیم جبهه‌ها حدود ۱۷۲ هزار نفر، در

بمباران‌های هوایی و موشکباران شهرها حدود ۱۶ هزار نفر، در درگیری‌های داخلی با منافقین و اشراک حدود ۲۰ هزار نفر بوده‌اند. یعنی در مقایسه، شهدای درگیری با منافقین و ضدانقلاب بیش از شهدای بمباران‌ها و موشکباران صدامیان بوده است. شهدای بین ۱۶ تا ۲۵ سال ۱۵۵ هزار نفر (۷۱ درصد) بودند که نشان می‌دهد قشر جوان ما بار اصلی جنگ را به دوش داشتند.

در بررسی بین اقشار مختلف جامعه روشن می‌شود روحانیون در خط مقدم تقدیم شهدا بوده‌اند (پنج برابر سایر اقشار) و در صف بعدی دانشجویان (سه برابر حد متوسط) قرار داشته‌اند. ضمناً آمار شهدای اقلیت بدین شرح است: شهدای مسیحی ۸۸ نفر و شهدای زرتشتی ۱۸ نفر.

آمار جانبازان نیز به شرح زیر است:

- جانبازان تا ۲۵ درصد ۲۱۹ هزار نفر
- جانبازان ۲۵ تا ۷۰ درصد ۱۵۲ هزار نفر
- جانبازان قطع نخاع کمر به پایین ۱۷۰۰ نفر
- جانبازان شیمیایی ۶۵۰۰ نفر

(البته بخشی از شیمیایی‌ها ناشناخته مانده‌اند).

موضوعات بسیج مردمی و سپاه پاسداران

۱- چرا با توجه به اینکه بسیج و سپاه آموزش کافی نداشتند و تعدادی از

بسیجیان جوان و کم‌سن بودند باز به جبهه‌ها می‌رفتند؟

شما مجسم کنید دزدی آمده درب خانه را شکسته، وارد حریم خانه شما شده، می‌خواهد هتک حرمت کند، اموال شما را به غارت برده، جان شما، نوامیس و خانواده در خطر است و شما و افراد خانواده هم آموزش دفاعی ندیده‌اید. چه کار می‌کنید؟ آیا از دزد یا متجاوز فرصت می‌گیرید که فرصت بدهد تا بروید مثلاً دفاع شخصی یاد بگیرید و برگردید و با او مقابله کنید و آیا دزد و جانی به شما چنین فرصتی می‌دهد؟ یا در همان زمان با هرچه در دست دارید، با آجر و سنگ و چوب و با هر توان موجود به جانش می‌افتید و با او درگیر می‌شوید؟

عزیزان، کشور ما در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد که دشمنی تا دندان مسلح با همه کینه و عداوت خود به کشور ما تجاوز می‌کند، خانه و کاشانه ما را ویران کرده، شهرهای مرزی ما را مورد تعرض قرار داده، هزاران نفر از مردم ما آواره شده‌اند و آن فجایع وحشتناک به بار آمده. در آن موقع است که خون ملت ما به جوش می‌آید و پیران و جوانان ما، حتی نوجوانان دانش‌آموز با دست‌کاری شناسنامه‌های خود تلاش می‌کنند به جبهه بروند، به تکلیف شرعی خود در دفاع که به صورت واجب کفایی و در

مواقعی واجب عینی و جوب می‌یابد عمل کنند و این دشمن ظالم افسارگسیخته را بر سر جایش بنشانند تا بتوانند از مملکت، دین و ناموسشان دفاع کنند.

لذا برادران بسیجی ما با مدیریت سپاه پاسداران سازمان‌دهی شدند، آموزش دیدند و به جبهه آمدند و جنگیدند و در ضمن جنگ هم آموزش‌های نظامی را فراگرفتند. شما به جنبه‌های کم‌نظیر این حرکت توجه کنید. یک بسیجی با آنکه از جهت قانونی اجباری نداشت، چطور با اختیار و اراده قوی و انگیزه فراوان وارد میدان جنگ با دشمن می‌شود و با فداکاری و جان‌بازی و با تمام وجود از کشورش، دینش و اعتقاداتش دفاع می‌کند. به هر حال نمی‌شود گفت ملتی به دلیل نداشتن آموزش نظامی، یا نداشتن ابزار و سلاح از خودش دفاع نکند. شرع مقدس اسلام هم این را نمی‌پذیرد. لذا حتی با دست خالی باید دفاع کرد و مقابل زورگو و متجاوز هیچ‌وقت نباید تأمل کرد. دفاع متوقف بر هیچ امری نمی‌شود.

این بزرگترین درسی بود که دفاع مقدس به ما آموخت و ملت ما هم به خوبی آن را یاد گرفت. بله، آموزش ضعیف بود، افراد کم سن و سال هم به جبهه اعزام می‌شدند، نه اینکه مسئولین بخواهند، گاهی جلوگیری هم می‌کردند، ولی اشتیاق و غیرت جوانان باعث می‌شد که کسی نتواند جلوی آنها را بگیرد.

پس اصل ما بر این است که دفاع پیر و جوان ندارد و هرکسی ملزم به دفاع است، با هر توانایی و با هر ابزار و آمادگی که دارد و البته درس دیگر این بود که جوانان این کشور همواره خود را برای دفاع از کشور و انقلاب و نظام اسلامی آماده کنند و امر حضرت امام (ره) بر اینکه مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد، باید ۲۰ میلیون ارتش داشته باشد به همین منظور است که ارتش و سپاه و بسیج بر آن همت گماشته‌اند.

۲- یک بخش زیادی از سوالات مربوط می‌شود به سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی؛ اینکه چرا سپاه پاسداران تشکیل شده و چگونه تشکیل شده؟

هنگامی که قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ تدوین گردید، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران طبق ماده ۱۵۰ قانون اساسی به عنوان بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با مأموریت مشخص که عمده آن حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی بود، تشکیل گردید.

اساساً چون انقلاب شده بود و عزیزان می‌دانند که در انقلاب تمام ساختارهای پیشین زیر و رو می‌شود، درواقع نیروهای مسلح جدیدی که ممکن است از همان ارتش قدیم هم باشند به وجود می‌آید. این بود که سپاه پاسداران تشکیل گردید و اینکه چرا تشکیل شد بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای دفاع از انقلاب بود.

۳- فلسفه به وجود آمدن سپاه چه بود؟ آیا امکان تشکیل بسیج از طرف

ارتش میسر نبود؟

امروز که ما در اینجا صحبت می‌کنیم، درواقع ۳۲ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد و چیزی حدود ۲۲ سال از پایان جنگ. پس شرایط امروز با موقعیت آن روز کاملاً متفاوت است. امروز اگر بخواهیم در مورد انقلاب اسلامی و یا جنگ تحمیلی بررسی داشته باشیم، باید خود را در آن شرایط زمانی قرار دهیم تا بتوانیم قضاوت صحیحی داشته باشیم.

توجه داشته باشید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قدرت‌های غرب و شرق از طریق عواملشان که به صورت احزاب سیاسی چپ و راست در درون کشور فعال بودند، شعار انحلال ارتش را به بهانه اینکه این ارتش بازمانده نظام شاهنشاهی است، می‌دادند. شما یک شهر بدون پلیس را تصور کنید، در یک شهر بدون پلیس چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؟ همین را تعمیم بدهید به یک کشور بدون ارتش. یعنی کشوری که هیچ نیروی دفاعی

ندارد و آنها می‌خواستند این وضعیت را بر ما تحمیل کنند، ولی حضرت امام(ره) با بینش حکیمانه‌ای که داشتند ارتش را حفظ کردند. لذا در آن فضایی که وجود داشت و دشمنان تلاش می‌کردند به این بی‌اعتمادی دامن بزنند و حتی با توطئه کودتایی که قبل از هرگونه اقدامی توسط ارتشیان کشف و خنثی شد، می‌خواستند مردم و رهبران انقلاب را نسبت به ارتش بی‌اعتماد کرده و درنهایت ارتش را منحل کنند.

در این شرایط حضرت امام(ره) به عنوان رهبری که هم کشور را باید اداره می‌کردند، هم انقلاب را رهبری می‌کردند و هم در مقابل دشمنان داخلی و خارجی می‌ایستادند و ضرورت حفظ ارتش را از هر شخص دیگری بیشتر احساس می‌کردند، چه تصمیمی باید می‌گرفتند؟ تصمیم حضرت امام(ره) با ایجاد یک نیرویی در کنار ارتش در رابطه با انقلاب و کشور یک روند تصمیم‌گیری حکیمانه و عاقلانه‌ای بود.

لذا در ۲۹ فروردین ۱۳۵۸، یعنی چیزی حدود ۶۰ روز بعد از پیروزی انقلاب، روزی را به عنوان روز ارتش جمهوری اسلامی ایران معین کردند و دستور دادند ارتشی‌ها داخل شهرها رژه بروند و مردم از ارتش پشتیبانی کنند و به این ارتش اعتماد کنند. ارتش هم خودش را بازسازی کرده و اعتماد به نفس پیدا کند و ارتشیان برای دفاع از کشور آماده شوند و چهار روز بعد، یعنی دوم اردیبهشت ۵۸ فرمان تشکیل سپاه پاسداران را صادر فرمودند. چون یک نیروی دفاعی دیگری برای حفاظت از انقلاب از ضروری تشخیص می‌دادند و در پنجم آذر ۱۳۵۸ فرمان بسیج عمومی را صادر فرمودند و در واقع ارتش ۲۰ میلیونی را بنیان‌گذاری کردند.

دقت داشته باشید که حضرت امام(ره) با فرمان تشکیل این نیروها به فکر حفظ نظام بودند و می‌دانستند که دشمنان ما ساکت نخواهند نشست و به صورت مختلف به فکر براندازی این حکومت نوپا خواهند بود و درنهایت ملاحظه شد که همین نیروها توانستند جنگ را اداره کنند و کشور را در مقابل تهاجم گسترده و بی‌رحمانه دشمن حفظ نمایند.

موضوعات ارتش و سپاه پاسداران

۱- باتوجه به وجود ارتش و سپاه و اختلافاتی که وجود دارد، مسائل چگونه

حل می‌شود؟

اختلافی اگر وجود داشته باشد، بیشتر در مورد سلائق این دو سازمان است، نه در اهداف؛ که در این مورد هم نظام بیکار نبوده و به موقع اقدام کرده است. به طوری که با تشکیل قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در سال‌های سوم و چهارم جنگ و تشکیل ستاد کل نیروهای مسلح در اوایل سال ۶۷ و در زمان حضرت امام(ره) هماهنگی‌های لازم انجام می‌شد. بعد از رحلت حضرت امام(ره) ستاد کل با فرماندهی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا تجدید سازمان یافت و از آن پس تلاش بر این بوده است که ساز و کارهایی ایجاد شود تا اختلاف نظرهای عملیاتی به حداقل برسد. امروزه با تفکیک مأموریت‌ها این کار انجام شده و تقسیم کارها در مرزهای سراسر کشور اعم از مرزهای آبی و مرزهای خاکی بین ارتش و سپاه انجام گرفته است.

مأموریت‌های هوایی و پدافند هوایی، آفندی و پدافندی همه تقسیم شده‌اند. برای اینکه اختلاف بین این دو نیرو به حداقل برسد این مسائل در ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) کاملاً روشن شده، البته رقابت وجود دارد. یک رقابت سالم بین ارتش و سپاه وجود دارد، ولی هر دو تلاش می‌کنند که مأموریت‌های مربوطه را به

نحو احسن انجام دهند. ضمن آنکه بدانید ارتش و سپاه دو شخصیت حقوقی هستند که تابع قانون و یک سلسله مراتب بوده و موظفند دستورات قانونی را اجرا نمایند و ضرورتی ندارد که حتماً اشخاص حقیقی آنها موافق باشند یا مخالف. در جنگ تحمیلی هم به همین ترتیب مدیریت می‌شد.

۲- چرا بحث ادغام سپاه و ارتش عملی نمی‌شود؟ اشکال کار کجاست؟

بحث اشکال نیست؛ اشکالی وجود ندارد. اصولاً چنین قصدی نیست و قصدی برای ادغام سپاه و ارتش وجود ندارد. چون در قانون اساسی هر دو سازمان با مأموریت‌های مشخص و تفکیک‌شده وجود دارند و مسئله ادغام آنها هم مطرح نمی‌باشد.

۳- گفته می‌شود که ارتش توان پدافند از مناطقی که سپاه آن را آزاد

می‌کرد، نداشت.

دقت بفرمایید در سال اول جنگ تحمیلی ایستادگی و مقابله ارتش در مقابل تجاوز وحشیانه دشمن و تثبیت دشمن از افتخارات ارتش جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. زیرا با آن خشمی که دشمن و استکبار جهانی از انقلاب ما داشته و با آن وسعت عظیم به کشور ما حمله کردند، اگر آن فداکاری‌ها نبود و اهداف خبیث دشمن و راهبردهای ارتش عراق با شکست مواجه نمی‌شد عواقب وخیم هجوم دشمن غیرقابل تصور و بیان بود.

برادران عزیز سپاهی از سال دوم جنگ توانستند نیروهای فراوان و داوطلب بسیجی را سازمان‌دهی کرده و وارد میدان نبرد نمایند و در آن زمان بود که با اتحاد و اتفاقی که بین نیروی زمینی ارتش و سپاه و سایر نیروها، در اجرای امر امام راحل به وجود آمد، آن موفقیت‌های بزرگ نیز حاصل گردید.

اما اصولاً طرح‌ریزی‌های عملیاتی همواره به گونه‌ای است که یگان عمل‌کننده خود نیز مسئولیت نگهداری از مناطق آزادشده را خواهد داشت و بایستی تا تحکیم کامل هدف از مواضع تصرف‌شده خود پدافند نماید. زیرا مرحله مشکل و اصلی عملیات همین مرحله است که دشمن تلاش دارد قبل از تحکیم مواضع و ایجاد مواضع محکم پدافندی توسط طرف مقابل، با انجام پاتک‌ها و عملیات آفندی متعدد مناطق از دست رفته را مجدداً بازپس گیرد. کما اینکه اکثر عملیات‌ها به همین شکل انجام می‌شد. لذا مطلع باشید در یک عملیات آفندی تحکیم و تثبیت مواضع متصرفی، یعنی انجام آفند و پدافند به عهده نیروی عمل‌کننده می‌باشد.

۴- چرا ارتش و سپاه بعد از مدتی جدا از هم جنگیدند؟ کدام عملیات را ارتش مستقل عمل کرد و کدام عملیات را سپاه؟

همان‌گونه که در سوالات قبلی اشاره شد، هیچ‌گاه اختلافی بین ارتش و سپاه برای رسیدن به اهداف وجود نداشت. ولی گاهی اختلاف سلیقه در روش‌ها و شیوه جنگیدن مشاهده می‌شد. لذا بعد از تشکیل نیروهای سپاه و اعلام آمادگی سپاه برای انجام عملیات مستقل، در سال ۱۳۶۳ بنا به دستور قرارگاه عملیاتی خاتم‌الانبیاء(ص) مقرر می‌شود ارتش و سپاه می‌توانند به صورت مجزا عمل کنند و این تجربه تازه‌ای بود که در جنگ تحمیلی اعمال شد.

البته تا پایان جنگ همواره در عملیات‌های انجام‌شده توسط یگان‌های تک‌ور سپاه، که با ارتش ادغام نبودند نیز نیروی هوایی، پدافند هوایی، هوانیروز و توپخانه نیروی زمینی ارتش در پشتیبانی از عملیات یگان‌های رزمی سپاه قرار می‌گرفت و نیروی دریایی هم با حفاظت از آب‌های خلیج فارس درواقع کلیه عملیات‌ها را پشتیبانی

می‌کرد. بنا به تدبیر قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) نیروی زمینی هم به عنوان تک پشتیبان در سطح وسیعی برای کمک و تسریع در عملیات سپاه وارد عمل می‌شد. به طور مثال در عملیات والفجر ۸ نیروی زمینی ارتش در منطقه پاسگاه زید و شرق بصره وارد عمل شده و توجه دشمن را از منطقه فاو به سوی شرق بصره جلب نمود. لذا تا پایان جنگ همواره همکاری‌ها بین این دو سازمان وجود داشته است.

سربازان وظیفه در جنگ

۱- آیا این اتهام که گاه در برخی از کتاب‌های خاطرات به سربازان ارتش زده می‌شود که در جنگ فرار می‌کردند صحت دارد؟

همان‌طور که در کلاس‌های معارف جنگ گفته شد، بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار سرباز وظیفه از سربازهای عادی تا دکترا، در مدت هشت سال دفاع مقدس به خدمت سربازی اعزام شدند و در مناطق جنگی خدمت کرده‌اند و نزدیک به ۳۸ هزار شهید دادند.

خدمات این عزیزان و ایثارگری آنها در این مسیر بر کسی پوشیده نیست. منتها نیروهای مختلف در این جنگ شرکت داشتند، با مأموریت‌ها و مسئولیت‌های مختلف. لذا هر نفر از این نیروها می‌تواند روایتی داشته باشد، یعنی هرکسی در حوزه مسئولیت و زاویه دید خودش به موضوع نگاه می‌کند. قطعاً بعضی از این حرف‌ها از شنیده‌های افراد است و نقل قول‌هایی است که هیچ‌گونه سندیت هم ندارد و از نظر نظامی قابل نقد می‌باشد.

لذا باید دید مطالب اشاره شده در این کتاب‌ها با چه مقصود و هدفی مطرح شده و این مسئله در کجا و به چه تعداد اتفاق افتاده است. مسلماً هر عددی که ارائه شود در مقابل حضور مؤثر سربازان وظیفه در یگان‌ها به هیچ وجه رقم قابل ملاحظه‌ای نخواهد

بود و خدشه‌ای در نقش ارزشمند سربازان فداکار ما وارد نخواهد کرد. البته ممکن است چند سرباز در منطقه‌ای فرار کرده باشند، ولی اینکه تعمیم داده شود به سربازان ارتش کار درستی نیست و چنین چیزی صحت ندارد.

۲- نقش سربازان وظیفه را در جنگ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با قاطعیت می‌توان گفت که سربازان ایرانی از نظر صداقت، شجاعت، بی‌توقع بودن، صبوری، مسئولیت‌پذیری، مطیع فرمانده بودن در تمامی دنیا بی‌نظیر هستند. سربازان وظیفه اعم از سرباز عادی تا مقطع دکترا در مدت حضورشان در جنگ تحمیلی نقش بسیار مؤثر و عمده‌ای در جنگ داشته‌اند. اصولاً همواره بیش از ۸۰ درصد ساختار یگان‌های ارتش، به ویژه نیروی زمینی را سربازان وظیفه تشکیل می‌دهند. در واقع نیروهای وظیفه نقش محوری و اساسی در اجرای مأموریت‌های رزمی به خصوص در نیروی زمینی در طول جنگ تحمیلی داشته‌اند و حماسه‌ها و ایثارگری‌ها و شجاعت‌های این عزیزان در تاریخ کشورمان برای همیشه ماندگار خواهد بود.

بر حسب مستندهای آماری موجود در طول هشت سال دفاع مقدس قریب به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار سرباز وظیفه وارد ارتش شده‌اند، با متوسط حضور ۲۰ ماه در جبهه‌های جنگ و قریب به ۳۸ هزار شهید داشته‌اند که این رقم بالا و قابل توجهی است.

پیشروی در خاک عراق

۱- چرا به جای اینکه عراق را از مناطق دیگری که در تصرف خود داشت، مثل نفت‌شهر و قصرشیرین بیرون کنیم، وارد خاک عراق شدیم؟

البته همین فکر در آن زمان نیز مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. اما آزاد کردن مناطق اشغالی هزینه انسانی بالایی داشت و زمان می‌برد. برای اینکه عراق در منطقه غرب و شمال‌غرب در ارتفاعات مستقر بود یا به طور مثال در منطقه نفت‌شهر چنان میادین مین و استحکاماتی را ایجاد کرده بود که واقعاً منطقه به دژ نفوذناپذیری تبدیل شده بود.

حال مجسم کنید با این سختی و هزینه کلان نیروی انسانی عراق را از تمام مناطق بیرون می‌کردیم. او آن طرف مرز، ما هم این طرف مرز، به جایی نمی‌رسیدیم. بنابراین به جای اینکه سایر مناطق را آزاد کنیم، تصمیم گرفته شد اگر یک منطقه حساس و بالارزش در خاک عراق تصرف شود، علاوه بر اینکه عراق ناچار است مناطق اشغالی ما را تخلیه کند، ناچار خواهد شد که به ما امتیاز هم بدهد. در یک چنین برآورد راهبردی ورود به خاک عراق ترجیح داده شد و از نظر نظامی هم کار درستی بود.

اگر نفت‌شهر و قصرشیرین آزاد می‌شد، تازه به آنچه که در اول جنگ بود می‌رسیدیم و معلوم نبود عراق قرارداد ۱۹۷۵ را دوباره بپذیرد و یا قبول کند که باید

خسارت بدهد. حداکثر می‌گفت هر دو به لب دیوار خانه‌مان رسیدیم؛ آن طرف تو، این طرف من، تا مذاکره کنیم. در حالی که راهبرد ایران قبول رسمی مجدد قرارداد ۱۹۷۵ و آغازگر جنگ بودن عراق، پرداخت غرامت و نهایتاً تنبیه متجاوز بود.

۲- چرا ایران همانند صدام جنگ را به شهرهای عراق نکشاند؟ مگر نه اینکه سربازان بعثی از مردم همین شهرها بودند؟

فرمان مستقیم حضرت امام(ره) این بود که جنگ ما دفاع اسلامی است و با رعایت موازین شرع باید صورت گیرد و به شهرها کشیده نشود و مردم غیرنظامی صدمه نبینند. دوم اینکه اساساً نظامیان ایرانی در هر لباسی علاقمند نبودند مردم شهرها و مردم غیرنظامی را مورد اصابت قرار بدهند، چه از راه زمین، چه دریا و چه از راه هوا؛ یعنی خلبانان ما هم بر روی شهرهای عراق بمبی نینداختند. بلکه تأسیسات و نقاط حیاتی و پایگاه‌های آنان را مورد اصابت قرار می‌دادند. علاوه بر این، در طول تاریخ کهن ایران از قبل از میلاد تا به امروز، ایران هرگز شهری را که تصرف کرده، قتل عام نکرده است. بنابراین بمباران شهرها و از بین بردن مردم عادی نه جزو آموزه‌های دینی ما بود، نه جزو دستورات نظامی و راهبردهای نظامیان ما.

۳- چرا ما داخل خاک عراق شدیم؟ آیا در جنگ تحمیلی ایران هدفی برای تصرف قسمتی از خاک عراق داشت؟

ارتش عراق خسارت‌های وارده به خود در دو سال اول جنگ را به سرعت ترمیم کرده بود. مدت کوتاهی پس از فتح خرمشهر بیشتر از آغاز جنگ نیرو و تجهیزات داشت. ارزیابی روحیه تجاوزگر رهبران عراق به خصوص صدام حسین نشان می‌داد که ارتش عراق همچنان یک تهدید جدی علیه جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

از سوی دیگر منطق نظامی حکم می‌کرد در وضعیتی که برتری با نیروی خودی است و دور پیروزی ادامه دارد، جنگ تا دستیابی به موفقیت‌های بیشتر ادامه یابد، به خصوص که هیچ ندای منصفانه میانجی‌گرایانه جدی در جهان شنیده نمی‌شد. محافل بین‌المللی درباره حقوق ایران سکوت کرده بودند و عراق هنوز حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع از سرزمین‌های ایران را در اشغال داشت و هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی سیاسی طرف مغلوب مشاهده نمی‌شد. کوچکترین امتیازی برای ایران در نظر گرفته نشده بود. حتی از محکومیت متجاوز خبری شنیده نمی‌شد. لذا برای کسب موقعیت برتر و دستیابی به موقعیتی که با استفاده از آن امکان احقاق حقوق ایران میسر باشد، ادامه جنگ ضروری می‌نمود.

این جمع‌بندی سران سیاسی و نظامی کشور بود، که در جلساتی با فرمانده کل قوا (حضرت امام خمینی(ره)) ارائه شد و بدین ترتیب تعقیب دشمن تا حصول وضعیتی که تأمین‌کننده حقوق ایران باشد مبنای تصمیم‌گیری واقع گردید و نقطه عطفی را در روند جنگ به وجود آورد.

قصد ایران این بود که با تصرف بخشی از جنوب عراق در پای میز مذاکره دارای امتیازاتی باشد و در موضع ضعف حضور پیدا نکند، تا بتواند به خواسته‌هایش از عراق برسد. ولی به هیچ عنوان منظور ایران ضمیمه کردن قسمتی از خاک عراق به ایران نبود. اما برعکس، عراق از ابتدا روشن بیان کرده بود و نقشه جدید عراق را که قسمتی از خاک ایران ضمیمه آن بود، در کتاب‌های درسی خود آورده و واقعاً قصد عراق تصرف خوزستان و جدا کردن آن از ایران بود.

موضوعات سیاسی - نظامی (داخلی و خارجی) دوران دفاع مقدس

۱- قبل از شروع سراسری جنگ تحمیلی با توجه به درگیری‌های مرزی که بین ایران و عراق رخ داده بود، شورای عالی دفاع که مسئول امنیت کشور می‌باشد، چرا پیش‌بینی حمله سراسری عراق را نکرده بود؟

قبل از شروع جنگ تحمیلی بیش از ۵۰۰ مورد درگیری مرزی بین ایران و عراق رخ داده است که اسناد آن و شکایات ایران به شورای امنیت سازمان ملل موجود می‌باشد. شورای عالی دفاع نیز جلساتی را در این رابطه تشکیل داده است، ولی ظاهراً بیشتر به مسائل داخلی و امنیت داخلی توجه شده است و تجاوز عراق با این وسعت و شدت را باور نداشتند. تصور مقامات مسئول وقت این بود که درگیری نظامی ما با عراق در محدوده مرزها باقی خواهد ماند و عراق با جمعیتی بالغ بر یک‌سوم جمعیت ما و مساحتی برابر یک‌سوم کشور ما و توان پایین و عدم مقبولیت ملی صدام، جرئت حمله سراسری را نخواهد داشت و این برآوردها مبتنی بر آخرین اطلاعات، به ویژه اطلاعات نظامی جمهوری اسلامی نبود و از آنجا که اطلاعات نظامی دقیق هم نهادینه ارائه نمی‌شد، مورد توجه تصمیم‌گیرندگان و مسئولین سیاسی قرار نمی‌گرفت.

۲- موضع شورای امنیت سازمان ملل در جنگ تحمیلی چه بود؟

هرچند بحث در این رابطه زمان زیادی را می‌طلبد، ولی مختصر اینکه مواضع شورای امنیت که به عنوان مهمترین رکن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، متأسفانه تحت تأثیر قدرت‌های بانفوذ به سود متجاوز و یا حداقل بی‌توجهی به منافع ایران گرایش داشت. دقت بفرمایید در آن زمان شورای امنیت چند قطعنامه صادر کرده است؟ آیا صحبتی از جنگ می‌شده و اینکه مشخص کند چه کسی متجاوز است؟ سازمان ملل در طول هشت سال جنگ تحمیلی هشت قطعنامه صادر کرده است که اولین آن شش روز بعد از آغاز تجاوز عراق و دومی ۲۱ ماه بعد بوده است و در هیچ‌کدام از این قطعنامه‌ها به غیر از ۵۹۸ اصولاً توجهی به حقوق ما نکرده بود، فقط در حالی که عراق در خاک ما بود توصیه به خویشن‌داری و مذاکره می‌نمود. این در حالی است که برای شش ماه جنگ عراق با کویت ۱۲ قطعنامه صادر می‌نماید که اولین آن کمتر از دو ساعت از شروع حمله عراق به کویت تنظیم می‌شود که در تاریخ شورای امنیت بی-سابقه است و از همین اولین قطعنامه تهدید به خروج ارتش عراق از کویت داشته است. اما در مورد ایران حتی حاضر نبود لفظ جنگ را به کار ببرد^۱ و دلایل بسیار دیگری که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد.

۳- آیا در لغو قراردادهای تسلیحاتی و عدم دریافت آن در اوایل انقلاب،

ارتش مقصر بود یا خیر؟ اگر نبود چرا برای جلوگیری از آن کاری نکرد؟

ارتش دخالتی در لغو قراردادهای تسلیحاتی نداشت و برای جلوگیری از انجام آن که از زمان دولت بختیار شروع شده بود و تا دولت موقت ادامه داشت، تلاش کرد؛ حتی

۱. در قطعنامه‌های صادره شورای امنیت به جای کلمه جنگ (war یا campaign) از واژه وضعیت (situation) استفاده شده بود که مفاد آن الزام‌آور نبوده و جنبه توصیه دارد. در صورتی که اگر از کلمه جنگ بین دو کشور استفاده می‌شد، شورای امنیت الزاماً برای پایان دادن جنگ بایستی دخالت می‌کرد.

بعد از پیروزی انقلاب در جلوگیری از پس دادن تعدادی از سلاح‌های موجود و استفاده نامناسب از تجهیزات موجود تلاش فراوانی انجام داد، منتها در آن برهه ارتش در ملاحظات سیاسی نقش چندانی نداشت. ضمن اینکه خرید و تجهیز و تسلیح ارتش از وظایف وزارت دفاع بوده و هست و صرفاً اعلام نیاز، تست ابزار، تجهیزات، تسلیحات و تصمیمات قبل از خرید با ارتش می‌باشد. در زمان دولت موقت تفکر بر این بود که ما نمی‌خواهیم با کسی بجنگیم، پس چه نیازی به این سلاح‌ها داریم. البته به نظر می‌رسد دست خود امریکا در کار بود، برای اینکه این سلاح‌ها را ندهند، چون آنها می‌دانستند عاقبت کار با ما درگیر خواهند شد و بهتر بود که این سلاح‌ها را از ما دور کنند.

۴- اگر این سلاح‌هایی را که ما قبل از انقلاب از امریکا خریدیم، نداشتیم

چه می‌شد؟

خب این بحث زیادی را می‌طلبد، ولی مهم این است آنچه که داشتیم چگونه برای حفظ این نظام و حفظ این مملکت به کار گرفته شد.

مسلماً ارتش‌ها به دو عامل نیروی انسانی و سلاح برای اجرای مأموریت خود نیازمندند، در ارتباط با چگونگی تهیه سلاح مسلماً در گذشته برای تجهیز ارتش ایران اگر از امریکا سلاح تهیه نمی‌شد از کشورهای سازنده دیگر برای حفظ کیان این مملکت تأمین می‌گردید و در ارتباط با سلاح‌های موجود در ارتش ایران نیز باید گفت که فقط امریکا تأمین‌کننده سلاح ارتش ایران نبوده است. به طور مثال سلاح‌هایی مانند انواع تانک از کشور انگلیس، انواع توپ و نفربر از شوروی، تجهیزات مهندسی و پل‌های شناور از شوروی، توپ‌های ضدهوایی اورلیکن از کشور سوئیس تهیه گردیده بود، البته قسمت تقریباً عمده آنها از طریق امریکا تهیه شده بود.

مسلماً با توجه به نوع سلاح‌هایی که در ارتش ما وجود داشت، اگر در اختیار نبود، بهای بیشتری در جنگ تحمیلی بایستی پرداخت می‌شد. این از الطاف الهی بود که سلاح دشمن را بتوانیم علیه خودش به کار گیریم.

۵- در مورد کمک‌های نظامی و تسلیحاتی غرب و شرق به صدام توضیح دهید.

این بحث بسیار مفصلی است که دنیا چگونه به آنها کمک می‌کرد. فقط به طور خلاصه می‌توان اشاره کرد، شوروی به عنوان هم‌پیمان عراق بزرگترین تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی عراق بود. هواپیماهای میگ روسی، تانک‌های تی-۷۲ و موشک‌های اسکاد که شهرهای ما با آن مورد اصابت قرار می‌گرفتند، همه از طریق شوروی داده می‌شد.

انگلستان شبکه پناهگاه‌های زیرزمینی برای صدام و تشکیلات حزب بعث ایجاد کرده بود، مثل پایگاه المنصور. تجهیزات مهندسی و مین‌ها از طریق ایتالیایی‌ها داده می‌شد، مهندسی ایتالیا در جبهه‌ها برای عراقی‌ها استحکامات و موانع ایجاد می‌کردند که ما نتوانیم به آنها دسترسی پیدا کنیم. جنگنده‌های زیادی مثل میراژ و سوپراتاندردها را فرانسوی‌ها به عراق داده بودند، خمپاره‌های دوزمانه را که خطرناک-ترین سلاح برای رزمندگان در خط بود و بالای سر آنها منفجر می‌شد و توپ-های ۱۵۵م دوربرد را فرانسوی‌ها داده بودند.

مصر کانالی شده بود برای فروش سلاح که از این طریق به عراق فرستاده می‌شد. بلژیک پایگاه‌های نظامی برای عراق ایجاد می‌کرد. در رابطه با سلاح‌های غیرمعارف، فرانسه و آلمان کمک می‌کردند.

چون سیادت دریایی در خلیج فارس با نیروی دریایی ما بود و این نیروی قهرمان اجازه حمل سلاح و تجهیزات به مقصد بنادر عراق را نمی‌داد، لذا کویت و اردن با در اختیار گذاشتن راه‌ها و جاده‌های خود برای رساندن کامیون‌های حامل سلاح، مهمات و

تدارکات ارتش عراق تسهیلات فراوانی را ایجاد کرده بودند. بمب‌های خوشه‌ای را فرانسوی‌ها، عمدتاً شیلی‌ها به عراق می‌دادند که بدترین سلاح بود و هرکدام به ده‌ها بمب کوچک تبدیل می‌شد و منطقه وسیعی را نابود می‌کرد. کمک‌های اطلاعاتی عربستان و آمریکا با آواکس‌های عربستان و ماهواره‌های آمریکا به عراق در طول جنگ ادامه داشت.

کمک‌های نیروی انسانی از کشورهای سودان، اردن، یمن انجام می‌شد. این کشورها تیپ‌هایی را به جبهه اعزام کردند، مثل تیپ العروبه و تیپ یرموک و تعدادی هم مزدور بودند که در اختیار عراق قرار می‌گرفتند. اینها اسنادی است که خود خارجی‌ها و عراقی‌ها منتشر کرده‌اند و چیزهایی نیست که ما ادعا کنیم.

آلمان و هلند در تولید سلاح شیمیایی به عراق کمک می‌کردند؛ مخصوصاً در پایان جنگ که سلاح شیمیایی برای عراق کارایی بسیار زیادی داشت و علیه نیروهای ایرانی و حتی مردم عراق به کار می‌رفت و نهایتاً کمک‌های مالی کشورهای عربی مثل کویت و عربستان که به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است.



۶- آیا امریکایی‌ها و کلاً غربی‌ها و شرقی‌ها از ادامه جنگ سود می‌بردند؟

بله؛ تا قبل از سال ۱۳۶۶ آنها علاقه‌ای به پایان جنگ نداشتند و یکی از دلایل فرسایشی شدن جنگ خواست استکبار جهانی بود. یک صحبتی را اسحاق شامیر نخست‌وزیر وقت اسرائیل غاصب دارد که می‌گوید طولانی شدن جنگ ایران و عراق بر طولانی شدن عمر اسرائیل می‌افزاید، یعنی از هر طرف کشته شوند به نفع آنهاست.

از همین طولانی‌تر شدن جنگ امریکایی‌ها استفاده زیادی کرده، ایران را به عنوان یک تهدید مطرح کرده و توانستند به کشورهای دنیا، به خصوص کشورهای منطقه ما سلاح قابل ملاحظه‌ای بفروشند. باید توجه داشته باشید اصولاً مهم‌ترین علل جنگ‌ها علل سیاسی و اقتصادی آن است و تا زمانی که این منافع برای حامیان عراق وجود

داشت جنگ نیز ادامه پیدا کرد. آنها به پیروزی ایران راضی نبودند و از طرفی، قدرتمند شدن عراق را هم در جهت منافع خود و ایادی خویش در منطقه نمی‌دانستند.

۷- در کردستان و آذربایجان غربی کسانی که در مقابل نظام ما ایستاده بودند چه کسانی بودند؟ آیا کردها بودند یا دیگران؟

وقتی که بحث از درگیری‌های کردستان و آذربایجان غربی پیش می‌آید، منظور این نیست که برادران کرد ما که ایرانیان اصیل هستند و در طول تاریخ مرزداران این کشور بودند، می‌باشند (به گواهی تاریخ، کردها سال‌های سال در مقابل عثمانیان مرزداران ایران بودند).

اما آنچه که در کردستان اتفاق افتاد، تشکیلات و گروهک‌های ضدانقلاب بودند. از جمله حزب منحل دموکرات، گروهک کوموله، گروه خبات و چند گروهک دیگر که در آنجا فعالیت می‌کردند، نه مردم کرد ما. افراد غیور خود در قالب یگان‌های پیش‌مرگ کرد مسلمان و به عنوان مدافعان نظام، با اینها درگیری داشتند و در طول جنگ تحمیلی هم با رشادت کامل با صدامیان می‌جنگیدند، علاوه بر حزب‌های اشاره شده، حزب‌ها و گروه‌های دیگری هم از تهران و جاهای دیگر به منطقه رفته بودند، مانند فدائیان خلق اکثریت و اقلیت، منافقین و گروه‌های کمونیستی مانند گروهک چپ راه آزادی، گروه راه کارگر، گروه خبات. اینها گروه‌هایی بودند که از سایر نقاط به کردستان رفته بودند و با پشتیبانی عراق و دیگر دشمنان انقلاب با نظام می‌جنگیدند. در حقیقت مردم مظلوم کرد ما در آذربایجان غربی و کردستان اول خودشان با اینها درگیر شدند و بعد ارتش و سپاه به کمک مردم مظلوم کرد و ترکمان در این مناطق رفتند و درگیری با ضدانقلاب در آنجا را آغاز کردند و بحمدلله هم به پیروزی نظام جمهوری اسلامی ایران انجامید و کردستان و افراد غیور ما از اسارت ضدانقلاب رهایی یافتند.

۸- لطفاً یک چهارچوب کلی از فعالیت‌های امریکا و اسرائیل در جنگ

تحمیلی علیه ایران را بیان بفرمایید.

درواقع عراق با چراغ سبز امریکا وارد جنگ با ما شد و حداقل می‌توان گفت با مخالفت هیچ‌کدام از ابرقدرت‌های غرب و شرق مواجه نبود و در شورای امنیت از پشتیبانی امریکا و شوروی به خوبی بهره‌مند بود. از سال دوم جنگ هم مستقیماً اطلاعات جنگ ما را که توسط آواکس‌ها و ماهواره‌هایش جمع‌آوری می‌شد در اختیار عراق قرار می‌داد. امریکا از عراق هم حمایت سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی می‌کرد و هم پشتیبانی نظامی، اما در طول جنگ به ظاهر سعی می‌کرد سیاست دوگانه‌ای را بازی کند، چون آنها می‌گفتند از هر طرف کسی کشته شود به سود استکبار است، به سود اسرائیل و امریکاست. چون هر دو مسلمان بودیم و تضعیف مسلمانان جزو راهبردهای اولیه‌شان می‌باشد.

ولی در اواخر جنگ علاقمند بودند که جنگ هرچه زودتر پایان پذیرد تا منافع امریکا و غرب به ویژه در مورد انرژی با تهدید روبه‌رو نشود و تلاش داشتند نه ایران پیروز جنگ باشد، نه عراق و لذا وضعیت پیچیده‌ای بر منطقه حاکم شد و نهایتاً منجر به ورود مستقیم امریکا در جنگ گردید.

۹- لطفاً از نقش کشورهای همسایه مثل ترکیه و کشورهای عربی یک دید

کلی ارائه فرمایید.

متأسفانه اکثر کشورها در طول جنگ از عراق حمایت می‌کردند، البته ترکیه تقریباً حالت بی‌طرفی داشت، چون از طرف ما منافع اقتصادی زیادی داشت. از یک طرف راه ما را به اروپا باز می‌کرد و از طرف دیگر منافع اقتصادی زیادی را جذب می‌کردند. لذا صراحتاً با ما مخالفت نمی‌کردند ولی در پنهان و در پشت پرده طرفدار سیاست‌های

امریکایی‌ها بودند؛ اما کشورهای عربی نیز به استثنای سوریه و تا حدودی لیبی همگی از عراقی‌ها حمایت همه‌جانبه می‌کردند.

۱۰- قضیه مک فارلین که در رسانه‌های دنیا به نام ایران گیت معروف شده

است، چیست؟

در طول جنگ تحمیلی یک سری از نیازمندی‌های ما از جمله قطعات یدکی و بعضی مهمات از بازارهای آزاد و کشورهای واسطه خریداری می‌شد. در سال ۶۵ با توجه به اینکه انقلاب اسلامی در منطقه نفوذهایی پیدا کرده بود، در لبنان و جنوب آن طرفداران انقلاب اسلامی موفق شدند گروگان‌هایی از غربی‌ها را در اختیار بگیرند. لذا امریکایی‌ها احساس کردند که ما می‌توانیم از نفوذمان استفاده کرده و آن گروگان‌ها را آزاد کنیم. با توجه به اینکه جمهوری‌خواهان در صحنه سیاسی امریکا احساس ضعف می‌کردند و برای دور بعدی انتخابات به محبوبیت بیشتری نیاز داشتند، لذا به این فکر افتادند که با ایران معامله‌ای بکنند. بدین ترتیب که چون ایران به قطعات هواپیما و موشک هاگ و موشک تاو نیاز مبرم دارد به طریقی آن را واگذار کنند و از طرفی دیگر از نفوذ ایران هم برای آزاد کردن گروگان‌ها استفاده نمایند.

لذا وارد یک معامله پنهانی شدند، در مرحله اجرای یکی از خریدهای ما که از طریق ایرلند با یک هواپیمای ایرلندی وارد می‌شد از پنج نفر سرنشین هواپیما یکی مک فارلین مشاور امنیتی آقای ریگان رئیس جمهور امریکا بود که با گذرنامه جعلی و با اسم دیگری وارد ایران شد. چون اگر می‌گفتند ایشان مشاور امنیتی کاخ سفید می‌باشد، ایران به او ویزا نمی‌داد. زیرا سیاست ما داشتن رابطه با امریکا نبود، لذا به صورت جعلی وارد ایران شد. در فرودگاه گفته شد ایشان آقای مک فارلین مشاور امنیتی کاخ سفید می‌باشد و می‌خواهد با یکی از مقامات ایرانی مذاکره کند. مقامات ایرانی مخالفت کردند و هیچ‌کس از مقامات رده بالای ایران حاضر به پذیرش ایشان نشدند.

آقای مک فارلین دو سه روزی معطل می ماند و نهایتاً با نماینده‌ای از وزارت دفاع ملاقاتی را انجام می دهد. آقای مک فارلین از این برخورد خیلی ناراحت می شود و حتی گفته اند آن لحظه گریه می کند و می گوید اگر من به شوروی رفته بودم که پالتو پوست بخرم، چند بار با آقای گروباچف ملاقات می کردم، حالا در ایران هیچیک از مقامات ایرانی حاضر به ملاقات با من نیستند.

نهایتاً این قضیه منجر به این شد که مقداری تسلیحات نظامی به دست ما برسد. البته نه در حدی که بتواند موازنه جنگ را به نفع ما برهم بزند و در عین حال یکسری کمک‌های اطلاعاتی هم از عراق دریغ می شود. بعد از مدتی این قضیه به طریقی افشاء و در مجله الشراع لبنان منتشر می شود که آقای هاشمی رفسنجانی هم بلافاصله در تهران این مسئله را برملا می کنند و اتفاقاً در این افشاگری امریکایی‌ها رودست می - خورند و از محبوبیتشان پیش کشورهای عربی، که فکر می کردند امریکایی‌ها از آنها حمایت می کنند، کاسته می شود و مورد اعتراض قرار می گیرند و این قضیه در خود امریکا هم به عنوان یک رسوایی کاخ سفید مطرح می گردد. به هر حال این ماجرا بعدها به کمک‌های بیشتر امریکا و شوروی به عراق منجر می شود.

۱۱- آیا عربستان هم در زمان جنگ از عراق حمایت می کرد؟

عربستان از حامیان اصلی صدام و رژیم عراق محسوب می شد و بعد از پایان جنگ به علت موفق نشدن صدام، عربستان اعلام کرد من ۳۵ میلیارد دلار به عراق کمک کردم، باید پولم را پس بدهد. کویت هم به همین ترتیب ادعای طلبکاری می کرد و صدام نیز از این جریان بسیار ناراضی بود و به همین دلیل روابطش با عربستان بسیار تیره شد و به خاطر همین ادعای طلبکاری کویت به آن کشور حمله کرد.

به هر حال عربستان در زمان جنگ به عراق هم کمک مالی کرد و هم اجازه داد آواکس‌های امریکایی از پایگاه‌های طهران روی مناطق ما پرواز کنند و اطلاعات جمع -

آوری شده، به خصوص اطلاعات مربوط به تجمع نیروها و چگونگی آرایش نیروهای ایرانی در مناطق عملیاتی از طریق عربستان به عراق داده می‌شد.

۱۲- در زمان جنگ آیا ما به سوریه نفت می‌دادیم؟

ما باید هم‌زمان با آرایش نظامی در صحنه جنگ به آرایش سیاسی و ایجاد متحدان سیاسی هم اقدام می‌کردیم. در زمان جنگ، سوریه هم‌پیمان و دوست نزدیک ما در صحنه‌های بین‌المللی بود. قطعاً ما بخشی از نیاز سوریه به نفت را تأمین می‌کردیم. همچنین در آن زمان ما با لیبی هم دوستی و ارتباط داشتیم. البته هرچند قذافی حالت متعادلی نداشت، ولی در هر صورت توانستیم تعدادی موشک از سوریه و لیبی دریافت کنیم و وقتی که جنگ شهرها را عراق شروع کرد، توانستیم تا حدودی پاسخ موشک-های عراقی را با حمله موشکی به منابع حیاتی و مناطق حساس آن کشور بدهیم.

قطعنامه‌های سازمان ملل و شرایط ایران

۱- چرا ایران آتش‌بس‌های پیشنهادی با عراق را نمی‌پذیرفت؟

در بحث‌های گذشته دلایلی ذکر شد. نکته خیلی مهم که در اینجا به آن اشاره می‌شود، این است که اساساً رژیم عراق رژیم قابل اعتمادی نبود. صدام مردی نبود که از لحاظ سیاسی بشود به او و حرف‌هایش اعتماد کرد. برای ما آتش‌بس بدون عقب‌نشینی کامل عراق از سرزمین‌های اشغالی اصلاً مفهوم نداشت و قابل قبول نبود، زیرا با حضور عراق در سرزمین ما هرگونه مذاکره بعد از آتش‌بس به نفع عراق تمام می‌شد.

آتش‌بسی که عراق مطرح می‌کرد یک فریب بیشتر نبود و همیشه منافع خودش را در نظر می‌گرفت، نه پایان شرافتمندانه جنگ را. این بود که آتش‌بس‌های پیشنهادی عراق مورد موافقت قرار نمی‌گرفت و جنگ ادامه پیدا می‌کرد. ایران همیشه سعی می‌کرد نسبت به عراق دست بالا را داشته باشد، زیرا کوچکترین نقطه ضعف ما مورد سوء استفاده دشمن قرار می‌گرفت. اما مسئله بی‌اعتمادی ما به صدام موقعی برای همه ثابت شد که بعد از پذیرش قطعنامه از طرف ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، عراق دوباره به ما حمله کرد و سرزمین‌های ما را که قبلاً گرفته بود و ما در عملیات‌های مختلف آنها را پس گرفته بودیم، اشغال کرد و تعداد زیادی اسیر از ما گرفت.

این در حالی است که قطعنامه ۵۹۸ را قبل از ما، عراق پذیرفته بود و خودش هم دنبال اجرای آن بود. لذا بعد از پذیرش قطعنامه بود که عراق مجدداً تا ۱۲ کیلومتری اهواز پیشروی کرد. از آن طرف تا عین‌خوش و نزدیک پل کرخه نفوذ کرد و چیزی نمانده بود که دوباره خرمشهر را اشغال کند که با مجاهدت رزمندگان ما دوباره این مناطق بازپس گرفته شد.

۲- چرا بعد از فتح خرمشهر، ایران پیشنهاد صلح را نپذیرفت؟ در صورتی که عربستان و چند کشور دیگر غرامت جنگی را به ایران پرداخت می‌کردند. اولاً هیچ‌وقت در هیچ مرحله‌ای از جنگ کسی به ایران پیشنهاد صلح نداد، همیشه پیشنهاد آتش‌بس می‌دادند و این دو واژه صلح و آتش‌بس با هم فرق دارد که در سوالات قبلی به آن اشاره شد.

اما بحث پرداخت غرامت از سوی عربستان یا کشورهای دیگر اصلاً صحت ندارد. مشخص نیست از کجا چنین تصور و گفته‌ای پیش آمده که عربستان قصد پرداخت خسارت ایران را داشته است. از نظر عقلی هم این مسئله قابل قبول نیست که دو کشور با هم درگیر شوند و کشور ثالثی بگوید شما با هم صلح کنید، من غرامت جنگی شما را می‌پردازم. چنین چیزی صحت نداشته و سند و مدرکی هم در این زمینه وجود ندارد. عزیزان باید در نظر داشته باشند، در آن زمان عربستان و اکثر کشورهای عربی نه چشم دیدن صدام را داشتند، نه ایران را و اگر ظاهراً با صدام همکاری می‌کردند، دلیلش این بود که بعدها صدام مزاحم آنها نشود و مدعی نباشد و در مورد ایران هم نگران بودند مبادا انقلاب ایران به کشور آنها رسوخ کند. لذا هرچه بیشتر ایران و عراق با هم می‌جنگیدند و تضعیف می‌شدند، به نفع آنها بود.

۳- قطعه‌نامه ۵۹۸ را تشریح کنید. چرا ایران قطعه‌نامه‌های صادره را نمی‌پذیرفت؟

شورای امنیت در طول جنگ تحمیلی هشت قطعه‌نامه صادر کرده است. البته این تعداد قطعه‌نامه با مقایسه با قطعه‌نامه‌های صادره در مدت شش ماه اشغال کویت که ۱۲ قطعه‌نامه می‌باشد، قابل مقایسه نیست. در مورد ایران این مسئله کاملاً محرز می‌باشد که سازمان ملل همیشه منتظر این بود که اگر وضعی برای عراق پیش بیاید و در تنگنا قرار بگیرد، قطعه‌نامه‌ای به نفع صدام صادر کند.

البته این نکته قابل توجه است که بین قطعه‌نامه بر مبنای ماده ۷ منشور سازمان ملل که ضرورت اجرایی پیدا می‌کند با قطعه‌نامه بر اساس فصل ششم منشور فرق است. به طور مثال در قطعه‌نامه‌های صادره در مورد کویت گفته می‌شد نیروهای عراقی باید از کویت خارج شوند. به این معنی که اگر خارج نشوند با عکس‌العمل کشورهای عضو سازمان ملل روبه‌رو خواهند شد. ولی در مورد جنگ با ایران حالت توصیه داشت و اصولاً از لغت جنگ در این قطعه‌نامه‌ها به غیر از قطعه‌نامه ۵۹۸ استفاده نشده بود.

دلیل این مسئله هم این بود که ابرقدرت‌هایی که عضو دائم شورای امنیت هستند، خود جزو آتش‌بیاران معرکه این جنگ بودند؛ از آمریکا و شوروی گرفته تا فرانسه و انگلیس، بدشان نمی‌آمد که این جنگ ادامه پیدا کند.

قطعه‌نامه‌های صادره به گونه‌ای تنظیم می‌شد که بند اول آن آتش‌بس، بند دوم مبادله اسیران جنگی، بند سوم گفتگوی دو دولت بود و ایران هم می‌گفت من آتش‌بس را قبول دارم، ولی اول خروج نیروهای متجاوز از مناطق اشغالی، دوم تعیین متجاوز، بعد بقیه مفاد قطعه‌نامه را می‌پذیریم. ولی شورای امنیت این کار را نمی‌کرد. لذا دلیل نپذیرفتن قطعه‌نامه‌ها این بود که در هیچ قطعه‌نامه‌ای خواسته‌های ایران لحاظ نمی‌شد. تا اینکه در اواخر سال ۱۳۶۵ سازمان ملل تصمیم می‌گیرد قطعه‌نامه‌ای را تدوین کند که صلح جامع و شرافتمندانه و همه‌جانبه‌ای بین ایران و عراق برقرار شود. لذا قطعه‌نامه

۵۹۸ پس از ماه‌ها بحث و بررسی در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ تصویب و صادر می‌شود که برای اولین بار خواسته‌های ایران در آن لحاظ می‌گردد.

این قطعنامه ۱۰ بند دارد که در بند اول آتش‌بس، بند دوم مبادله اسیران جنگی است. در بند ۶ می‌گوید دبیر کل مأموریت دارد هیئتی را تعیین کند تا متجاوز جنگ و مسئول جنگ شناخته شود. همچنین در بند بعدی می‌گوید دبیر کل مأموریت دارد هیئتی را برای تعیین خسارات جنگی مشخص کند.

این بندها مورد نظر ایران بود. لذا ایران اعلام کرد من قطعنامه را قبول دارم، به شرطی که بند ۶ در اول قطعنامه بیاید و مناطق باقی‌مانده اشغالی باید بلافاصله تخلیه شود. بنابراین قطعنامه ۵۹۸ در ابتدا نه مورد قبول ایران قرار گرفت و نه رد شد.

ولی عراقی‌ها بلافاصله قطعنامه را قبول کردند. چون می‌دانستند ایران آن را قبول نمی‌کند و این باعث می‌شود وضعیت منطقه از نظر استراتژی جنگ تغییر کند و چهره صدام به عنوان صلح‌طلب در دنیا مطرح شده و فشارهای نظامی و اقتصادی بر ایران شدت پیدا کند. به این ترتیب امریکا به بهانه حفاظت از نفت‌کش‌های کویت حضورش در خلیج فارس موجه شده و نهایتاً عراق به شدت تقویت گردید.

قطعنامه ۵۹۸ به مدت یک سال روی میز قرار گرفت و نهایتاً بنا به دلایلی که در بحث‌های بعدی مطرح خواهد شد، این قطعنامه از سوی ایران پذیرفته شد. آخرین قطعنامه، قطعنامه ۶۲۲ بود که مربوط به نیروهای صلح سازمان ملل متحد می‌باشد که برای نظارت بر آتش‌بس بین دو کشور صادر شده است.

۴- دلیل این که ایران بالأخره قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت چیست؟

در سال هشتم جنگ تحمیلی اتفاقاتی رخ می‌دهد که مسئولین کشور تصمیم می‌گیرند که قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند.

۱. شرایط جهانی به جایی می‌رسد که شورای امنیت سازمان ملل درصدد تهیه قطعه‌نامه جدیدی می‌شود که ایران کاملاً با تحریم همه جانبه روبه‌رو نماید. به دلیل اینکه ایران همه قطعه‌نامه‌های شورای امنیت را رد کرده و نپذیرفته است.
۲. قیمت نفت به بشکه‌ای ۶ دلار می‌رسد. در صورتی که استخراج نفت بشکه‌ای ۲-۳ دلار برای ما هزینه برمی‌داشت. اگر قرار بود که نفت را بشکه‌ای ۶ دلار بفروشیم، اصلاً پولی برای ادامه جنگ و اداره کشور باقی نمی‌ماند و ایران دچار مشکلات عدیده اقتصادی می‌شد.
۳. دشمن جدیدی در خلیج فارس پیدا شده بود. آن هم نیروی دریایی امریکا بود که بنا به دعوت کویت برای اسکورت کشتی‌های کویتی وارد خلیج فارس شده و ناوگان ایران و سکوهای نفتی ایران را مورد اصابت قرار داده و تهدیدات روشنی می‌کرد.
۴. شوروی به شدت از عراق حمایت می‌کرد. چون پیمان ۱۵ ساله دفاعی با عراق داشت و به ایران اعلام می‌کرد که من نمی‌توانم تحمل کنم که شما در خاک عراق پیشروی کنید و لذا ما در دو جبهه درگیر شدیم، یکی در غرب کشور با عراق؛ دیگری در جبهه جنوب با امریکا و با اولتیماتوم استکبار جهانی روبه‌رو بودیم که ابلاغ می‌شد جنگ هرچه زودتر باید تمام شود. حتی پاره‌ای از دوستان بسیار محدود ما در کشورهای عربی نیز از ما خواسته بودند که جنگ را تمام کنیم.
۵. صدام حسین بعد از عملیات کربلا ۵ اعلام کرده بود که شهرهای بزرگ ایران را با بمب‌های شیمیایی خواهد زد (تهدیدهای جنگ گسترده شیمیایی)، و چون حلبچه را که شهر خودش بود بمباران کرده بود، هیچ ملاحظه‌ای نداشت که شهرهای دیگری را نزند و برای اینکه این مطلب را ثابت کند اقدام به بمباران شیمیایی شهر سردشت نمود که در اثر این بمباران بیش از یکصد نفر از

هم‌وطنان ما به شهادت رسیدند و هنوز هم آثار شیمیایی در مجروحان آن وجود دارد.

از طرفی در هشت سال جنگ همواره ما در تحریم کامل بودیم. وسایل و تجهیزات نظامی مان تقلیل پیدا کرده بود. البته تعدادی تانک و توپ و ابزارهای دیگر داشتیم، ولی برای مقابله با ارتش مجهزتر شده عراق نیاز به تسلیحات و تجهیزات بیشتری داشتیم.

روحیه جنگی ما بالا بود، یعنی نیروهای ایران تلاش می‌کردند با ایمان و توکل و با جسم و روح خودشان در مقابل تسلیحات عراق بجنگند. ولی کاربرد وسیع سلاح شیمیایی توسط ارتش عراق در جبهه‌های جنگ که عملاً مانع موفقیت‌های ما شده بود و تهدید به حمله گسترده شیمیایی به شهرها، تهاجم امریکا به سکوها نفتی ما و درگیر شدن با نیروی دریایی و ساقط کردن هواپیمای مسافربری، مشکل پشتیبانی جنگ از نظر اقتصادی و شدت یافتن تحریم‌ها به خصوص تحریم‌های نظامی، مشکل کاهش قیمت نفت و قریب‌الوقوع بودن صدور قطعنامه‌ای بر ضد ایران، مبنی بر متجاوز اعلام کردن ایران و به حداقل رسیدن تجهیزات نظامی ما و نهایتاً ائتلاف بین شوروی و امریکا در مورد خاتمه سریع جنگ باعث گردید که رهبری ایران با این اعتقاد که ما به اکثر اهدافمان رسیده‌ایم که اهم آن عبارتند از: اخراج عراق از مناطق اشغالی و خنثی کردن استراتژی عراق در حمله به ایران، به این نتیجه برسند که در حال حاضر مصلحت اسلام و جمهوری اسلامی حکم می‌کند که از یکی دو خواسته خود فعلاً صرف‌نظر کنیم.

بنابراین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را اعلام می‌کند که عملی خردمندانه، درست و به-موقع انجام می‌شود و سایر خواسته‌های ایران، یعنی متجاوز شناخته شدن عراق و رفع اشغال بخش‌هایی از مناطق، همه اینها بعداً اتفاق افتاده و امروز عراق طبق اعلام رسمی دبیر کل سازمان ملل متحد، آغازگر جنگ شناخته شده و ملزم به پرداخت غرامت و خسارات جنگی به ایران گردیده. یعنی ایران به آن خواسته‌ها هم رسید.

۵- چه کسی قبول قطعه‌نامه ۵۹۸ را به حضرت امام(ره) تحمیل کرد؟

قطعه‌نامه ۵۹۸ را هیچ‌کس به حضرت امام(ره) تحمیل نکرده است. با آن وضعیتی که پیش آمده بود، در سال پایانی جنگ، که قبلاً تشریح شد، شورای عالی دفاع که امروز به نام شورای عالی امنیت ملی فعالیت می‌کند و پیشنهاد صلح یا اعلان جنگ را به فرماندهی کل نیروهای مسلح می‌دهد، در حضور حضرت امام(ره) تشکیل می‌شود و وضعیت از دیدگاه‌های مختلف تشریح می‌گردد و حضرت امام(ره) می‌گویند به این ترتیب و با این وضعیت من قطعه‌نامه ۵۹۸ را می‌پذیرم.

عده‌ای در جلسه می‌گویند حضرت امام ما جنگ را ادامه می‌دهیم. ایشان می‌فرمایند: نه، مصلحت نظام اسلامی حکم می‌کند که من قطعه‌نامه را بپذیرم. چون بقای نظام و مصلحت نظام فعلاً مقدم است. و بعد ایشان نمایندگان مجلس را احضار می‌کنند و شخصاً به همه نمایندگان مجلس می‌گویند من این قطعه‌نامه را می‌پذیرم. بنابراین پذیرش قطعه‌نامه به هیچ وجه به ایشان تحمیل نشد و قطعه‌نامه را شخصاً خود ایشان با رأی قاطع و نافذ خودشان پذیرفته‌اند و اساساً حضرت امام(ره) شخصیتی نبودند که بشود چیزی را به ایشان تحمیل کرد.

۶- بعد از پذیرش قطعه‌نامه چرا حضرت امام(ره) فرمودند من جام زهر را

نوشیدم؟

راهبرد دفاعی ایران، جنگ جنگ تا رفع فتنه، یعنی نابودی حاکمیت ظالم عراق بود. ولی به دلیل کمک‌های امریکا و غرب و شرق و وضعی که در سال ۶۷ پیش آمد و به دلایلی که در پاسخ‌های قبلی ذکر شد، حضرت امام(ره) فرمودند مصلحت نظام جمهوری اسلامی امروز حکم می‌کند که از این قسمت که تنبیه صدام می‌باشد، فعلاً صرف‌نظر کنیم.

از طرفی دیگر هر فرمانده نظامی دوست دارد نتیجه جنگ را در صحنه جنگ تمام کند. یعنی با عملیات نظامی به پیروزی برسد. منتها در پایان جنگ به دلیل عدم توازن قوا و دلایلی که گفته شد، این موفقیت و پیروزی با سقوط صدام میسر نشد و حضرت امام(ره) تأسف شدید می‌خوردند. اگرچه مصلحت کشور را در این دیدند، ولی همین تأسف باعث شد که تلخی آن را به نوشیدن جام زهر تشبیه کنند. اما نهایتاً خداوند بزرگ به این رهبر حکیم و رهبر بزرگ الهی و مردم شریف ایران و خون شهدای ما ارزش گذاشت و نتایج جنگ را حتی بعد از قطعنامه هم ادامه داد و ما بعد از قطعنامه شکست‌های مکرر دشمن و ارتش او را شاهد بودیم که خوشبختانه جای آن تأسف حضرت امام(ره) را پر کردند.

۷- آیا درست است که در اواخر جنگ ارتش عراق موقعیت برتری نسبت به ایران داشت و مخالف قطعنامه و آتش‌بس بود؟

عراق مخالفتش را با قطعنامه ۵۹۸ و آتش‌بس اعلام نمی‌کرد و اتفاقاً خودش را موافق نشان می‌داد. اما وقتی که ما قطعنامه را پذیرفتیم و عراق چند روز بعد مجدداً به ما حمله کرد، نشان داد که مخالف قطعنامه بوده. منتها چون در بار دوم هم به شدت و سرعت شکست خورد و عقب رانده شد، به ناچار قطعنامه را پذیرفت. ولی از نظر تجهیزات نظامی موقعیت برتری نسبت به ما داشت. البته باتوجه به تجربه هشت ساله جنگ، صدام نمی‌توانست به آینده موفق نظامی خود مطمئن باشد، زیرا در این مدت شرایط صعود و نزول را بارها تجربه کرده بود.

بخش یازدهم

شخصیت‌ها در دفاع مقدس

۱- نقش حضرت امام خمینی(ره) و نظارت ایشان در هشت سال دفاع

مقدس چه بود؟

امام، رهبر انقلاب و فرمانده کل قوا بودند. قدرت اراده و صلابت حضرت امام که ناشی از توکل و اعتقاد ایشان به خداوند بزرگ بود، حمایت و پافشاری ایشان در طرفداری از حق و مواضع بر حق جمهوری اسلامی ایران، روحیه تزلزل‌ناپذیر و سازش-ناپذیری ایشان چنان اطمینانی را در رزمندگان اسلام و مردم ما پدید می‌آورد که بالاترین قدرت و قوت به هدف‌هایی که برایشان تعیین شده بود، می‌اندیشیدند و برای رسیدن به آن با همه توان تلاش و مجاهدت می‌کردند.

اصولاً یک رزمنده وقتی که به عقبه خود اطمینان داشته باشد و وقتی که به فرمانده خود اعتماد کند و او را قبول داشته باشد، قدرت و توانایی‌اش چندین برابر می‌شود. اتفاقاتی در جنگ تحمیلی رخ می‌داد که همه را متعجب می‌کرد و باعث شگفتی کارشناسان می‌شد. این روحیه معنوی و شهادت‌طلبی، همه از اندیشه‌های حضرت امام(ره) سرشار شده بود که نشأت گرفته از آموزه‌های ناب اسلام محمدی(ص) است و مردم از ایشان یاد گرفته بودند.

در هنگامه تجاوز غافلگیرانه عراق و در آن هجمه سنگین بحران‌های داخلی و فشارهای خارجی، حضرت امام(ره) با خونسردی و خویشتن‌داری چشمگیر و اعتماد به نفس غیرقابل تصویری که شاخص‌ترین صفت یک فرمانده عالی نظامی است، الگوی بسیار بالارزشی برای همه فرماندهان و مسئولین کشوری شدند و موجب آرامش روانی در سطوح مختلف جامعه گردیدند و از هیجان و بهم‌ریختگی جلوگیری کردند. امام راحل با بیان راهبرد نظامی ایران در قبال تجاوز عراق فرمودند: «جنگ ما یک جنگ دفاعی است، جنگ دفاعی یک تکلیف است و دفاع یک حرکت عقلانی است».

با این بیان ماهیت جنگ تحمیلی را روشن فرمودند که جنگ ما یک جنگ عقیدتی و سیاسی است، نه ادعای به ظاهر ارضی عراق.

امام(ره) شخصیتی داشتند که همه به معنای واقعی شیفته ایشان بودند و او را تالی‌تلو معصوم و نایب امام زمان می‌دانستند و از ایشان اطاعت می‌کردند. قدرت نفوذ معنوی امام(ره) به قدری بود که وقتی می‌گفتند جبهه‌ها را پر کنید، آن‌قدر مردم مراجعه می‌کردند که فرماندهان مجبور می‌شدند اعلام کنند دیگر نیرو کافی است و مراجعه نکنند. لذا عظمت و قدرت رزمندگان در سایه اتفاق و اتحاد و اندیشه‌های ناب اسلامی حضرت امام(ره) بود. آنها طالب شهادت بودند، جوانان ما عاشق شهادت بودند و همین نه‌راسیدن از مرگ بزرگترین قدرت را برای کشور فراهم کرده بود. در هر صورت نقش رهبری و فرماندهی حضرت امام در دمیدن روح ایمان، ایجاد وحدت ملی، شجاعت در اخذ تصمیم که ناشی از توکل به خدا بود، به مراتب گسترده‌تر از آن است که در این مجال کم‌بتوان در مورد آن صحبت کرد و لذا به همین چند نکته گفته‌شده بسنده می‌شود و در خاتمه یادآوری می‌گردد راهبرد دفاع در جهت آرمان‌ها و منافع ملی توسط حضرتش ارائه می‌شد و اداره صحنه عملیات با قبول و تصویب طرح‌ها در همه ابعاد توسط ایشان معمول می‌گردید.

۲- نقش شهید مصطفی چمران، که از فرماندهان جنگ‌های نامنظم بودند، را بیان کنید.

دکتر مصطفی چمران، دکترا در مهندسی فیزیک پلاسما از دانشگاه برکلی کالیفرنیا بودند و شاگرد اول دانشگاه تهران در رشته ترمودینامیک. ایشان در دانشگاه برکلی که معروف‌ترین و معظم‌ترین دانشگاه‌های جهان است، پژوهش‌یار فیزیک بودند، یعنی حداقل ده‌ها دانشمند فیزیک جهانی زیر دست ایشان آموزش دیده‌اند. دکتر چمران به خاطر عضویت در انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در امریکا و فعالیت‌های سیاسی بازگشتش به ایران مقدور نبود. لذا پس از یک دوره حضور در مصر به جنوب لبنان رفتند. ایشان اعتقاد داشتند که علت عقب‌افتادگی مسلمانان، عقب‌افتادگی علمی‌شان می‌باشد. لذا در جنوب لبنان و در خدمت امام موسی صدر مدرسه‌ای به نام مدرسه صنعتی جبل عامل ایجاد کردند و جنبش امل را بنیان گذاشتند و شروع به آموزش جوانان لبنانی نمودند.

دکتر چمران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران برگشتند و در مشاغل مختلفی از جمله وزیر دفاع خدمت کردند. در ماجراها و درگیری‌های مختلف اول انقلاب شخصاً در صحنه‌ها حضور پیدا می‌کردند. با حمله عراق به ایران گروهی از کارکنان نیرومخصوص و یگان ویژه هوابرد نیروی زمینی و داوطلبانی از نیروی هوایی و دریایی ارتش را با تعدادی از نیروهای مردمی خاص که خودشان انتخاب کرده بودند، گروهی ۴۰۰-۳۰۰ نفری را سازمان‌دهی کردند. این گروه - به نام گروه جنگ‌های نامنظم دکتر چمران - در منطقه میانی خوزستان، در منطقه سوسنگرد با نیروهای عراقی می‌جنگید. ایشان دوبار مجروح شدند، حتی یک بار در حالی که تیر خورده بودند جلوی یک کامیون عراقی را گرفته و راننده‌اش را اسیر می‌کنند و خودش پشت فرمان خودرو قرار گرفته و به بیمارستان اهواز می‌روند.

در ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ سرگرد پیاده رستمی از نیروی زمینی ارتش، جانشین عملیاتی شهید چمران در دهلاویه به شهادت می‌رسد و دکتر چمران که برای معرفی جانشین ایشان (سروان مقدم) - که او هم جمعی^۱ نیروی زمینی بود - به دهلاویه رفته بودند، در اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت می‌رسند.

به هر حال در دفاع مقدس اقشار مختلف مردم در موقعیت‌های متفاوت از افراد دانشمندی نظیر دکتر چمران تا دانشجویان، دانش‌آموزان، روحانیون، کسبه، کارمندان، کشاورزان و... حضور داشته‌اند و به عنوان یک تکلیف دینی و ملی از کیان این مملکت دفاع کردند.

۳- شهید سپهبد علی صیادشیرازی چگونه به شهادت رسید و علت ترور

ایشان چه بود؟

شهید صیادشیرازی افسری مؤمن، انقلابی، ولایی، لایق، بسیار باهوش و خودساخته بود. در ابتدای انقلاب اسلامی ایشان جوانی بود با حدود ۳۴ سال سن و درجه سروانی در ارتش. با توجه به التهاباتی که در منطقه غرب کشور اتفاق افتاد، داوطلبانه به غرب کشور رفت و با رشادت‌هایی که از خود نشان داد، بعد از مدت کوتاهی به عنوان فرمانده منطقه عملیاتی غرب معرفی شد.

بعد از سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ در مهرماه سال ۱۳۶۰ و شهادت جمعی از فرماندهان، ایشان از طرف حضرت امام(ره) به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش منصوب شدند. این انتصاب در زمانی انجام شد که درجه اصلی ایشان سرگرد بود.

در مدت پنج سال فرماندهی شهید صیادشیرازی در نیروی زمینی، تحولات اساسی و بنیادی زیادی در نیرو اتفاق افتاد. همین‌طور تحولات اساسی در روند جنگ ایجاد شد. ایشان عملیات‌های بزرگ طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس و کلاً

۱. در اصطلاح نظامی به معنای: یکی از اعضای.

عملیات‌هایی که برای دفع تجاوز دشمن انجام گرفت را فرماندهی کردند. در سال ۱۳۶۵ از نیروی زمینی جدا و به عنوان نماینده حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع معرفی شدند و در سال‌های بعد هم به عنوان معاون بازرسی ستاد کل فرماندهی کل قوا و جانشین ستاد کل انجام وظیفه می‌کردند.

سرانجام ایشان در ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۷۸ توسط دو نفر از منافقین که در لباس رفتگر درآمد بودند، در درب منزل و در مقابل چشم فرزندش با پنج گلوله تیر که سه گلوله به سر و دو گلوله به گردن و شانه ایشان اصابت می‌کند در دم به شهادت می‌رسند. بعد از این حادثه گروهک منافقین بلافاصله ترور ایشان را بر عهده می‌گیرد و اعلام می‌کند چون ایشان از مهره‌های نظام و از مسئولین نظام بوده‌اند، ترور شدند. بعد هم مراسم جشن می‌گیرند و در رسانه‌های خودشان هم پخش می‌کنند. البته شهید صیادشیرازی هم در کردستان و هم در جنگ تحمیلی به خصوص در عملیات مرصاد ضربه مهلکی به این گروهک وارد کرده بود و در واقع انتقام عملیات مرصاد و هشت سال دفاع مقدس را از ایشان گرفتند.

۴- اختلاف نظر شهید صیادشیرازی و آقای محسن رضایی در جنگ چه بود؟

در اهداف کلی که بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های اشغال‌شده و تحقق هدف‌های جمهوری اسلامی بود، اصلاً اختلاف نظری وجود نداشت. اما در روش‌ها و چگونه جنگیدن و نحوه وحدت فرماندهی اختلاف نظرهایی بود، ولی نه به صورت عمیق. چون هم شهید صیادشیرازی دارای ستاد بودند، هم آقای محسن رضایی و این ستادها ساعت‌ها بر روی طرح‌ها بحث و بررسی می‌کردند و نهایتاً به نتیجه می‌رسیدند و یک طرف قانع می‌شد. لذا اختلاف روش و سلیقه همیشه بوده و در آینده هم خواهد بود و این امر در تمام ارتش‌های جهان هم بین فرماندهان وجود دارد؛ ولی در بررسی‌ها و بحث‌های ستادی دیدگاه‌ها به هم نزدیک می‌شود و اختلاف نظرها به حداقل می‌رسد و

درنهایت اگر اختلافات تخصصی باقی می‌ماند با اخذ تصمیم توسط قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) به شیوه و پیشنهاد مصوبه قرارگاه عمل می‌شد.

۵- فرمانده هشت سال دفاع مقدس چه کسی بود و آقای محسن رضایی

چه نقشی داشتند؟

طبق قانون اساسی، مقام رهبری، فرمانده کل نیروهای مسلح می‌باشند و در آن- موقع حضرت امام هم رهبری کشور را به عهده داشتند و هم فرمانده کل قوا و فرمانده جنگ بودند. در سال اول جنگ این فرماندهی را به رئیس جمهور وقت (بنی‌صدر) تفویض فرمودند که بعداً از ایشان پس گرفته شد و به شهید فلاحی و ستاد ارتش تفویض گردید. سپس در سال ۱۳۶۳ قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) به فرماندهی رئیس جمهور وقت (مقام معظم رهبری) تشکیل گردید. پس از مدتی به علت مشغله و وظایف سنگین ریاست جمهوری فرماندهی قرارگاه به آقای هاشمی رفسنجانی، که ریاست مجلس شورای اسلامی را به عهده داشتند، واگذار شد و در اوایل سال ۶۷ حضرت امام(ره) اختیارات فرماندهی کل قوا را نیز به آقای هاشمی رفسنجانی تفویض فرمودند. آقای محسن رضایی در ابتدای سال دوم جنگ به سمت فرماندهی کل سپاه پاسداران انتخاب شدند.

۶- نقش شهید محمدعلی نظران در جنگ چه بود؟

شهید نظران از افسران انقلابی بازنشسته ارتش قبل از انقلاب بودند و بعد از انقلاب هم در شکل‌گیری ارتش جمهوری اسلامی ایران - به همراه رهبر معظم انقلاب، که در آن زمان نمایندگی حضرت امام (ره) در ارتش را به عهده داشتند - همکاری می‌کردند. در زمان ریاست جمهوری مقام معظم رهبری، ایشان مسئولیت دبیری شورای عالی دفاع را برعهده داشتند.

بعد از شروع جنگ تحمیلی ایشان در سال ۱۳۶۲ ریاست کمیسیون اسرا را به عهده گرفتند که بعدها در همین راه نیز به فیض شهادت نائل شدند. در سال ۱۳۶۹ نیز به سمت رئیس دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا منصوب گردیدند.

۷- نقش شهید صیادشیرازی در تشکیل بسیج چه بود؟

در اوایل انقلاب اسلامی و در سال ۵۸ هنگامی که شهید صیادشیرازی در مرکز توپخانه اصفهان خدمت می‌کردند، بر حسب اخباری که روزانه از تحرکات دشمنان ما، به ویژه امریکا، مطرح می‌شد با توجه به زیرکی و باهوشی که داشتند احساس خطر کرده و به دوستان خود مطرح می‌کنند ما باید مردم را مجهز کنیم و به آنان آموزش رزم انفرادی و سلاح بدهیم تا بتوانند در هنگام جنگ آمادگی دفاع را داشته باشند.

بر همین اساس در صبحگاه عمومی یگان‌های مستقر در اصفهان موضوع را مطرح کرده و حدود هزار نفر از کارکنان، اعم از افسر و درجه‌دار داوطلب آموزش را انتخاب کرده و با تشکیل کمیته آموزش مردمی آموزش‌های نظامی را در حدود ۴۰۰ مسجد در اصفهان شروع می‌کنند و با افراد آموزش‌دیده دو گردان بسیجی (تحت نام نیروی مردمی) را سازمان می‌دهد که مسئولیت فرماندهی یک گردان را به سروان صالحی (سرلشکر و فرمانده فعلی ارتش) و گردان دیگر را به سرهنگ فشارکی می‌سپارد که بعدها با تصویب قانون بسیج و واگذاری آن به سپاه، آن دو گردان به سپاه تحویل و تحول می‌شود.

دومین حرکت شهید صیادشیرازی در رابطه با بسیج مردمی بعد از عملیات طریق-القدس بود که حدود ۲۰ پادگان ارتش و تعدادی مربی و امکانات آموزشی لازم را در اختیار سپاه پاسداران قرار دادند و این مقدمه‌ای شد برای آموزش بسیجیان طرح کربلا که عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس از آموزش‌دیده‌های همین دوره بودند. البته بنیان‌گذار بسیج حضرت امام خمینی(ره) بودند. ولی برای اولین بار آموزش‌های نظامی مردمی بدون ذکر بسیج توسط شهید صیادشیرازی در اصفهان آغاز شد و بعد از فرمان تاریخی حضرت امام(ره) در مورد تشکیل بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی، شهید صیادشیرازی نقش عمده‌ای در آموزش بسیجیان در پادگان‌های ارتش داشتند.

البته شبیه این فعالیت در تهران و دیگر شهرها نیز توسط ارتش انجام گرفته است. از جمله می‌توان به اعزام دانشجویان و افسران دانشکده افسری به مساجد و پایگاه‌های بسیج برای آموزش توسط شهید نامجو اشاره کرد.

۸- برخی اعتقاد دارند مثلث هاشمی، موسوی و رضایی باعث شد که حضرت امام (ره) پایان جنگ را بپذیرد.

آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ، وضعیت حاکم بر جبهه‌ها و آقای موسوی به عنوان نخست وزیر کشور در رابطه با مسائل سیاسی و تنگناهای اقتصادی کشور و چگونگی ادامه پشتیبانی از جبهه‌ها و آقای محسن رضایی هم نیازهای تجهیزاتی و لجستیکی مورد نیاز برای ادامه جنگ را مسلماً به استحضار حضرت امام (ره) می‌رسانند و باتوجه به نظر این مسئولین و اعضای شورای عالی دفاع و سایر مسئولین ذی‌ربط کشور، حضرت امام (ره) تصمیمات مقتضی را در مورد پایان جنگ اتخاذ و ابلاغ فرمودند.

البته حضرت امام (ره) در صحبت‌های بعدی خودشان فرمودند:

«جنگ ما تمام نشده، جنگ ما ادامه دارد. از اول ادامه داشته است و الآن هم ادامه دارد. چون جنگ ما بین حق و باطل است. جنگ ما بین اسلام و کفر است، جنگ ما بین فقر و غناست.»

حضرت امام (ره) با پذیرش قطعنامه صحنه جنگ را عوض کردند. یعنی از صحنه نظامی به صحنه سیاسی آوردند. جنگ از فاز نظامی خارج شد و به فاز سیاسی درآمد. در واقع یک ابتکار ظریفی انجام دادند و شما دیدید که بعد از این صحنه همه چیز به نفع ما تغییر کرد.

بخش دوازدهم

تبلیغات دفاع مقدس

۱- شما گفتید شعار ما جنگ جنگ تا رفع فتنه بود، حال آنکه ما روی دیوارها و پرچم‌ها و تصاویر دیدیم شعار جنگ جنگ تا پیروزی است.

بعد از فتح خرمشهر دو نظریه وجود داشت. اول پذیرش آتش‌بس کلی عراق که به دلیل اینکه ایران به حقوق و خواسته‌های برحق خودش نمی‌رسید به طور قاطع مردود شد. دوم ادامه جنگ تا رفع فتنه، یعنی ادامه جنگ تا انهدام قدرت نظامی و ماشینی جنگی عراق و حذف صدام - که خود قلب فتنه بود.

البته بعدها از سوی سیاسیون نظریه سومی تحت عنوان «جنگ جنگ تا یک پیروزی» مطرح گردید که بر اساس آن نقاط حساسی از خاک عراق به تصرف ایران دربیاید، و این نقطه ضعفی برای عراق در میز مذاکره بوده و باعث شود ما با دست پر حضور پیدا کنیم که مبتنی بر آن شرق بصره، جهت عملیات انتخاب گردید.

۲- چرا تبلیغات تلویزیون بیشتر متوجه سپاه است؟ چرا از ارتش که این-

همه فداکاری کرده در صدا و سیما کم گفته می‌شود؟

ارتش وظیفه دفاع و حراست از کشور را به عهده دارد و برابر قانون اساسی حافظ مرزها، تمامیت ارضی و استقلال کشور است. بایستی با تمام توان وظیفه‌اش را، که دفاع

از نظام و کشور می‌باشد، انجام دهد و دیگران باید ارتش را تبلیغ کنند. این مطالبی را هم که ما در این کلاس‌ها برای شما دانشجویان عزیز مطرح می‌کنیم برای این است که شما هم لباس ما هستید، برای این است که شما بدانید لباس چه افرادی را به تن کرده‌اید، بدانید چه افتخاراتی دارید و باید حرمت این لباس را نگه دارید و در این لباس سرفرازان خدمت کنید.

ارتش وظیفه و تکلیف خودش را در جنگ انجام داده است و بابت انجام وظیفه‌اش نه چیزی از کسی می‌خواهد و نه توقع تبلیغ دارد. در این مورد صدا و سیما و سازمان‌های مختلف دیگری که در این زمینه مسئول هستند باید به مسئولیتشان عمل کنند. حال اگر این کار را می‌کنند یا نمی‌کنند، بستگی به انصاف خودشان و قضاوت شما و مردم دارد.

۳- یک سری از سوالات مربوط به این است که چرا از رزمندگان فلان

شهرستان نام نبردید (رزمندگان لرستان، کردستان، کرمانشاه و...)?

ملاحظه کنید عزیزان، شما سربازان همه مربوط به شهرهای مختلفی هستید، ولی همه ما متعلق به یک واحد مشخص جغرافیایی هستیم به نام ایران، منتها هر که در جایگاه خودش. بنابراین اگر صحبتی از رزمندگان شهرستان‌های مختلف نشده عمدی نبوده. ما همه برای یک واحد جغرافیایی کار می‌کنیم. اساساً وظیفه ارتش‌ها و وظیفه نیروهای مسلح در تمام کشورها، به خصوص کشورهای با اقوام مختلف، مثل ما، ملی کردن مردم است. منظور این است که هر فردی به شهرستانی تعلق دارد، طبیعی است که باید موطن اصلی خودش و زادگاهش را دوست بدارد، اما وظیفه ارتش این است که ما را حول محور بزرگتری به نام وطن جمع کند و به خاطر منافع ملی کشور تعلیم و تربیت و پرورش افراد را به گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که همگی فقط به یک هدف کلی و یک منطقه واحد جغرافیایی به نام وطن و آن هم ایران اسلامی فکر کنیم و تلاش

نماییم. همچنان که در جنگ تحمیلی این اتفاق و این حمیت ایران اسلامی با بهترین شکل ممکن به منصف ظهور درآمد. در آموزش‌ها هم شما توجه دارید وقتی به خط می-شوید به ترتیب قد هست، نه به ترتیب شهرستان. این مسائل همه دارای معنی است که همه کنار هم بایستیم، دست‌هایمان را همه با هم بالا بیاوریم، سرهایمان را همه با هم برگردانیم و با این ترتیب آن احساس متعلق به یک نقطه بزرگ بودن را در مقابل تهدیدها تقویت کنیم. در هر صورت وظیفه همه ما حفظ کیان جمهوری اسلامی است و در وجه به وجه مناطق عملیاتی سربازان از تمام کشور، تمام زبان‌ها و گویش‌ها و قومیت‌ها حضور داشته، جنگیده و شهید و جانباز شده‌اند و پیروزی هم به همه ملت تعلق دارد.

۴- درباره شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد لطفاً توضیح دهید.

ما هر تعبیری از زمان دفاع مقدس را باید با شرایط خودش بررسی و تحلیل کنیم. در سال ۶۱ وقتی که خرمشهر را آزاد کردیم و روی دور تند فتوحات قرار داشتیم، یعنی در مدت کوتاه هشت ماه با انجام عملیات‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس قسمت عمده سرزمین‌های جنوب کشور آزاد شده بود. قدرت عظیمی برای دور تند عملیات‌ها پیدا کرده بودیم. در این زمان بود که با پشتیبانی سیاسی غرب برنامه‌ای ریخته شد که مجری برنامه‌اش اسرائیل بود.

اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد و آن را به اشغال خود درآورد. لذا یک فضای سیاسی جدیدی در دنیا ایجاد شد. در این زمان صدام با حيله و برای رهایی از شکست مطرح کرد ما دو کشور آتش‌بس کنیم و نیروهای عراق با نیروهای ارتشی و سپاهی شما به جنوب لبنان حمله کرده و آن را از دست اسرائیل خارج کنند. مسئولین وقت ارتش و سپاه بدون توجه به نیت ایده پیشنهادی صدام و فقط به منظور کمک به مردم لبنان

و شور و اشتیاق مبارزه با صهیونیسم بررسی‌های اولیه را انجام دادند. قرار شد یک تیپ از ارتش و یک تیپ از سپاه پاسداران به سوریه بروند.

یگان‌های انتخاب‌شده از ارتش و سپاه به سوریه رفتند (از ارتش در مرحله اول یک گردان اعزام شده بود)، شناسایی اولیه انجام شد و مترصد شروع عملیات بودند. وقتی که مطالب را به عرض حضرت امام(ره) رساندند که این کارها انجام شده و ما آمادگی داریم که به کمک مردم لبنان برویم، امام فرمودند فریب نخورید؛ صدام می‌خواهد با این حيله هرجایی را که گرفته است تثبیت کند. بدانید که راه قدس از کربلا می‌گذرد. یعنی راه مبارزه با اسرائیل بعد از پیروزی در این جنگ حاصل می‌شود. یعنی اینکه باید اول به حساب صدام رسید، بعد به قدس رفت و درواقع این یک راهبرد نظامی است که حضرت امام(ره) اعلام کردند و این توطئه‌ای که صدام و غرب با هم پیش‌بینی و طراحی کرده بودند، از هم پاشید و یگان‌های اعزامی ارتش مراجعت کردند و از سپاه عناصری برای ارائه آموزش و مشاورت نظامی باقی ماندند.

۵- چرا فرماندهان مدعوین خود را به صورت ضمنی غیربسیجی اعلام می‌کنند؟ در صورتی که بسیج یک ارزش است.

در مورد کلمه بسیج دو تعریف وجود دارد. یک وقت ما کلمه بسیج را به عنوان یک کلمه ارزشی، یعنی حرکت داوطلب و عاشقانه عمومی و بسیج نیروها و یک اتحاد، انسجام و یک حرکت مخلصانه معنی می‌کنیم. در این صورت ما همه بسیجی هستیم. اما اگر بسیج را به صورت یک سازمان متشکل در ساختار سپاه مطرح کنیم در این صورت ما در ساختار ارتش هستیم، نه سپاه. لذا اگر این دو تعریف را مدنظر بگیریم، هیچ‌کس خودش را با آن تعریف اول غیربسیجی نمی‌داند.

۶- چرا ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمینه معرفی حقایق مربوط به نقش و تأثیر ارتش در جنگ به مردم این قدر ضعیف عمل کرده است؟ همواره به نداشتن امکان استفاده از دوربین در ارتش اشاره می‌شود که به نظر قانع-کننده نمی‌رسد.

بله؛ ما هم به این مسئله اعتراف می‌کنیم. واقعیت این است که امروزه دوربین به اندازه مسلسل و به اندازه موشک کارایی دارد. منتها این مسئله در زمان جنگ به دلایل امنیتی و حفاظتی انجام نمی‌شد و اصولاً هم این فرهنگ در ارتش وجود نداشت که مسائل عملیاتی یا شورهای ستادی ثبت و فیلم‌برداری شود. ضمن اینکه به دلایل مسائل انقلاب دوربین ارتش آن موقع از نظر مسئولیتی جابه‌جا شده بود و در اختیار فرماندهان نبود و خیلی هم به این مسئله توجه نمی‌شد.

از طرفی در سپاه و بسیج، عناصر داوطلب مردمی از هر قشر و تخصصی از جمله عکاس، فیلم‌بردار، خبرنگار و نویسنده وجود داشتند که ارتش چنین امکانی نداشت. امروزه نقش مؤثر رسانه‌ها در تبلیغات جنگ و پیروزی در جنگ بر همگان آشکار شده و ارتش ما هم بیشتر از گذشته به آن پرداخته است. در مورد گذشته هم اگرچه صدا و سیما فیلم‌هایی را ضبط کرده، ولی خب بیرون آوردن آن از آرشیوها و نمایش دادن آن مستلزم اراده و خواست مسئولین و بودجه و طرح‌ریزی مناسب می‌باشد.

۷- چرا همیشه از پیروزی‌ها صحبت می‌کنید و شکست‌ها را مطرح نمی‌کنید؟

قبل از پاسخ به این سوال ذکر این نکته لازم است که به جای استفاده از کلمات پیروزی و شکست که در جنگ بین دو کشور تعریف وسیع‌تری دارد، از عملیات موفق و ناموفق استفاده کنیم.

در کلاس‌های معارف جنگ اشاره‌هایی به عملیات ناموفق شد، زیرا در این فرصت کم ما صرفاً می‌توانیم مواردی را که باعث شکست دشمن و درحقیقت بازپس‌گیری

مناطق اشغال شده است را - که نتیجه آن حفظ نظام اسلامی یا تحقق اهداف دفاعی کشور است - برای دانشجویان عزیز مطرح کنیم. برای اینکه هشت سال دفاع مقدس را نمی‌توان در هشت ساعت خلاصه کرد. بحث‌های مربوط به عدم موفقیت‌ها و دلایل موفقیت‌ها به صورت نقادانه و علمی در دانشگاه‌های نظامی و مراکز فرهنگی برای دوره‌های مختلف کارکنان پایور مطرح می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در این جلسات فرصتی برای پرداختن به عملیات ناموفق و دلایل آن نیست، ضمن اینکه شما عزیزان از نظر تاکتیک‌های نظامی اطلاعات لازم را ندارید که ما بتوانیم در آن مورد برای شما توضیح بدهیم. ولی این مسلم است که ما وقتی صحبت از موفقیت می‌کنیم، مفهومش این است که عدم موفقیتی هم وجود داشته است.

عملیات‌های ما شاید بیش از نیمی با عدم موفقیت مواجه شده، ولی نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که با فشاری که روی نیروها و یگان‌های عراقی بود و انضباطی که ناشی از ترس بر سربازان عراقی حاکم بود، آنها به این راحتی حاضر به شکست و تسلیم نبودند و اکثراً تا آخرین تیر سلاحشان مقاومت می‌کردند و هیچ حرکت آفندی نیروهای خودی را سراغ نداریم که پس از موفقیت در آن ارتش صدام برای پس گرفتن هدف‌های از دست رفته چندین پاتک شدید انجام نداده باشد، لذا موفقیت‌های ما هم به سادگی به دست نمی‌آمد.

۸- هشت سال جنگ تحمیلی در مناطق غرب و جنوب‌غرب و جنوب صورت گرفته، اما بیشتر در مورد جنوب‌غرب و جنوب بحث می‌شود. چرا در مورد دفاع شجاعانه مردم شمال‌غرب، به خصوص مردم کردنشین صحبتی نمی‌شود؟

انتقاد به جایی است. واقعیت این است که در طول بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر مرزهای غربی و جنوبی که با عراق درگیر بودیم، اقوام مختلف مرزی ما در این جنگ سهیم

بودند؛ به ویژه در منطقه کرمانشاه، ایلام و کردستان. مثلاً بارها پیرانشهر، بانه و مریوان مورد بمباران قرار گرفته است. منتها وقتی که عملیات را اهم و فی‌الاهم می‌کنیم، به دلیل محدودیت زمانی و اینکه بیشترین مناطق اشغال‌شده توسط عراق و همین‌طور مهم‌ترین شهرهای اشغال‌شده، مثل خرمشهر، در جنوب بوده، بیشتر به جنوب می‌پردازیم و به قول برادرمان آن مناطق در بحث دفاع مقدس مغفول واقع شده و بایستی در فرصت‌های آینده بیشتر توجه شود؛ اگرچه در سطح کشور سعی شده کاروان‌های راهیان نور را به مناطق غربی هم اعزام کنند و در آن مناطق هم سرمایه‌گذاری انجام شود.

۹- چرا آزادسازی مهران به اندازه آزادسازی خرمشهر مهم نبود؟

البته هر هدفی موقعیت و اهمیت خاص خودش را دارد و آزادسازی مهران هم کم-اهمیت نبود. ولی اینکه چرا آزادسازی خرمشهر این‌قدر مهم بود، به خاطر اثرات بسیار گسترده‌ای بود که در سرنوشت جنگ داشت و صدام با شکست در این عملیات کاملاً به شکست اهدافش در حمله به ایران مطمئن شد. زیرا خرمشهر از موقعیت استراتژیکی خاصی در شمال خلیج فارس برخوردار است و از طرفی از اهداف اصلی عراق در این جنگ به‌شمار می‌رفت و رژیم بعثی عراق حداقل خواسته‌اش این بود که در این جنگ با دستیابی به خرمشهر و آبادان و حضور در کرانه شمالی رودخانه اروند حاکمیت ایران را از این رودخانه مختل کند و به همین منظور وقتی موفق به اشغال خرمشهر شد، سرمایه‌گذاری بسیار زیادی در ایجاد مواضع پدافندی انجام داده بود و از دست دادن خرمشهر و مناطق اطراف، در واقع باعث شد حیثیت نظامی صدام در مقابل پشتیبانی-کنندگان و حمایت‌کنندگان‌ش از بین رفته و ناامیدی کامل را بر آنها مستولی کرد. در صورتی که مهران جزو اهداف اصلی صدام محسوب نمی‌شد.

۱۰- چگونه شهادت و شهادت‌طلبی در نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران مفهوم‌سازی می‌شود؟ چه راهکارهایی برای پررنگ ساختن این باور اندیشیده شده است؟

به هر حال شهادت‌طلبی بر اساس اعتقادات افراد شکل می‌گیرد و در وجودشان نهادینه می‌شود و در روز جنگ آنها را می‌تواند قدرتمندتر از گذشته نشان بدهد و این یک فرآیند طولانی را می‌طلبد. خوشبختانه فرهنگ شهادت‌طلبی در اسلام و مکتب ما ایرانی‌ها که مسلمان و شیعه هستیم، نهادینه است. همه ما تأسی می‌کنیم از قیام امام حسین(ع) در عاشورا. فرهنگ شهادت‌طلبی از ۱۴۰۰ سال گذشته تا به امروز در کشور ما سابقه دارد. اینکه حضرت امام(ره) یک روز حرکت کردند و ملت ما به او پیوستند و به عنوان یک فرد مذهبی و روحانی ایشان را قبول کردند و بعد ایشان یک جنگ را اداره کرد و مردم با اشتیاق و با علاقه وارد جنگ شدند و عاشقانه به میدان‌ها و صحنه‌های جنگ رفتند، در اثر این فرهنگ دیرینه بوده است و یک شبه و یک روزه در وجود افراد به وجود نمی‌آید و در ارتش هم برنامه‌هایی برای تقویت این فرهنگ، به ویژه جهت کارکنان کادر وجود دارد. ضمن اینکه شما ارتش را از ملت نباید جدا بدانید، چون ارتش هم مجموعه‌ای است از فرزندان همین ملت.

۱۱- از مطالعات و تحقیقات متوجه می‌شویم کتاب‌هایی که ارتشی‌ها و سپاهیان می‌نویسند هرکدامشان تلاش می‌کنند نقش خودشان را در جنگ تحمیلی پررنگ‌تر جلوه بدهند. چرا؟

این نکته تا حدودی صحت دارد. مقداری از آن سهوی است، یعنی بنده اطلاع کافی از جریان‌ها ندارم، می‌خواهم کتابی بنویسم، فکر می‌کنم سازمان من به تنهایی این کار را انجام داده، در حالی که دیگران هم بوده‌اند.

اما اینکه در بعضی کتاب‌ها مقداری تحریف شده تردیدی نیست و مقداری هم طبیعی است. چون هرکسی که چیزی می‌نویسد، از خودش می‌نویسد. شما هم در اینجا به گروهان خودتان بیش از گروهان دیگر علاقمند هستید. در حالی که نقش همه را منصفانه باید گفت. از راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران که نقش بزرگی در جنگ داشت، جهاد سازندگی همین‌طور، کارکنان شرکت نفت که حماسه‌های بسیار بزرگی آفریدند در همه زمینه‌ها، به خصوص سرپا نگه داشتن پالایشگاه‌ها، صدور نفت و به ویژه در خاموش کردن چاه‌های نفتی که در بمباران‌ها آتش می‌گرفت و نهایتاً بسیج مردمی و همه و همه انصافاً در موفقیت کشور در جنگ تحمیلی نقش داشتند، لیکن هر گروه در حد خود و مأموریت‌های ذاتی خودش؛ و باید از همه آنها نام برده شود. البته مواردی هم هست که تبلیغ و تضعیف خود و یا دیگری نیست بلکه نگرستن به جنگ از منظر مسئولیت و حیطة عملکرد نویسنده در جبهه ناشی می‌شود؛ مثلاً تفنگدار ساده نمی‌تواند در دریچه دید خود طراحی و مأموریت هوایی، پدافند، ناوگان‌های دریایی یا حتی توپخانه و زرهی زمینی را مشاهده و تبیین کند.

۱۲- کمی هم از معایب جنگ صحبت کنید. چون با تعریف و تمجیدهایی که

از جنگ می‌شود خیلی‌ها علاقمند می‌شوند که باز هم به استقبال جنگ بروند.

توجه داشته باشید، ما دنبال جنگ نبودیم و جنگ تحمیلی را ما شروع نکردیم، ما دفاع کردیم. اینکه می‌گوییم دفاع مقدس، برای این است که در هر شرایطی دفاع، مقدس است و امروز هم به دفاع فکر می‌کنیم و اگر از دفاع هشت ساله تمجید می‌کنیم، واقعاً شاهکاری بود در طول تاریخ ایران و بایستی هرکسی عاشق دفاع و نجات کشور و دین و انقلابش در شرایط بحرانی باشد و برای آن شرایط باید دارای توکل به خدا، عشق به شهادت، علم و فن لازم و روحیه حماسی و شجاعت باشد.

شما بررسی کنید کدام مردمی در طول تاریخ از کشورشان این‌طور دفاع کردند، هشت سال پافشاری کردند و نگذاشتند یک سانتی‌متر از خاک کشور جدا بشود. تنها دوره در دویست سال اخیر که جنگ به ما تحمیل شده، ولی یک‌ذره از حقوق‌مان نگذشته و سازش نکرده‌ایم این دوره است. این است که با افتخار از آن حرف می‌زنیم، و آلا جنگ، مقدس نیست و پدیده زشتی است که همواره در طول تاریخ بوده است و در آینده نیز وجود خواهد داشت. اما دفاع، مقدس است و ما باید خودمان را همیشه برای دفاع آماده کنیم.

اسرای جنگ تحمیلی

۱- مختصری در مورد شرایط نگهداری اسرا در ایران و عراق توضیح دهید.

شرایط نگهداری اسرای ایرانی در عراق و نگهداری اسرای عراقی در ایران به هیچ وجه قابل مقایسه نبود. متأسفانه آنچه که شما در خاطرات اسرای ایرانی در عراق مشاهده می‌کنید برخورد بد و وحشیانه‌ای است که با هیچ‌یک از معیارهای انسانی، اسلامی و حتی قوانین بین‌المللی سازگار نیست. شکنجه‌های جسمی از جمله عبور اسیران از تونل وحشت در بدو ورود به اردوگاه‌ها، پاشیدن نمک بر روی زخم آنان، وصل کردن شوک الکتریکی به نقاط حساس بدن، گذاشتن بلوک‌های بتنی بر روی سینه و شلاق زدن، دفن بدن اسیران به شکل عمودی در زیر خاک، وادار کردن اسیران به سیلی زدن به یکدیگر، آویزان کردن از دست یا پاها و ده‌ها شکنجه دیگر و همچنین شکنجه‌های روحی مانند شکنجه افراد سرشناس، پیرمردان و نوجوانان در برابر دیده‌گان سایر اسرا، ممانعت از انجام مناسک مذهبی، در مضیقه قرار دادن اسیران از لحاظ آب و غذا، وادار کردن به مصاحبه رادیویی و تلویزیونی مغایر خواست آنان، وادار کردن اسیران به توهین به مقدسات مذهبی و رهبران دینی و ده‌ها مورد دیگر، شرایط بد بهداشتی که باعث بیماری‌هایی از جمله امراض پوستی، گال، عفونت‌های قارچی، درد مفاصل،

بیماری‌های روده‌ای و معده و... می‌گردید. همین‌طور عدم مراقبت‌های پزشکی و موارد دیگری که ذکر آن در این بیان کوتاه میسر نیست.

در مقابل اسرای عراقی که در کشور ما نگهداری می‌شدند از شرایط بسیار خوبی برخوردار بودند و بر اساس رویه اسلامی و اخلاق اسلامی با آنها برخورد می‌شد. به طور نمونه به تسهیلاتی که برای آنها فراهم شده بود اشاره می‌شود:

- اقدامات فرهنگی شامل تشکیل کلاس‌های آموزش قرآن مجید و تربیت صدها حافظ قرآن.
- تشکیل کلاس‌های آموزش نهج‌البلاغه.
- برپایی کلاس‌های نهضت سوادآموزی و باسواد نمودن بیش از ۱۵ هزار نفر.
- آموزش‌های حرفه‌ای متناسب با علاقه اسرا و در اختیار گذاشتن ابزارآلات کارگاهی مورد نیاز.
- برپایی نمایشگاه دائمی در پادگان شهید نظران شامل فعالیت‌های فرهنگی، زیستی، آموزشی، ورزشی، هنری، صوتی و تصویری.
- بازدید مهمانان داخلی و خارجی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، خبرنگاران و مستشاران نظامی از اردوگاه‌ها.
- و در یک حرکت انسان‌دوستانه فراتر از قوانین ژنو، دیدار اسرای عراقی با خانواده‌های خود شامل پدر و مادر، همسر و فرزندان (بیش از دوهزار نوبت به ثبت رسیده است).

این مختصری بود از رفتار ما با اسرای عراقی. البته این‌گونه برخوردهای انسانی و اسلامی بر اساس مشی ابلاغی حضرت امام(ره) که مقرر فرموده بودند نگهداری اسرا کمتر از جبهه نمی‌باشد و رهنمودهای مقام معظم رهبری صورت گرفته است و علاوه بر آن رفتار انسانی با اسرای عراقی و تأثیرات بسیار مثبت و گسترده آن (که باعث شد

قریب به ده هزار نفر آنان به جمهوری اسلامی پناهنده شوند) بر روحیه ملت عراق، امروزه سرمایه بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران گردیده است.

۲- آمار اسرای ایرانی در عراق و چگونگی بازگشت آنان را توضیح دهید.

آمار اسرای ایرانی بازگشتی از تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۶ تا ۱۳۸۱/۱۲/۲۶ به شرح زیر بوده است:

از تاریخ ۶۰/۳/۲۶ تا ۶۸/۱۰/۲۸	۱۹ مرحله	۹۶۹ نفر
از تاریخ ۶۹/۵/۲۶ تا ۶۹/۶/۲۴	۲۹ مرحله	۳۷۵۳۲ نفر
از تاریخ ۶۹/۷/۱۳ تا ۸۱/۱۲/۲۶	۱۷ مرحله	۶۳۹ نفر
مجموع	۶۵ مرحله	۳۹۱۴۰ نفر

این تعداد برابر صورت جلسه کمیته بین المللی صلیب سرخ در مرزهای خسروی، مندریه و فرودگاه های مهرآباد و آنکارا تحویل مقامات جمهوری اسلامی ایران گردیده اند.

۳- توضیحاتی در مورد آمار اسرای عراقی ارائه فرمایید.

آمار اسیران و پناهندگان عراقی نزدیک به ۷۰ هزار نفر بوده است که در ۳۰ اردوگاه در ۱۱ استان و ۲۲ شهرستان نگهداری می شدند. در بین اسرا مزدورانی از ۱۵ کشور که در جنگ تحمیلی دولت عراق را کمک می کردند و توسط رزمندگان اسلام به اسارت درآمده بودند، مشاهده می شد که به هنگام آزادی تحویل نمایندگان آنان در سفارت-خانه های مربوطه گردیده اند.

عده ای حدود ۲۰ هزار نفر از اسیران عراقی تقاضای پناهندگی از جمهوری اسلامی ایران را داشتند که توسط کمیسیون مربوطه مورد بررسی قرار گرفت و حدود ۱۰ هزار نفر آنان پذیرفته شدند.

باتوجه به تاریخ اولین روز اسیرگیری (۱۳۵۹/۶/۳۱) به تعداد ۷ نفر و تاریخ مراجعت آخرین نفرات آنان به تعداد ۵۹ نفر (۸۲/۱۲/۱۵) چیزی حدود ۲۳ سال نگهداری اسیران عراقی در ایران به طول انجامیده است.

آثار و پیامدهای جنگ تحمیلی

۱- تأثیرات حضور در صحنه‌های دلخراش جنگ را، که فرمودید در زندگی شخصی و فردی شخص اثر می‌گذارد، بیان کنید.

هیچ‌کس جنگ را تحسین نمی‌کند. جنگ رخدادی وحشتناک، خشن و مخرب است و روی روان انسان، جسم انسان و وضعیت جامعه تأثیر می‌گذارد. در مباحث پزشکی در رابطه با جنگ مبحثی وجود دارد به نام خستگی و اختلالات روانی ناشی از جنگ. یعنی کسی که به جنگ می‌رود و برمی‌گردد از نظر روانی با یک شخص عادی که در خانه‌اش بوده تفاوت زیادی دارد و این مخصوص ایرانی‌ها یا امریکایی‌ها یا کشور خاصی نیست، بلکه مربوط به همه است.

برای سرلشکر فقید حسین لشکری که ۱۸ سال در اسارت بوده است، آیا معتقد هستید که روی جسم و روانش و روی زندگی شخصی‌اش تأثیری نداشته؟ یا کسی که قطع نخاع شده و روی صندلی چرخ‌دار از سن ۱۸ سالگی نشسته تأثیری نداشته؟ طبیعی است جنگ روی انسان‌ها تأثیر سوء دارد. لیکن آنانی که برای عقیده الهی و آرمانی انسانی می‌جنگند، این اثرات مخرب را نداشته و یا بسیار کم همراه دارند و تعداد بسیار زیادی از ایثارگران و خانواده‌هایشان این سختی‌ها را طی معامله‌ای با پروردگار با شیرینی تحمل می‌کنند. مگر می‌شود پدر و مادری که در یک سانحه فرزندش را از

دست می‌دهد آرام و سرافراز باشند؟ در صورتی که مشاهده می‌شود پدر و مادر پنج شهید در دفاع مقدس شاکر و راضی و سربلند هستند. این نتیجه ایمان، توکل و اعتقاد به جهاد است.

۲- پیروز جنگ کیست؟ آیا ایران پیروز جنگ بود یا عراق؟

ما دلایلی داریم که خودمان را پیروز جنگ ایران و عراق معرفی می‌کنیم. امروز این سوالات بین نسل حاضر از یک طرف و از طرف دیگر سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای مختلف که دنبال ایجاد جنگ روانی و جنگ نرم علیه ملت ما هستند مطرح است و سعی دارند این شبهه را ایجاد کنند که در جنگ هشت ساله، با وجود آن همه تلفات و ضایعاتی که وجود داشت، هیچ پیروزی در این جنگ نبود، نه عراق به اروندرود رسید و نه ایران به کربلا.

این حرف‌هایی است که دشمنان ما در فضای مجازی مطرح می‌کنند و معمولاً هم در اذهان نسل سوم انقلاب این تفکرات وجود دارد و ما با این سوالات مواجه هستیم. لذا با بحثی که توضیح داده می‌شود اطلاعات را به شما می‌دهیم و شما خود قضاوت کنید که چه کسی پیروز جنگ است و هیچ اصراری هم نداریم که به شما القا کنیم ما پیروز جنگ هستیم.

برای اینکه بدانیم مفهوم پیروزی در جنگ چیست، ۱۵ تعریف وجود دارد؛ نه برای جنگ ایران و عراق، بلکه برای هر جنگی که رخ داده است. اما هرچند مفهوم پیروزی در دوره‌های مختلف متفاوت است، ولی همه این تعاریف در واقع یک مفهوم کلی را در ذهن انسان متبادر می‌کند و آن این است که پیروز جنگ کسی است که به خواسته‌های خودش در جنگ رسیده باشد. یعنی به اهدافی که از پیش تعیین کرده بود برسد تا بگوید من پیروز شدم، و آلا اگر دشمن زمینی را تصرف یا نیروهایی را منهدم کند و

یا هر اتفاق دیگری، اگر اهدافش را تأمین نکند، آن ارتش را نمی‌توان ارتش غالب و پیروز دانست.

شما مقایسه کنید آیا عراق به خواسته‌های خودش در پایان جنگ رسید؟ عراق به چه منظور به ایران حمله کرده بود؟ عراق که تا پشت رودخانه کرخه پیشروی کرده بود و به شهرهای اهواز، اندیمشک، دزفول و سر پل ذهاب نزدیک شده و شهرهای خرمشهر، قصرشیرین، سومار، نفت‌شهر، مهران و... را به اشغال خود درآورده بود، چه هدفی را دنبال می‌کرد؟ و زمانی که بیرونش کردیم چه چیزی را با خودش برد؟ جز اینکه جنگ بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار قرض برایش باقی گذاشته بود و سرنوشتی که ناچار شد به کویت حمله کند و آن وضع برایش به وجود آید.

برای روشن شدن بیشتر مطلب به اهداف سیاسی - نظامی دشمن اشاره می‌کنیم و اهداف خودمان را هم نام می‌بریم، تا مقایسه کنیم کدامیک از ما به اهداف تعیین‌شده خود رسیدیم.

اهداف استکبار از تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران:

- محبوس کردن انقلاب اسلامی.
 - به سازش کشاندن انقلاب اسلامی.
 - از محتوا تهی کردن انقلاب اسلامی.
 - ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران.
- اهداف صدام از جنگ تحمیلی:
- حاکمیت بر اروندرود و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.
 - جداسازی خوزستان از ایران.
 - جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران.
 - براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.

اهداف جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس:

- بازپس‌گیری مناطق اشغالی.
- استمرار مجدد قرارداد مرزی ۱۹۷۵.
- حفظ و اعتلای انقلاب اسلامی.
- تنبیه متجاوز.
- نابودی مرکز فتنه، یعنی نابودی صدام و حزب بعث.

حال با یک جمع‌بندی در میزان موفقیت استکبار جهانی و صدام در اهداف تعیین شده در مقابل هدف‌های ایران اسلامی متوجه می‌شوید که دشمنان ما در هیچ‌یک از اهدافشان که نام برده شد، پیروز نشدند؛ برعکس جمهوری اسلامی عزیز شد، انقلاب اسلامی را دنیا شناخت، قدرت دفاعی ما در زمان جنگ باعث قدرت بازدارندگی فعلی ما شد، نام حضرت امام(ره) در جهان درخشید، نام رزمندگان ما و همین‌طور شهدای ما به عنوان ستارگان درخشان در آسمان اسلام و جهان درخشید و صدام هم اهدافی را که گرفته بود از دست داد، قرارداد ۱۹۷۵ را مجدداً به رسمیت شناخت و متجاوز جنگ شناخته شد. سازمان ملل ۲۴۹ میلیارد دلار خسارت و غرامت جنگی برایش تعیین کرد و درنهایت هم با آن وضعی که ملاحظه کردید در حالی که سیف‌الاسلام جهان عرب یا سردار قادسیه به خودش لقب داده بود از چاله بیرون کشیده شد و بعد هم اعدام گردید.

۳- در مورد خسارت جنگی توضیح دهید. چرا تا به حال نگرفته‌ایم؟

کارشناسان سازمان ملل متحد به مدت شش ماه در ایران خسارات وارده را مورد بررسی قرار داده و خسارت ایران را ۲۴۹ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. البته ادعای ما در این مورد بیش از هزار میلیارد دلار می‌باشد. در پاسخ به چگونگی تعیین خسارات باید

متذکر شد که بیشتر تخمین‌ها اقتصادی است تا جنبه‌های دیگر. یعنی تأسیسات شهری، کارخانجات، جاده‌ها، پل‌ها در مناطق غیرنظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به هر حال اینکه چرا ما پول‌مان را از عراق نگرفتیم دلایلی دارد؛ از جمله اینکه سازمان ملل چگونگی پرداخت غرامت جنگی را روشن نکرده است. حتی اگر ما همان برآورد سازمان ملل را بپذیریم، چگونگی دریافت این غرامت مشخص نیست. این مسئله باید در مذاکرات دوجانبه بین ما و عراق حل و فصل شود و یا با مراجعه به یک دادگاه بین‌المللی و یا طرف سوم مورد قبول دوطرف، چگونگی پرداخت از سوی عراق مشخص گردد.

اما مهم‌تر این است که در حال حاضر به علت وضعیت خاصی که برای عراق بعد از جنگ پیش آمد، یعنی حمله مستقیم آمریکا به عراق و سرنگونی صدام و رژیم بعث که با اشغال کشور عراق همراه شد، در حال حاضر فضا و زمان مناسبی برای دریافت غرامت از عراق نمی‌باشد و اساساً از نظر اقتصادی هم عراق در وضعی نیست که بتواند آن را پرداخت کند.

البته طلب ایران به قوت خود باقی است. ایران هم در مواردی پیگیری می‌نماید، اما این مسئله موکول به زمانی است که عراق از نظر سیاسی و حکومتی از ثبات لازم برخوردار شود. لذا در حال حاضر ما باید کمک کنیم تا عراق بتواند سرپا بایستد، تا بتواند امنیت خودش را برقرار کند. چون امنیت عراق با توجه به مرزهای طولانی که با ما دارد، به امنیت ما بستگی دارد. ضمن اینکه ثبات و اقتدار دولت برخاسته از آراء مردم عراق برای ما منافع و ارزش مادی و معنوی فراوانی دارد که فشار به این دولت برای اخذ غرامت این قبیل منافع ما را خدشه‌دار می‌کند.

در اینجا یک سوال دیگر مطرح شده که چرا کویت غرامتش را از عراق می‌گیرد؟

پاسخ این است که سازمان ملل متحد از درآمدهای نفتی عراق درصدی را مشخص کرده است که هر خریدار به حساب کویت واریز نماید، ولی در مورد ایران مشخص نشده است و نیاز به ساز و کار مجدد دارد که تشریح گردید.

۴- آیا ایران توانست بعد از اتمام جنگ به حق خود و غرامت جنگی خود برسد؟

ما از نظر قانونی و سازمان ملل و روابط بین‌المللی به حق خودمان رسیدیم. زیرا عراق متجاوز معرفی گردیده و به پرداخت ۲۴۹ میلیارد دلار خسارت جنگی محکوم شده است و از خاک ایران اسلامی بیرون رانده شد و البته با مشخص شدن چگونگی پرداخت غرامت باید آن را نیز به ایران پرداخت کند که در سوال قبل پاسخ داده شد.

۵- چرا باید تاریخ جنگ تحمیلی و مسائل مربوط به آن را بدانیم؟

ما باید به تاریخ عادت کنیم، تاریخ‌مان را بخوانیم، با تاریخ و پدیده‌های آن آشنا شویم، علت‌یابی کنیم، از تاریخ درس بگیریم و برای بهتر شدن زندگی آینده‌مان از عبرت‌های تاریخی استفاده کنیم.

در سال ۱۳۵۷ در ایران، انقلاب اسلامی رخ می‌دهد. در اواخر قرن بیستم میلادی اساس یک حکومت ۲۵۰۰ ساله به روایتی ۱۰ هزار ساله که به صورت خانی یا پادشاهی اداره می‌شد، در هم پیچیده و حکومت جدیدی به وجود می‌آید به نام جمهوری اسلامی ایران و این از وقایع مهم تاریخ ایران می‌باشد.

در طول مدتی که از عمر این نظام جدید و نوپا می‌گذرد، فراز و نشیب‌های بسیاری در کشور ما به وجود آمده است، ولی هیچ واقعه‌ای مهم‌تر از جنگ تحمیلی تا این لحظه به این اندازه اثرگذار نبوده است.

این جنگ چرا این‌قدر مهم است و چرا آثار سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و روانی‌اش بعد از ۲۳ سال که از پایان آن می‌گذرد بر ابعاد مختلف جامعه ما تأثیر می-

گذارد و علت اینکه شما نسل جوان و تحصیل کرده این مملکت باید بدانید، این است که منهای خسارت انسانی که قیمتی برایش متصور نیست، این جنگ بیش از هزارمیلیارد دلار خسارت مالی به این کشور وارد کرده است.

جمعیتی حدود ۲۲۰ هزار نفر شهید داده‌ایم، ۵۸۰ هزار نفر جانباز شدند، قریب به دومیلیون نفر بسیجی طبق اعلام سازمان‌های مربوطه وارد جنگ شدند. طبق آمار مراکز آموزشی ارتش، دومیلیون و ۴۵۰ هزار افسر، درجه‌دار و سرباز وظیفه در طول جنگ وارد خدمت سربازی شده‌اند. نزدیک به ۲۱۷ هزار پایور ارتشی و ۱۸۰ هزار سپاهی، جهادی، ژاندارمری و جنگ‌های نامنظم، پیش‌مرگ کرد مسلمان با دشمن جنگیده‌اند. در جمع‌بندی این آمارها اگر خانواده هر کدام از این عزیزان که شامل پدر، مادر، همسر و فرزندان می‌باشند را چهار نفر محاسبه کنیم، بیش از ۳۰ میلیون نفر از اهالی این کشور، جنگ را از نزدیک لمس کرده‌اند و هنوز هم با آثارش زندگی می‌کنند. هنوز هم مشاهده می‌کنید پیکر پاک شهدا را می‌آورند و در شهرها تشییع می‌کنند. تمام کوچه-ها، خیابان‌ها و میدان‌ها به نام شهداست.

بنابراین بیش از ۸۰ درصد مردم این کشور با جنگ از نزدیک زندگی کرده‌اند و هنوز هم خاطرات و رویدادهای جنگ برایشان تازه و زنده است. اثرات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و روانی جنگ تحمیلی سال‌های سال در این کشور باقی خواهد بود. تجربیات بسیار باارزش و گران‌بهایی که در هر حوزه حاصل شده است ذخیره باارزشی است که باید از آن به نحو احسن برای پیش‌برد کشور استفاده کرد. ما ملت بزرگی هستیم، کشور ما بزرگترین و قوی‌ترین کشور خاورمیانه است، چه از نظر وسعت و چه از نظر منابع طبیعی و منابع انسانی و از نظر استعداد و هوش قابلیت‌های فراوانی داریم و از نظر نظامی به دلیل همین دفاع مقدس از قدرت بازدارندگی ممتازی برخورداریم.

ما همان ملتی هستیم که در هشت سال دفاع مقدس با دشمنی که همه دنیا پشت سرش بود، جنگیدیم و با اراده خودمان و غیرت جوانانمان آنها را از کشورمان بیرون

کردیم. امروز قدرتمندی ما و قدرت بازدارندگی ما متکی است به دستاوردهای همان دفاع مقدس، ما تفکر روی پای خود ایستادن و واژه «ما می‌توانیم» را با تمام ابعادش در تمام دنیا معنی کردیم و لذا این تجربیات ذخیره بارزشی برای ملت ما شده است که باید به شما نسل جوان انتقال پیدا کند و شما هم عواملی را که باعث پیروزی ما شده، بشناسید و در تقویت آن تلاش کنید و با شناسایی نقاط ضعف تلاش کنید آن را به نقاط قوت تبدیل نمایید و این تجربیات را برای پیش‌برد اهداف متعالی این کشور مورد استفاده قرار دهید.

۶- پیامدهای مثبت این جنگ برای ایران چه بود و چه توفیقاتی پیدا کردیم؟

دقت بفرمایید جنگ واقعاً پدیده شومی است که اثرات سوء آن از نظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و... برای هر دو طرف درگیری بر کسی پوشیده نیست. اما مسلماً برای کشوری که جنگ را با اهداف خاصی شروع می‌کند و نهایتاً به هیچ یک از اهدافش نمی‌رسد اثرات تخریبی جنگ به مراتب بیشتر و بیشتر خواهد بود. به خصوص در بعد سیاسی، فرهنگی، روانی و اجتماعی که سال‌ها باقی خواهد ماند. بدین ترتیب که شاید بشود آثار سوء اقتصادی جنگ را پس از چند سال تلاش تا اندازه‌ای جبران کرد، ولی آثار روانی و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن به زودی برطرف نمی‌شود. حال برای اینکه وضعیت جنگ ایران و عراق بیشتر روشن شود لازم است نگاهی کوتاه به جنگ-های اخیر در کشورمان بیندازیم و بررسی کنیم در این جنگ‌ها چگونه به آتش‌بس رسیده‌اند یا ترک مخاصمه شده است، تا بهتر بتوانیم با شرایط امروز خودمان مقایسه کنیم و نتایج جنگ تحمیلی را تحلیل نماییم.

ابتدا جنگ‌های ایران و روس را در نظر بگیرید که توضیح بیشتری داده خواهد شد. بعد جنگ با انگلیس بر سر هرات که ما هرات را واگذار کردیم، یا در زمان قاجاریه جنگ جهانی اول که بخش‌هایی از ایران توسط کشورهای روس و انگلیس اشغال

گردید^۱ و بعد از آن واقعه واگذاری بحرین در سال‌های ۴۹ و ۵۰ و بعد جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران.

اما در مورد جنگ‌های ایران و روس، دو جنگ عمده در تاریخ ثبت شده است. جنگ اول بین سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۴، یعنی حدود ۱۱-۱۰ سال که این جنگ با معاهده گلستان که به جدا شدن مناطق زیادی از سرزمین‌های کشورمان انجامیده است، پایان می‌یابد.

جنگ دوم از سال ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ یعنی حدود سه سال طول می‌کشد که این جنگ نیز با یک معاهده تمام می‌شود، به نام معاهده ترکمان‌چای، که برای ملت ما به قدری سنگین، ننگین و اثرگذار بوده است که در فرهنگ ایرانی به صورت ضرب‌المثل درآمد. به طوری که اگر کسی در قراردادی مغبون می‌شود می‌گوید قرارداد ترکمان-چای می‌بندی! این یعنی آثار فرهنگی و روانی آن جنگ هنوز برای آحاد این ملت باقی است. این دو معاهده گلستان و ترکمان‌چای که به از دست رفتن سرزمین‌های شمال رود ارس انجامید، در واقع سرآغازی شد برای از دست رفتن بخش‌های دیگری از سرزمین‌های کشور ایران.^۲

۱. روس‌ها با شش هزار سرباز در شمال و انگلیس با چهار هزار سرباز از جنوب، کشور ما را اشغال کردند و بعد هم جنگ جهانی دوم به سال ۱۳۲۰ که حکومت پهلوی اول ساقط شد و کشورهای دول متفقین از طریق اشغال ایران به شوروی کمک کردند و لطمات بسیاری در طول این اشغال بر ما تحمیل شد.

۲. الف- بعد از قرارداد ننگین ترکمان‌چای با فشارهای دولت‌های روس و انگلیس قریب ۹۰۰ هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران جدا شد.

ب- بخش‌های جداشده از ایران طی ۲۰۰ سال گذشته:

←	۱	عهدنامه گلستان	فتحعلی شاه	۱۸۱۳	آذربایجان
→	۲	عهدنامه ترکمان‌چای	فتحعلی شاه	۱۸۲۸	ارمنستان
	۳	معاهده پاریس	ناصرالدین شاه	۱۸۷۵	هرات
	۴	قرارداد ۱۸۸۱	ناصرالدین شاه	۱۸۸۱	افغانستان

بیشتر جامعه‌شناسان حتی روان‌شناسان اجتماعی این نظریه را دارند که با جنگ ایران و روس، ایرانیان تحقیر شدند، عقده حقارت پیدا کردند. حتی بعضی‌ها گفته‌اند انقلاب اسلامی که در سال ۵۷ اتفاق افتاد به خاطر این بود که ایرانیان عقده حقارت جنگ‌های ایران و روس را از خودشان دور کنند. پس تحقیر روحیه، شکستن ابهت ایرانی، تلفات انسانی زیاد، ضربه شدید اقتصادی و عدم خودباوری نتیجه آن دو جنگ بود. شما کتاب‌های این دوره را مطالعه کنید. یک تصمیم مستقل گرفته نمی‌شد. تمام تصمیماتی که در فضای سیاسی اتخاذ می‌شد یا توصیه سفیر انگلیس بود یا سفیر روس. تا سال ۱۳۲۰ که امریکایی‌ها جای آنها را گرفتند و همه‌کاره شدند، حتی تا رده وزیر و مدیر کل را انتخاب می‌کردند. این یعنی تضعیف اراده سیاسی که تا ۱۶۰-۱۵۰ سال بعد از آن جنگ بر فضای کشور مستولی بود.^۱

امروز اگر بخش عمده‌ای از ملت ما و جوانان ما به خودباوری رسیده‌اند و ملت ما با قدرت در مقابل ابرقدرت‌ها ایستاده است، یکی از آثار مثبت جنگ تحمیلی می‌باشد. ما قدرت‌مان را در این جنگ به نمایش گذاشتیم.^۲

۵) حکمیت اسمیت ناصرالدین شاه مظفرالدین شاه ۱۸۷۱-۱۹۰۵

۶) ایران و انگلستان محمد رضا پهلوی ۱۹۷۰ بحرین

(طی قراردادهای فوق بیش از دومیلیون کیلومتر در ۲۰۰ سال گذشته از خاک کشورمان جدا شده است.)

۱. در جنگ جهانی دوم هم این مسائل برای ملت‌های مغلوب مثل آلمان و ژاپن پیش آمد. آلمان و ژاپن هنوز هم اجازه ندارند در فضای سیاسی تصمیم مستقل بگیرند. درست است که در فضای اقتصادی پیشرفت کرده‌اند، ولی در فضای سیاسی استقلالی ندارند. اینها زمانی ابرقدرت بودند، ولی بعد از آن شکست‌ها به این مرحله رسیدند. پس آثار شکست‌ها می‌تواند تا سال‌های سال بر ملتی باقی باشد.

۲. تعدادی نامه بین رئیس جمهور وقت ایران و رئیس جمهور وقت عراق مبادله شد که آنها هم اسناد ارزشمندی هستند. صدام که خودش قطعنامه ۱۹۷۵ را پاره می‌کند و با آن جلال و عظمت تجاوز را آغاز کرده، طی نامه‌ای مفصل مواردی را مطرح می‌کند.

در بخشی از یک نامه می‌گوید: «بدین ترتیب همه آنچه را می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند.» یعنی آن قرارداد ۱۹۷۵ را که پاره کرده بود

به هر حال در یک جمع‌بندی سریع و به طور خلاصه می‌توان قسمتی از دستاوردهای دفاع مقدس را به شرح زیر بیان داشت:

- تحکیم وحدت و انسجام ملی در جامعه.
- مشارکت اقشار مختلف مردم.
- اعتماد به نفس و خودباوری.
- ولایت‌پذیری و تکلیفی عمل کردن.
- خودکفایی و خوداتکایی نیروهای مسلح.
- اخراج ارتش متجاوز از سرزمین اسلامی‌مان بدون از دست دادن ذره‌ای از خاک کشور.
- تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی.
- ارائه الگوی مبارزه با استکبار و بیداری اسلامی.

در پایان صحبت‌ها لازم است به قسمتی از پیام حضرت امام(ره) در اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیون سراسر کشور در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اشاره کنیم که نشان‌گر دیدگاه حضرت امام(ره) نسبت به این جنگ است که انصافاً هم زیباست و دربرگیرنده ماحصل نتایج ارزشمند مقاومت و سلحشوری‌های ملت ایران در دفاع مقدس می‌باشد.

۱. هر روز در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه

صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم.

۲. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.

مجدداً بهم چسبانده و تحویل ملت ایران می‌دهد و ما بدون اینکه یک وجب، یک سانتی‌متر از خاک میهن عزیزمان را واگذار کنیم از این جنگ فارغ می‌شویم. البته روزهای بعد هم همین صدام در سازمان ملل، آغازگر جنگ معرفی می‌شود که این سند پایانی و ارزشمندی بود که ان‌شاءالله مبنایی می‌باشد که ما غرامت جنگی خود را هم از عراق بگیریم.

۳. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
۴. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
۵. ما در جنگ دوستان و دشمنان‌مان را شناخته‌ایم.
۶. ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
۷. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
۸. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم.
۹. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست.
۱۰. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
۱۱. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
۱۲. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است.
۱۳. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی

هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه
دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.^۱

و اینک فرازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص دفاع مقدس:

این جنگ هشت ساله و این دفاع مقدس، از بزرگترین افتخارات ملت ایران بود. اگر ملت ایران هشت سال جنگ تحمیلی را نمی‌داشت، البته خیلی از ویرانی‌ها را، خیلی از فقدان‌ها را، خیلی از خسارت‌ها را نمی‌داشت، اما این اعتماد به نفس را هم نمی‌داشت، این قدرت علمی، نظامی و پیشرفت صنعتی را هم نمی‌داشت. این عزتی را هم که در مقابل چشم جهانیان به دست آورده است، نمی‌داشت. این حالت یأس و ناامیدی از تسلط بر این ملت هم در دل دشمنان بزرگ او به وجود نمی‌آمد.

جنگ هشت ساله، مظهر و تجلی همه روحیات خوب و سازنده‌ای است که یک ملت و یک کشور را می‌تواند به تعالی حقیقی برساند. حماسه ملت ایران در دفاع مقدس، نمایشگر قله ظرفیت انسانی مردم این سرزمین خدایی است. جنگ ایران و عراق یک جنگ معمولی نبود، جنگ دو ارتش یا دو کشور با هم نبود، جنگ یک کشور در مقابل عمده قوای نظامی و پشتیبانی‌های نظامی جهان بود. تمام قدرت نظامی و سیاسی امریکا پشت سر رژیم بعثی عراق ایستاد. این جنگ حقیقتاً یک گنج تمام‌نشدنی است. جنگ، حقیقتاً کوره‌ای بود که جوانان و بقیه مردم را آبدیده کرد.^۲

و در جای دیگر می‌فرمایند:

باید حماسه شگفت‌آور هشت سال دفاع مقدس که ملت ایران توانست با دست خالی و با توکل بر خدا در برابر یک تهاجم گسترده بین‌المللی بایستد و موفق و پیروز بیرون بیاید، برای نسل جوان کنونی و نسل‌های آینده شناسانده

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

۲. حدیث ولایت.

شود تا آنان با شناخت عظمت و توانایی‌های این ملت، راه گذشتگان را با احساس امید و عزت ادامه دهند.^۱

مسائل جانبی

۱- باتوجه به برداشتی که از بیانات اساتید می‌شود، در شرایط آن زمان احتمال وقوع جنگ پیش‌بینی می‌شد. می‌خواستیم مقایسه‌ای با زمان حال صورت بگیرد. آیا اکنون باتوجه به شرایط موجود چنین پیش‌بینی می‌شود؟

دقت بفرمایید هر لحظه که دشمنان ما فکر کنند با حمله و تجاوز علیه ما موفق می‌شوند انقلاب و نظام نه شرقی، نه غربی را ساقط کنند و از جهات مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی آسیب جدی نخواهند دید، بی‌درنگ این کار را خواهند کرد. این را هم تاریخ نشان داده است هر قدرتی که روح سلطه‌جویی و استکبار دارد و احساس برتری کند حمله خواهد کرد. ولی اینکه چرا حمله نمی‌کنند، احساس می‌کنند که در آینده بعد از حمله با مشکل جدی روبه‌رو خواهند شد.

اما فرقی که شرایط آن زمان با زمان فعلی ما دارد این است که در گذشته باتوجه به انقلاب نوپای اسلامی، شرایط ویژه‌ای در مملکت حکم‌فرما بود. به خصوص نداشتن تجربه در سطوح مختلف کاملاً ملموس بود. اما امروزه متفکرین، کارشناسان و استراتژیست‌های فراوانی در بحث نظامی و در بعد سیاسی داریم که هر روز فضای تهدیدات را رصد می‌کنند و مطابق با فضای تهدیدات تصمیماتی اتخاذ می‌شود و گاهی این تصمیمات در فضای تبلیغاتی و فضای سیاسی کشور مطرح می‌گردد. هرچند نوع

تهدیدات امروز با گذشته تغییر کرده است، ولی توانایی‌های ما نیز تغییر کرده. امروزه نیروهای مسلح ما تجربیات زیاد و بارزشی از هشت سال دفاع مقدس کسب کرده‌اند. ارتش ما دارای اعتبار ملی و مقبولیت عمومی است، سپاه و بسیج نیز همچنین. لذا فعالیت‌های نظامی را به حدی توسعه می‌دهند که بتوانند تهدیدات را پاسخگو باشند. البته قدرت بازدارندگی ما - که مرکب از عوامل مادی و معنوی است، مثل رهبری، وحدت ملی و خودکفایی نظامی در همه ابعاد، موقعیت بین‌المللی و نفوذ ایران اسلامی در منطقه و جهان - وقوع تهدید را غیرمحتمل نموده است. در صورتی که این وضعیت در گذشته وجود نداشت.

۲- عراق که این‌همه به ما ظلم کرده، تجاوز کرده، مردم ما را کشته، اسرای ما را شکنجه داده، چرا ما باید با آنها روابط داشته باشیم و بگوییم کشور برادر عراق؟

همه ما از دوران جنگ آسیب دیده‌ایم. بیشتر از همه رزمندگانی هستند که زنده مانده‌اند و خانواده‌های شهدا که مصیبت زیاد دیده‌اند. اما نباید مقصر را ملت عراق بدانیم. زیرا آنها هم گرفتار یک رژیم بعثی بودند. ما هم در صحبت‌هایمان می‌گوییم دشمن بعثی، نه مردم عراق. به هر حال ما دو ملت همسایه هستیم که قرن‌ها در کنار هم زندگی کرده‌ایم. علایق مشترکی داریم، اعتقادات مشترکی داریم، فرهنگ‌مان به هم نزدیک است، منافع مشترکی داریم، عتبات عالیات که ما حساسیت و علاقه بسیاری به آن داریم در آن کشور قرار دارد و مردم ما دوست دارند به آنجا تردد کنند. لذا ما نمی‌توانیم تا ابد روابطمان را قطع کنیم. جنگی اتفاق افتاده و مردم هر دو کشور از آن لطمه دیده‌اند و حزب بعث و صدام منهدم و نابود شده‌اند.

آثار و تبعات جنگ باید در جای خودش مدیریت بشود، ولی قطع ارتباط جایز نیست و هیچ‌کس، چه از لحاظ عقلی و چه دین و اخلاق این وضعیت را توصیه نمی‌کند

و باتوجه به اینکه سربازان بیگانه در آن کشور هنوز هم حضور دارند، کدورت و دعوا بین ما باعث سوءاستفاده قدرت‌ها خواهد شد. ضمن اینکه دولت دوست و طرفدار ایران در عراق حاکمیت دارد؛ علاوه بر این منافع اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی مشترک داریم که از این طریق نیز منافع خاصی نصیب ما می‌شود که باید در این خصوص نیز طبق منافع ملی و آرمان‌های نظام اقدام کنیم. این است که به هر حال بهتر است دوست باشیم تا دشمن و فرصت دشمنی به دشمن مشترک ندهیم.

۳- بعد از گذشت ۲۲ سال از جنگ تحمیلی و امروز در زمان صلح بهتر نیست که ارتش از این سکون و یک‌بعد نگری و در انتظار یک جنگ دیگر بودن بیرون بیاید و در کنار حفظ قدرت خود در مسائل اجتماعی و سازندگی شرکت کند و در این شکل فعلی نیروهای خود را هدر ندهد؟

ارتش هیچ‌وقت در حال سکون نبوده است. هوشیاری و حفظ و اعتلای آمادگی رزمی یکی از مهم‌ترین وظایف ارتش در زمان صلح می‌باشد که مبتنی بر آن تمام یگان‌های ارتش در هر لحظه با اجرای آموزش‌های مصوب و تمرینات صحرایی و مانورها نسبت به افزایش توان رزمی خود تلاش می‌کنند. البته تا حدی که به آمادگی رزمی یگان‌ها لطمه وارد نشود هم در امر سازندگی شرکت دارند. ولی اگر منظورتان از این سوال انجام یک‌سری فعالیت‌های غیرسازمانی و غیرمرتبط می‌باشد، باید گفت در اوایل انقلاب این صحبت و پیشنهاد شما یک بار تجربه شد. می‌گفتند هلی‌کوپترها و هواپیماها به چه کار می‌آید؟ پس بدهیم. ناوچه‌ها به جای آموزش و انجام مأموریت در حمل کالا به کشورهای جنوب خلیج فارس همکاری کنند. سربازان یک سال بیشتر خدمت نکنند و بقیه هم که در پادگان‌ها هستند روزهای پنج‌شنبه و جمعه به مزارع بروند و در کشت و کار و شخم زدن به کشاورزان کمک کنند.

این کارها در آن زمان انجام شد و عراق از ضعف ما سوءاستفاده کرد و به ما حمله‌ور شد. لذا دقت بفرمایید ارتش‌ها اصولاً برای حفظ امنیت کشور شکل می‌گیرند. اگر امنیت نباشد توسعه نخواهد بود. توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در گرو امنیت پایدار است و نیروی نظامی مؤلفه محوری حفظ این امنیت پایدار است. ارتش‌ها ده‌ها سال آموزش می‌بینند که یک روز بجنگند. تمام دنیا دارای ارتش هستند. لذا اینکه ارتش کار و برنامه‌های خودش را رها کند و به دنبال کشت و زرع و کارهای تجاری و اقتصادی برود، یک‌بار امتحان شد و جواب خوبی نداد و بهتر است دوباره آزمایش نشود.

۴- اگر امروز جنگی رخ دهد توانایی ایران برای مقابله با جنگ چقدر است و امکانات ایران نسبت به سایر کشورهایی که مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران هستند از نظر قوای رزمی چه میزان می‌باشد؟ با توجه به تهاجم فرهنگی امروز و جوانان امروز این سوال را جواب بدهید.

در محتوای سوال درواقع نگرانی از این است که آیا جوانان امروز - اگر اتفاقی بیفتد - مثل جوانان ۳۰ سال قبل آماده برای دفاع از کشورشان هستند یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال بایستی نگاهی به تاریخ گذشته ایران داشته باشیم. با این بررسی متوجه می‌شویم که در طول تاریخ هرکجا فرماندهان و رهبران کشور آماده دفاع از کشور بودند، مردم و جوانان هم آماده بوده‌اند. شما اگر دقت کرده باشید از سه‌هزار سال پیش تا به امروز کلمه ایران روی نقشه جهان باقی است؛ در حالی که بسیاری از کشورها که روزی اسمشان روی این نقشه بوده، امروز نیستند. لذا تاریخ ایران نشان می‌دهد مردم ایران همیشه آماده دفاع از کشورشان بوده‌اند. مثالی معروف است که در دوره نادرشاه که بعد از سلسله صفویه روی کار آمد، روزی نادر در حال جنگ و لشکرکشی متوجه پیرمردی با سلاح و تجهیزات کامل می‌شود. جلو رفته و سوال

می‌کند که ای مرد تو کجا بودی وقتی که محمود افغان تا دربار شاه سلطان حسین صفوی پیش آمد؟ این پیرمرد در پاسخ گفته بود که من آن روز بودم، ولی تو نبود. یعنی ما رهبر نداشتیم. لذا شما بدانید هروقت رهبران ما برای دفاع از کشور آماده باشند، مردم کشور هم آماده خواهند بود.

البته در شرایط امروز یک مؤلفه مهم دیگری نیز ایجاد شده و آن انقلاب اسلامی است که دو عامل انقلابی بودن و اعتقادات اسلامی به موارد پیش‌گفته افزوده شده که با تجربه شهادت‌طلبی دفاع مقدس استحکام یافته است. لذا بسیار بیش از تاریخ گذشته آمادگی و قدرت دفاعی داریم.

برخی از این سوالات و شبهات خود ناشی از جنگ روانی دشمنان ماست که می‌خواهند القا کنند و در ذهن ما تأثیر منفی بگذارند که جوانان امروز مانند جوانان گذشته نخواهند بود. در صورتی که به هیچ وجه این‌طور نیست. ما معتقد هستیم که جوانان ایران‌زمین همیشه از ایران دفاع کرده‌اند و در آینده هم دفاع خواهند کرد. امروز هم ما در جنگ هستیم، منتها موشک‌هایش ترکش ندارد که آن را ببینیم، ولی تفرقه ایجاد می‌کنند، اتحاد ما را تضعیف می‌کنند. ما نباید فکر کنیم جنگ تمام شده، جنگ وجود دارد و جامعه هدف دشمن همین شما طبقه جوان مملکت هستید و لازم است برای خنثی کردن اثرات سوء تبلیغات دشمن همگی در هر عرصه‌ای که هستیم تلاش نماییم و هوشیار باشیم.

ما مطمئن هستیم شما بهتر از نسل انقلاب و نسل جنگ با علم، هوشیاری، اعتقاد و تجربه بیشتر از اسلام و کشور دفاع خواهید کرد. هم‌اینک ایران اسلامی دریافته است که آن‌گونه بجنگد که دشمن نمی‌خواهد، آنجایی بجنگد که دشمن نمی‌خواهد و این یافته راهبردی خود برگ برنده ماست.

۵- جعبه سیاه جنگ چه وقت باز می‌شود؟

در بعد نظامی، تاکتیک، استراتژی و دفاع ما هیچ جعبه سیاهی از جنگ نداریم. هرچه بود گفته شده. در بعد سیاسی زمان جنگ امکان دارد جعبه سیاهی وجود داشته باشد، ولی در بعد نظامی چیزی وجود ندارد.

۶- به نظر شما آمادگی و توانایی رزمی امروز ارتش نسبت به سایر کشورها

چگونه است؟

امروز در دنیا این نظریه جا افتاده که هر ارتش مجهز و پیشرفته‌ای ارتش پیروز نیست. خود امریکایی‌ها هم در این نظریه وارد شده‌اند و خیلی‌ها معتقدند به اینکه امریکا در مدت ده سال گذشته میلیاردها دلار هزینه کرده است. ولی کمترین نتیجه را گرفته؛ نه در افغانستان توانسته است به اهدافش برسد و نه در عراق. لذا خیلی با احتیاط حرکت می‌کنند و با ما وارد یک جنگ رودررو نمی‌شوند. اصولاً جنگ با عراق و افغانستان را برای این شروع کردند که یا ما را مرعوب کنند و یا یک فضایی ایجاد کنند که بعدها بتوانند با هزینه کمتری موفق بشوند، ولی تا به امروز موفق نشدند. دلیلش هم آمادگی ماست. برای اینکه هم ارتش و هم نیروهای مسلح با تمام توان تلاش دارند که خود را آماده نگه دارند و این آمادگی ذهنی، فکری و اعتقادی ارزشش بیش از آمادگی تجهیزاتی و تسلیحاتی است.

حضرت امام(ره) در پیام مورخ اسفند ۱۳۶۷ خود فرمودند ما در این جنگ ثابت کردیم که یک ملت پابره‌نه می‌تواند سال‌ها در مقابل ابرقدرت‌ها بایستد. این یعنی خلع سلاح هسته‌ای قدرت‌ها. ما در این جنگ به این نتیجه رسیدیم که بایستی روی پای خودمان بایستیم و به خودمان متکی باشیم. تجربه هم این مسئله را ثابت کرد، وقتی فکر یک ملتی در جهت دفاع از خودش شکل بگیرد، حتماً در این کار موفق خواهد شد. هیچ کشوری در مقابل اراده ملی کشور ما که پشتوانه انقلابی و اعتقادی دارد، نمی‌تواند

تهاجم موفق‌تری داشته باشد و این را بارها مشاهده کرده‌ایم که بعد از دفاع مقدس در این بیست و چند سال نتوانسته‌اند تهدید نظامی خود را عملی کنند. ما در منطقه قدرت برتر نظامی هستیم و در مقابل قدرت فرمانطقه‌ای نیز با دفاع ناهم‌تراز و نامتقارن در مقابل هر تهدیدی خواهیم ایستاد و دیگران نمی‌توانند ریسک این ایستادگی را برای خود بپذیرند.

۷- برخی می‌گویند جنگ ما حدود ده سال بوده نه هشت سال.

جنگ ایران و عراق هشت سال طول کشید، از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷. اما نیروهای ما حداقل یک سال قبل از شروع جنگ در مناطق غرب و شمال‌غرب کشور استقرار داشتند تا با ناامنی‌های داخلی مواجه شوند، چون به نوعی عراق از این ناامنی‌ها و از ضدانقلاب حمایت می‌کرد. از طرفی پس از پایان جنگ هشت ساله نیز یگان‌های نیروی زمینی بیش از سه سال در مناطق مرزی مستقر بوده و از مرزها حفاظت می‌کردند تا اینکه طرح رجعت به اجرا درآمد و قسمتی از نیروها به پادگان‌ها مراجعت کردند. لذا اگر استقرار نیروها در مناطق جنگی و مرزی را بخواهید محاسبه کنید بیش از دوازده سال نیروهای مسلح ما حضور جنگی و عملیاتی داشته‌اند.

هوانیروز

۱- چرا هوانیروز زیرمجموعه نیروی هوایی نیست و آیا این مسئله باعث اختلال در مأموریت‌ها نمی‌شود؟

نیروی هوایی و نیروی زمینی دو نیروی مستقل و جدا هستند. همان‌طور که نیروی زمینی به توپخانه و یگان‌های رزمی نیاز دارد، به بالگرد هم برای آتش‌های پشتیبانی نزدیک و هلی‌برن و جابه‌جایی نزدیک یگان‌های خود نیاز دارد. اگر هوانیروز در نیرویی به غیر از نیروی زمینی، مثلاً در نیروی هوایی قرار بگیرد، مأموریت‌های خاص نیروی زمینی که بایستی به وسیله هوانیروز انجام شود، از جمله پشتیبانی نزدیک از یگان‌های تک‌ور یا هلی‌برن و جابه‌جایی پرسنل در منطقه عملیات با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

بدین ترتیب که نیروی زمینی بایستی نیاز خود را به صورت درخواست به ستاد رده بالاتر بفرستد و پس از تصویب و صدور امریه به نیروی هوایی، این نیرو هم پس از بررسی، وسیله را در اختیار آنها بگذارد. این روندی طولانی و زمان‌بر خواهد بود و عملیات را به تأخیر می‌اندازد. از این‌رو هوانیروز که در پشتیبانی نزدیک نیروی زمینی است، جزو یکی از یگان‌های نیروی زمینی محسوب شده و زیر امر این نیرو قرار دارد تا بتواند بدون فوت وقت به درخواست‌های پشتیبانی نیروی زمینی پاسخ بدهد. البته در طول هشت سال دفاع مقدس هم این موضوع ثابت شد و هوانیروز توانست به خوبی و

به سرعت مأموریت‌های محوله را در پشتیبانی از عملیات‌ها بدون مشکل انجام دهد. البته نیروی هوایی هم دارای بالگرد می‌باشد، ولی برای بخش جستجو و نجات و برای مأموریت‌های خودش استفاده می‌کند. ضمن اینکه هوانیروز در کنار مأموریت اصلی خود مأموریت‌های مردم‌یاری، ترابری مسئولین، کمک در حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و... را نیز انجام می‌دهد و کلاً یک یگان هلی‌کوپتری می‌باشد و مأموریت بالگرد همچون مأموریت هواپیماهای مافوق صوت با برد عملیاتی راهبردی نیست و مقایسه این دو با هم منطقی نمی‌باشد.

۲- بعد از پیروزی انقلاب آیا به پایگاه‌های هوانیروز پایگاهی اضافه شده است؟

بله؛ پایگاه هوانیروز مشهد مقدس و پایگاه هوانیروز تبریز دو پایگاهی هستند که در زمان جنگ و بعد از جنگ به پایگاه‌های هوانیروز اضافه شده‌اند و اخیراً نیز پایگاه هوانیروز بیرجند اضافه شده است.

۳- وضعیت هوانیروز در حال حاضر نسبت به قبل از جنگ را لطفاً شرح دهید.

هوانیروز در طول هشت سال جنگ تحمیلی تجربه‌های زیادی کسب کرده است. از جمله تجربه جنگ در کویر، جنگ در کوهستان و مناطق جنگلی، جنگ در شب و همچنین چگونگی برخورد با هواپیماهای دشمن را می‌توان از تجربیات بسیار ارزنده‌ای دانست که در طول جنگ به دست آمده است و امروز در آموزشگاه‌های هوانیروز این تجربیات به نیروهای جوان انتقال پیدا می‌کند و با اطمینان کامل می‌توانیم بگوییم وضعیت ما نسبت به اول جنگ از نظر دانش نظامی و رزمی هوانیروز به مراتب قوی‌تر می‌باشد و مسئله مهم‌تر این است که کارکنان فنی هوانیروز قادرند کلیه رده‌های تعمیر و نگهداری وسایل پرنده را که در گذشته توسط تکنسین‌ها و مستشاران خارجی انجام می‌شد، انجام دهند. البته از نظر تعداد وسایل پرنده نسبت به گذشته کاهش داشته‌ایم

که صنایع نظامی ما با تلاش‌هایی که انجام داده‌اند، در آینده نزدیک قادر به ساخت و تولید کامل وسایل و قطعات مورد نیاز و ساخت و تولید انواع بالگرد خواهند شد.

۴- در رابطه با یگان هوانیروز در طول جنگ، آیا وسایل پرنده ما بیشتر قدرتمند بودند یا وسایل پرنده عراق؟ ویژگی‌های یک وسیله پرنده خوب را توضیح دهید.

نقش هوانیروز در پشتیبانی نزدیک از یگان‌های زمینی بسیار پراهمیت بوده و خدمات هوانیروز در طول هشت سال دفاع مقدس بسیار چشمگیر بوده است و هیچ‌گاه یگان هلی‌کوپتری عراق نه از نظر کمیت و نه از نظر کیفیت و نه از نظر نوع مأموریت و اجرای آن به پای هوانیروز ایران نمی‌رسید. خلبانان شجاع هوانیروز در کلیه عملیات‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند و تلاش آنها در صحنه‌های نبرد کاملاً مشهود بوده و کارآیی و توانمندی آنها با یگان مشابه عراقی قابل قیاس نیست.

ویژگی‌های یک وسیله پرنده خوب، ابتدا قدرت بالای موتور، دوم شکل آیرودینامیکی مناسب و سوم نوع مهماتی است که می‌تواند با خودش حمل کند و شلیک نماید، می‌باشد. ولی از همه مهم‌تر خلبانی است که پشت این وسیله پرنده می‌نشیند و مأموریت‌های واگذاری را انجام می‌دهد و در همه این موارد ما بر عراق برتری داشته‌ایم. ما در جنگ با هلی‌کوپتر میگ عراقی را سرنگون کردیم که در دنیا و در جنگ‌های هوایی سابقه نداشته است.

۵- نقش کارکنان فنی هوانیروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پرسنل متخصص و متعهد فنی هوانیروز در شرایطی از تخصص و تجربه قرار دارند که قادر هستند کلیه رده‌های تعمیراتی بالگردهای هوانیروز را به بهترین نحو انجام

دهند و هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد. اما نقش پرسنل فنی هوانیروز در جنگ، اگر نگوییم بیشتر، کمتر از خلبانان نبوده است.

بسیاری از کارکنان فنی شبانه‌روز تلاش می‌کردند بالگردها را آماده کنند، تا خلبانان بتوانند پرواز کنند. اطلاع داشته باشید یک ساعت پرواز حداقل ۸ الی ۱۰ ساعت کار فنی در پی دارد. هنگامی که خلبانان در منطقه عملیات مأموریت‌های پروازی بیشتری انجام می‌دادند، مسلماً کار کارکنان فنی نیز زیادتر می‌شد. بیشتر زمان‌ها در مناطق جنگی شب‌ها تا صبح کار می‌کردند تا وسایل پرنده را آماده کنند. یکی از اتفاقاتی که در این خصوص قابل ذکر است را بیان می‌کنم: یکی از بالگردهای ما در منطقه عملیاتی در اثر اصابت گلوله یکی از موتورهایش را از دست می‌دهد و اجباراً در نزدیکی دشمن به زمین می‌نشیند، کارکنان فنی شبانه با کشیدن چادر برزنتی بر روی بالگرد موفق می‌شوند با چراغ قوه موتور هلی‌کوپتر را تعمیر کرده و به منطقه خودی مراجعت دهند. لذا شاید بتوان گفت نقش کارکنان فنی در بسیاری از مواقع کمتر از خلبانان نبوده و در مواقعی بیش از خلبانان هم بوده است.



۶- آیا در طول جنگ تحمیلی استانداردهای پروازی رعایت می‌شد و آیا

پرواز در شب‌ها انجام می‌شد؟

استانداردهای پروازی در جنگ نمی‌تواند به طور کامل رعایت شود. به طور مثال در یکی از مناطق عملیاتی در داخل خاک عراق که تعدادی از رزمندگان در آنجا محاصره شده بودند، یک فروند بالگرد شنوک و دو فروند ۲۱۴ مأمور می‌شوند آنها را تخلیه کنند. بالگرد ۲۱۴ به طور استاندارد می‌تواند ۱۴ نفر را سوار کند. ما در هر پرواز ۲۵ نفر را سوار می‌کردیم، حتی روی اسکیدها هم می‌ایستادند. بالگرد شنوک که ۳۵ نفر استانداردش می‌باشد، ۶۰ الی ۷۰ نفر را سوار می‌کرد. خوشبختانه چون هم‌سطح دریا بودیم، توانستیم این کار را انجام دهیم. اما پرواز در شب‌ها هم با تمرینات و کسب

هوانیروز / ۱۳۱

آمادگی انجام می‌شد. به طور مثال در عملیات خیبر از ساعت ۱۲ شب تا صبح ما توانستیم تمام نیروها را در جزایر مجنون پیاده کنیم. در بیشتر عملیات‌ها در شب پرواز می‌کردیم. در پروازهای شبانه، چون با چراغ خاموش انجام می‌شد، از هواپیماهای دشمن در امان بودیم و مأموریت راحت‌تر انجام می‌شد، گرچه قبل از جنگ فاقد چنین توانایی بودیم.

نیروی هوایی

۱- مأموریت‌های نیروی هوایی را توضیح دهید.

نیروی هوایی پنج مأموریت بزرگ در سطح راهبردی و تاکتیکی دارد. اولین مأموریت نیروی هوایی عملیات علیه نیروی هوایی دشمن است. یعنی با استفاده از جنگنده بمبافکن‌های خود که دارای ویژگی قدرت آتش، سرعت، برد زیاد و قابلیت مانور می‌باشد به تأسیسات حیاتی و حساس، پایگاه‌ها و سیستم پدافند هوایی دشمن حمله می‌کند و در نهایت با این عملیات‌ها سعی دارد برتری هوایی را کسب کند. منظور از برتری هوایی ایجاد آزادی عمل برای نیروهای سطحی می‌باشد تا بتوانند آزادانه در مقابل دشمن صف‌آرایی کنند و از گزند نیروی هوایی دشمن تا اندازه‌ای مصون بمانند. این مأموریت در سطح راهبردی است.

دومین مأموریت نیروی هوایی مجزا کردن منطقه نبرد می‌باشد. یعنی با استفاده از هواپیماهای بمبافکن به نیروهای احتیاط دشمن، مراکز دپو و تجهیزات دشمن، خطوط مواصلاتی، پل‌ها و جاده‌های استراتژیک دشمن حمله می‌کند تا نیروهای در خط دشمن نتوانند از این طریق به موقع پشتیبانی شوند. این مأموریت نیز راهبردی است.

سومین مأموریت نیروی هوایی عبارت است از پشتیبانی نزدیک هوایی که به درخواست قرارگاه‌های عملیاتی نیروی زمینی یا نیروی دریایی با استفاده از هواپیماهای ضربتی به صورت پیش‌بینی‌شده و اضطراری انجام می‌دهد و البته این مأموریت تاکتیکی است.

چهارمین مأموریت نیروی هوایی شناسایی هوایی است که با استفاده از هواپیماهای شناسایی از تمام خطوط راهبردی دشمن عکس‌برداری می‌کند و در اختیار فرماندهان جنگ قرار می‌دهد که جنبه تاکتیکی و راهبردی، هر دو را داراست.

پنجمین مأموریت نیروی هوایی ترابری هوایی است که با هواپیماهای ترابری، نیروهای خودی و تجهیزات را جابه‌جا و منتقل می‌کند. نکته حائز اهمیت اینکه در زمان جنگ مأموریت پدافند هوایی زمین به هوا نیز به عهده نیروی هوایی بود، ولی اخیراً این مأموریت در قالب یک نیروی مستقل دیگری تعریف شده است. این مأموریت علاوه بر جنبه تاکتیکی می‌تواند جنبه راهبردی نیز داشته باشد.



۲- نقش نیروی هوایی در روزهای اول جنگ را توضیح دهید.

در روز ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹، حدود ساعت ۲ بعدازظهر کلیه پایگاه‌های نیروی هوایی مورد حمله هواپیماهای جنگنده نیروی هوایی عراق قرار گرفته و بمباران می‌شوند.

صدام و حامیان‌ش طرح‌ریزی کرده بودند که با این عملیات بتوانند ۵۰ تا ۷۰ درصد از توان رزمی نیروی هوایی ما را که می‌توانست تهدیدی جدی برای آنان باشد خنثی کنند. منتها خوشبختانه با پیش‌بینی‌هایی که از سال‌ها قبل انجام شده بود و با عدم دقت و نداشتن شجاعت خلبانان عراقی، حداقل ضایعات و خسارات ممکنه به پایگاه‌ها وارد شد و در کمترین زمان با همکاری و تلاش یکپارچه کارکنان پایگاه‌ها خسارات جزئی از جمله ترمیم باندهای پروازی را مرتفع کرده، به طوری که دو ساعت بعد کلیه

پایگاه‌ها برای انجام مأموریت اعلام آمادگی کردند. در همین روز به ۱۲ فروند هواپیمای جنگنده مأموریت داده می‌شود در سه دسته پروازی به ترتیب پایگاه الرشید در بغداد، پایگاه کوت در استان میسان و پایگاه شعیبه در بصره را مورد حمله قرار دهند و سحرگاه روز بعد عملیات معروف ۱۴۰ فروندی نیروی هوایی ایران، تحت عنوان کمان ۹۹، علیه پایگاه‌های صدام انجام شد و این چیزی بود که نه صدام و نه تمام کسانی که طرح‌ریزی جنگ را کرده بودند به آن فکر نمی‌کردند و این اولین ضربه مهلک روانی بر صدام بود که نقشه انهدام نیروی هوایی ایران و پیروزی برق‌آسای آنان را نقش بر آب کرد.

۳- وجه تمایز نیروی هوایی نسبت به سایر نیروها در چیست؟

- سرعت.
- برد زیاد.
- قدرت آتش.
- واکنش سریع.

۴- چرا به نقش نیروی هوایی در جنگ کم پرداخته شده و کم‌رنگ دیده می‌شود؟

در هر سازمانی فرهنگی حاکم است که به عنوان فرهنگ سازمانی معروف است. این فرهنگ در ارتش ما هم قطعاً ریشه داشته و در نیروی هوایی بیشتر. ملاحظات امنیتی و حفاظتی در نیروی هوایی به گونه‌ای بود که حتی اگر خلبانی می‌خواست با هواپیمایی که خودش پرواز می‌کند عکس بگیرد، اجازه داده نمی‌شد و یا در شرایط نادر با تمهیدات حفاظتی بسیار زیاد این کار انجام می‌شد.

این فرهنگ از زمان‌های خیلی دور در سازمان‌ها وجود داشت و به بخش‌های امنیتی و حفاظتی به شدت توجه می‌شد. به هر حال اینها همه یک اندیشه‌ای را در

بخش امنیتی در ارتش ساخته بودند تا مسائلی کمتر باز شود و به اطلاع عموم برسد. ضمن اینکه در انجام مأموریت‌های رزمی تفکر بر این است که این وظیفه ذاتی ماست و باید انجام بدهیم و نیازی هم به بازگویی آن نیست.

البته در چند سال اخیر شرایط قدری تغییر کرده است و مسئولین متوجه شدند این اطلاعات و تجربه‌ها حداقل برای استفاده سال‌های آینده کشور لازم است و باید این مسائل در جایی غیر از مراکز نظامی نیز ثبت شود و یا بخش‌هایی از آن در صدا و سیما و مطبوعات و یا هر رسانه‌ای که می‌تواند این مسائل را انعکاس بدهد، مطرح شود تا پشتیبانی ملی و روانی در زمان جنگ‌های احتمالی آینده از این نیرو معمول گردد.

۵- وضعیت نیروی هوایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی و بعد از جنگ چگونه است؟

قبل از انقلاب اسلامی با تصمیمی که سران متفقین بعد از جنگ جهانی دوم مبنی بر بی‌طرف ماندن ایران اتخاذ کردند، ایران نمی‌توانست در پیمان نظامی ورشو و یا پیمان نظامی ناتو قرار گیرد. ولی در حلقه محاصره بخش جنوبی شوروی سابق قرار داشت و با تدابیری که اندیشیده شده بود، نیروی هوایی ما بایستی به قدری قوی می‌شد تا به عنوان یک نیروی واکنش سریع در یک درگیری محدود شرکت کند و تا رسیدن نیروهای ائتلاف بتواند جلوی تجاوز شوروی را بگیرد. بر همین اساس نیروی هوایی ایران با سرعت فوق‌العاده‌ای توسعه پیدا کرد و به بیش از ۴۴۰ فروند هواپیمای شکاری مجهز شده و تعداد ۱۶۰ فروند هواپیمای دیگر نیز سفارش داده شده بود و در طرح توسعه آینده نیرو قرار بود با دریافت ۱۶۰ فروند هواپیمای اف ۱۶، ۸۰ فروند هواپیمای اف ۱۴ و ۶۰ فروند هواپیمای اف ۴ جی و ۷ فروند هواپیمای آواکس ادامه پیدا کند.

اما بعد از انقلاب اسلامی با توجه به تحریم‌ها و عدم تحویل تسلیحاتی که قبلاً سفارش داده شده بود، با مشکلاتی مواجه شدیم. لیکن در دوران جنگ با نگهداری

دقیق و بی‌وقفه وسایل و تجهیزات موجود به حول و قوه الهی با خودانکایی و خودکفایی جنگ را پیش می‌بردیم و در حال حاضر هم ضمن نگهداری تجهیزات موجود و با توجه به انتخاب راهبرد دفاعی در کشور چه قبل از شروع جنگ تحمیلی و چه بعد از آن، تمام سامانه‌های دفاعی ما بر مبنای دفاع طراحی و برنامه‌ریزی شده و با توجه به اینکه نبردهای دفاعی ساز و کارهای خودش را می‌طلبد، در این راه تلاش زیادی انجام گرفته و کشور به موفقیت‌های بسیار عالی نیز رسیده است. البته دفاع هوایی ما که در قبل هواپایه بود، به زمین‌پایه تغییر یافت تا بتوانیم از زمین با هواپیماهای مهاجم بجنگیم و این فرصتی به ما می‌دهد تا به ساخت و تولید هواپیماهای شکاری با خیال راحت اقدام کنیم که چنین کرده‌ایم و هواپیماهای صاعقه و آذرخش نتیجه این همت، تلاش و اعتقاد است.

۶- اولین تجاوز هوایی عراق در چه زمانی بود؟

اولین تجاوز نیروی هوایی عراق که در دفاتر هوایی ایران ثبت شده است در اردیبهشت ۱۳۵۸ می‌باشد که هواپیماهای نیروی هوایی برای دفع تجاوز دشمن پرواز کرده‌اند. از طرفی با توجه به شرایط مناطق جنگی حداقل سه ماه قبل از حمله سراسری، تجاوز عراق برای ما مسجل شده بود. شهید ستوان یکم خلبان باستانی اولین شهید در جنگ ایران و عراق می‌باشد که در تیرماه ۱۳۵۹ به شهادت رسید. ایشان شاگرد اول دوران تحصیلش و از خلبانان بسیار ورزیده نیرو بودند. در یکی از مأموریت‌های شناسایی که روی مرزهای ایران و عراق انجام می‌دهد مورد حمله قرار گرفته و هواپیمایش سرنگون می‌شود. منتها هواپیما در ایران سقوط می‌کند و پیکر پاکش در ایران تشییع می‌شود. ولی سرلشکر شهید حسین لشکری در ۲۷ شهریور، یعنی چهار روز قبل از شروع جنگ در یک مأموریت شناسایی مسلح مورد اصابت پدافند هوایی عراق قرار می‌گیرد و در خاک عراق سقوط می‌کند و اسیر می‌شود. در ۳۱ شهریور،

یعنی اولین روز آغاز حمله سراسری دشمن به خاک ما، نیروی هوایی عراق با ۱۹۲ فروند هواپیمای جنگنده به پایگاه‌های ما حمله می‌کند.

۷- چرا نیروی هوایی در دو سال اول جنگ قوی و قدرتمند بود، ولی بعد از

آن قدرتی که باید می‌داشت را نداشت؟

ما در همان سال اول جنگ تعداد زیادی هواپیما از دست دادیم (در یک ماه اول جنگ ۵۲ خلبان به درجه شهادت رسیدند و در طول جنگ ۲۱۴ خلبان) و گسترش مأموریت‌های نیروی هوایی در اسکورت کشتی‌ها و گشت‌های هوایی با هواپیماهای اف۱۴، پشتیبانی‌های لجستیکی بیشتری را می‌طلبید. در صورتی که محدودیت‌های ما روز به روز بیشتر می‌شد. یعنی هواپیما، قطعات یدکی و تجهیزات مورد نیاز در اختیار ما نمی‌گذاشتند. این بود که قدرت ما نسبت به روزهای اول جنگ تحلیل می‌رفت. ولی هیچ‌گاه نیروی هوایی فاقد قدرت رزمی در پشتیبانی از عملیات زمینی و انجام مأموریت‌های راهبردی نگردید.

۸- اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در عراق به دلیل ناامن شدن شهر

بغداد توسط جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش ایران تشکیل نشد. در این رابطه

توضیح دهید و نقش خلبان شهید عباس دوران در این مأموریت چه بود؟

کنفرانس سران غیرمتعهد اولین بار در سال ۱۹۶۱ تشکیل شده است. ایران به دلیل عضویت در پیمان سنتو نمی‌توانست عضویت آن را داشته باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از هم پاشیده شدن پیمان سنتو موضوع عضویت ایران در این جنبش مطرح و پذیرفته می‌شود.

اجلاس کشورهای غیرمتعهد هر بار در یکی از کشورهای عضو تشکیل می‌شود. در

سال ۱۳۶۱ این اجلاس قرار بود در بغداد تشکیل شود؛ ولی به علت جنگ تحمیلی

تعدادی از کشورهای عضو عراق را برای این امر ناامن می‌دانستند و لذا صدام با پشتیبانی و کمک‌های بی‌دریغ دوستانش از شرق و غرب با تقویت پدافند هوایی عراق، به خصوص شهر بغداد، تلاش می‌کرد عراق را کشوری امن برای برگزاری این اجلاس معرفی کند و با اعزام نمایندگان خود به کشورهای عضو سعی در ترغیب آنها به شرکت در کنفرانس و کسب وجهه برای خود داشت. از طرفی ایران اساساً مخالف تشکیل این کنفرانس در بغداد بود.

اینجا مسئولین نظام اذعان دارند که نیروی هوایی خودش داوطلب شد که با بمباران مناطق حیاتی و حساس نظامی شهر بغداد این شهر را ناامن کند که مورد پذیرش مسئولین قرار می‌گیرد.

در این رابطه خلبان شهید عباس دوران به اتفاق شادروان سرهنگ خلبان محمود اسکندری، که ایشان نیز یکی از قهرمانان جنگ بودند و بعد از خاتمه جنگ تحمیلی به رحمت خدا رفتند، داوطلب انجام این مأموریت می‌شوند که برخلاف ادعای صدام ثابت کنند عراق ناامن است.

پالایشگاه دوره بغداد به عنوان هدف انتخاب می‌شود. به دلیل اینکه اگر پالایشگاه مورد هدف قرار می‌گرفت، حداقل یک تا دو هفته طول می‌کشید که خاموش شود و شعله‌های آتش و دود نشان‌دهنده نفوذ هواپیماهای ایران و اثبات ناامن بودن عراق و شهر بغداد بود.

در سپیده‌دم روز ۳۰ تیرماه ۱۳۶۱ این مأموریت با لیدری عباس دوران به قصد ضربه زدن به شبکه دفاعی و امنیتی نفوذناپذیر مورد ادعای صدام انجام و چندین تن بمب در هدف‌های تعیین‌شده شلیک می‌شود و پس از نمایش قدرت و شکستن دیوار صوتی هر دو هواپیما در آسمان بغداد مورد اصابت قرار می‌گیرند.

شادروان محمود اسکندری باتوجه به آسیب کمتری که به هواپیمایش وارد می‌شود، با تبحر زیاد هواپیما را به کشور بازمی‌گرداند. ولی هواپیمای لیدر آسیب بیشتری

می‌بیند و قابلیت پرواز را از دست می‌دهد. شهید دوران اجازه ترک هواپیما را به هم‌رزم خلبانش ستوان یکم منصور کاظمیان در کابین عقب می‌دهد و با توجه به امتناع هم-رزمش مبنی بر عدم خروج از هواپیما، به او دستور می‌دهد. بعد از پرش کابین عقب خود با وجود اینکه می‌توانست با استفاده از چتر نجات سالم فرود آید، هواپیما را در نزدیکی سالن کنفرانس به ساختمانی می‌کوبد و بدین ترتیب مانع از برگزاری اجلاس سران غیرمتمعهدها به ریاست صدام در بغداد می‌گردد و اجلاس سران از بغداد به دهلی منتقل می‌شود و این مسئله ضمن کسب پیروزی بزرگ برای ایران باعث شکست سیاسی و نظامی عمده‌ای برای عراق می‌شود.

سرتیپ آزاده خلبان منصور کاظمیان کابین عقب شهید دوران در این عملیات پس از خروج از هواپیما با چتر فرود آمده و به اسارت بعضی‌ها درمی‌آید. او پس از هشت سال اسارت و تحمل رنج و سختی فراوان در ۲۴ شهریور ۱۳۶۹ به همراه دیگر آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازمی‌گردد.

۹- در مورد حمله به اچ ۳ توضیح دهید.

عراق بعد از حملات و تهاجمات بسیاری که نیروی هوایی ما روی پایگاه‌هایش در روزهای آغازین جنگ داشت، به ناچار تعداد زیادی از هواپیماهای خود را به پایگاه یا مجموعه‌ای از پایگاه‌ها به نام اچ ۳ در غربی‌ترین نقطه خاک عراق در مرز اردن منتقل می‌کند تا از تیررس و بمباران هواپیماهای نیروی هوایی ایران مصون بمانند. نیروی هوایی ما بعد از اطلاع از این مسئله برای انهدام این هواپیماها برنامه‌ریزی می‌نماید. فاصله آن پایگاه‌هایی که ما بایستی از آنجا عملیات را انجام می‌دادیم به صورت رفت و برگشت حدود ۱۷۰۰ کیلومتر می‌شد. برای این کار بایستی طراحی دقیقی انجام می‌شد. به طوری که هواپیماهای ما بتوانند با سوخت‌گیری در خاک دشمن این هدف را بمباران کنند، طراحی با رعایت کامل اصول حفاظتی انجام شد و به پایگاه‌های مربوطه

ابلاغ گردید. پایگاه همدان به عنوان عمل‌کننده اصلی، پایگاه تبریز به عنوان پشتیبان مستقیم و پایگاه اصفهان و مهرآباد به عنوان پشتیبان دوم در این عملیات شرکت داشتند و همین‌طور شبکه پدافند هوایی کشور آماده انجام مأموریت شدند.^۱

هشت فروند هواپیما با لیدری امیر برات‌پور که آن‌موقع با درجه سرگردی معاون عملیات پایگاه همدان بودند، موفق شدند با چهار بار سوخت‌گیری، دو بار در خاک خودمان و دو بار هم در مرز عراق و سوریه این مأموریت را با موفقیت انجام دهند. البته یک گروه سه فروندی هم از تبریز به رهبری شهید بزرگوار مصطفی اردستانی و دو نفر دیگر از همکاران مأموریت به اصطلاح انحرافی را انجام دادند، یعنی هم‌زمان به کرکوک عراق حمله کردند تا بتوانند هواپیماهای شناسایی و هواپیمای گشت هوایی عراق را منحرف کنند تا مأموریت اصلی در غرب عراق انجام شود. حاصل این عملیات انهدام حدود ۵۰ فروند هواپیمای عراقی بود که در سه پایگاه نزدیک به هم به نام اچ ۳ یا الولید در غرب عراق مستقر بودند. ضمن اینکه تعدادی از تأسیسات این پایگاه‌ها نیز تخریب گردید. این هواپیماها موفق شدند پس از انجام کامل مأموریت خود سالم برگردند. تنها یکی از هواپیماها به خلبانی شهید خضایی به علت آسیب‌دیدگی در یک باند متروکه در جنوب سوریه به زمین نشست که چندی بعد با هماهنگی‌های انجام‌شده و اعزام گروه فنی این هواپیما تعمیر شد و توسط شادروان محمود اسکندری پس از تست از همین پایگاه برخاسته و پس از طی کردن عرض خاک عراق و یک بار سوخت‌گیری در خاک خودمان در پایگاه همدان به زمین نشست.

۱. برای مطالعه شرح کامل این عملیات به کتاب «حمله به اچ ۳» نوشته امیر دکتر مهرنیا، انتشارات سوره مراجعه شود.

۱۰- اگر رژیم شاه هواپیماهای اف ۱۴ را خریداری نکرده بود، آیا ایران بدون

این هواپیما در این جنگ موفق می‌شد؟

قطعاً ما با مشکلات بیشتری در پهنه آسمان مواجه می‌شدیم، ولی باید در نظر داشت که ما تنها متکی به اف ۱۴ نبودیم، ما به خدای خودمان متکی بودیم، همه رزمندگان این-چنین بودند. اگر ادوات می‌توانست جوابگوی همه نیازها باشد بایستی اتحاد جماهیر شوروی می‌توانست در افغانستان پیروز شود. امروز اگر ادوات و تجهیزات می‌توانست حرف آخر را بزند امریکا بایستی تکلیف ویتنام، عراق و افغانستان را یک شبه روشن می‌کرد. ولی اراده مردم است که سرنوشت‌ساز خواهد بود. ما در عین حال که از تمام تجهیزات مان به خوبی استفاده کردیم، ولی این انگیزه و اراده ما و مردم مسلمان ما بود که توانست این جنگ را هشت سال اداره کند و با ابتکار کارکنان فنی به رغم تحریم‌ها و اینکه بیش از ۵۰ درصد از سامانه آموزشی و لجستیکی این هواپیماها وابسته به کشور امریکا بود توانستیم تا پایان جنگ از توانایی‌های موجود استفاده کنیم و مأموریت‌های واگذاری را به بهترین شکل ممکن انجام دهیم و این مسئله دور از تصور آگاهان نظامی جهان بود. ضمن اینکه پدافند هوایی پرتلاش، خستگی‌ناپذیر و ایثارگر ما در زمین و در مناطق عملیاتی نیز در کنار هواپیماهای رهگیر اف ۱۴ وجود داشت و نقشی اساسی در ساقط کردن هواپیماهای دشمن ایفا می‌کرد.

۱۱- آیا بهترین هواپیمای ما در جنگ اف ۱۴ بود؟

هر هواپیمایی برای مأموریتی طراحی شده و اهمیت خودش را دارد. هواپیمای اف ۱۴ به دلیل داشتن رادار قوی بیشتر مأموریت‌های گشت هوایی و مراقبت هوایی را به عهده داشت. این هواپیما ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر را با رادارش جستجو می‌کرد و با کمک رادار زمینی این مسائل تجزیه و تحلیل می‌شد و با هواپیمای مهاجمی که وارد منطقه شده بود درگیر می‌شد و آن را منهدم می‌کرد. این هواپیما مأموریتش رهگیری

است و با استفاده از موشک‌های دوربرد فونیکس و دیگر سلاح‌هایی که در اختیار دارد از فاصله دور با هواپیمای مهاجم درگیر می‌شود. از این هواپیما بجز یکی دو مورد، آن هم به طور آزمایشی در مأموریت‌های برون‌مرزی استفاده نشد. بقیه مأموریت‌های رزمی نیروی هوایی را هواپیماهای اف ۴ و اف ۵ انجام می‌دادند و هواپیماهای آر.اف ۴ و آر.اف ۵ هم برای عکس‌برداری هوایی و شناسایی استفاده می‌شد.

۱۲- وضعیت سایت هوایی دزفول قبل و بعد از انقلاب اسلامی را توضیح دهید.

ما کلاً دو نوع سایت در کشور داریم. یکی سایت‌های راداری که از طریق پخش امواج الکترومغناطیس هواپیما را می‌گیرند، به نام سایت‌های اکتیو. سایت دیگری به نام پسیو (passiv) که از خود انعکاسی ندارد، فقط شنود کرده و اطلاعات را می‌گیرد. یک فرماندهی در نیروی هوایی به نام فرماندهی اطلاعات شناسایی وجود دارد که همین کار را انجام می‌دهد و برای اینکه ما اطلاعات را از عراق بگیریم، اینها فعال بودند. دزفول هم با عراق فاصله چندانی ندارد. در ابتدای جنگ این سایت مورد تهاجم قرار گرفت و متأسفانه تعدادی از کارکنان آن شهید شدند، تعدادی نیز به اسارت درآمدند و سایت از کار افتاد.

البته یکی دیگر از ابزارهای شنود، هواپیماهای خفاش می‌باشند که در طول جنگ خدمات ارزنده‌ای را ارائه نموده‌اند.

۱۳- آیا شهید بابایی توسط پدافند هوایی خودی به شهادت رسید؟

در جنگ‌ها معمولاً برآوردی برای تلفات نیروهای خودی پیش‌بینی می‌شود که در نیروی هوایی حدود ۱۰ درصد می‌باشد. امکان دارد خلبانان نیروهای خودی را اشتباهاً بمباران کنند و یا پدافند هوایی اشتباهی به سوی هواپیمای خودی تیراندازی کند. شهید بابایی در روز جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۶۶ مصادف با عید قربان که همسرشان در

صحرای عرفات و منی مشغول انجام فریضه حج بودند و خودش نیز باید به ایشان ملحق می‌شد، در حین انجام مأموریت به شهادت می‌رسند.

ایشان متأسفانه به دست پدافند خودی مورد اصابت قرار گرفته و به شهادت رسیدند، به گونه‌ای که در داخل هواپیما کابین جلو متوجه نمی‌شوند و وقتی که هواپیما در پایگاه به زمین می‌نشیند متوجه پرواز روح بلند ایشان به ملکوت اعلی می‌شوند. البته در آن روزها ترکیه هم با گروه پکک درگیر بودند و با هواپیماهای اف ۵ گاهی اوقات آنها را دنبال می‌کردند و وارد خاک ما می‌شدند. گفته شده بود آنها چنین حقی ندارند، اگر تجاوز کردند شما برخورد کنید و لذا به احتمال زیاد پدافند زمینی یگان‌های زمینی به این دلیل دچار خطا شده بود. البته این تنها هواپیمایی نبود که مورد هدف پدافند خودی قرار گرفته است. تعداد دیگری نیز از هواپیماهای شکاری و حتی ترابری در طول جنگ مورد هدف قرار گرفته‌اند، ضروری است اشاره شود که هواپیمای شهید بابایی و تعدادی دیگر هواپیما که توسط خودی ساقط شدند، توسط پدافند هوایی نیروی هوایی ساقط نشدند، بلکه توسط پدافند هوایی سازمانی یگان‌های سطحی که دانش و تخصص و امکانات کمتری نسبت به پدافند هوایی نه‌جا یا هم‌اکنون قرارگاه پدافند هوایی خاتم-الانبیاء(ص) دارا هستند، ساقط شدند.

۱۴- از چه سالی موشک‌های فونیکس نیروی هوایی تمام شد و ما در اختیار

نداشتیم؟

موشک‌های فونیکس نیروی هوایی که متعلق است به هواپیمای اف ۱۴، یکی از موشک‌های منحصر به فرد در جهان است که توانایی انهدام چند هدف را به طور هم-زمان دارد. فونیکس تنها موشک راداری است که بعد از اینکه شلیک شد به جای اینکه به سمت هدف برود اوج‌گیری می‌کند و بالا می‌رود و اطلاعاتی که رادار روی هدف دارد را می‌گیرد و از آنجا با زاویه‌ای خاص روی هدف شیرجه می‌کند و از زمانی که هدف را

می‌گیرد و خودش را روی هدف قفل می‌کند، هواپیما می‌تواند برود و موشک از آن به بعد خودش عملیات را انجام می‌دهد. اما سایر موشک‌ها که مستقیم به سمت هواپیما شلیک می‌شوند، این خصوصیت را ندارند و اگر خلبان بتواند به موقع آنها را ببیند با یک گردش شدید می‌تواند موشک را منحرف کند. با این توصیف قطعاً این موشک جزو تحریم‌های ما قرار داشت. هواپیمای اف ۱۴ چون خودش هواپیمای منحصر به فردی است، موشکش هم منحصر به فرد است و از جای دیگر نمی‌شد تهیه کرد. لذا باید در مصرف این موشک‌ها دقت کافی می‌شد. از این رو در یک مقطعی از جنگ شلیک این موشک‌ها با تمهیداتی مواجه شد، یعنی به خلبانان گفته بودند اگر این امکان وجود داشت که شما با موشک‌های دیگر هدفی را بزنید، یا حتی اگر شرایطی پیش آمد که شما توانستید بدون درگیری مأموریت هواپیمای مهاجم دشمن را خنثی کنید و آنها بترسند و برگردند، نیازی نیست که شلیک کنید. البته همین محدودیت‌ها باعث شد که پرسنل جهاد خودکفایی و فرماندهی لجستیکی نیروی هوایی به فکر افتادند که جایگزینی برای این موشک پیدا کنند. به همین منظور موشک‌های زمینی به هوای هاگ را در یک پروژه بازسازی برای نصب بر روی این هواپیما آماده کردند و همچنین موشک‌های هوا به هوای ام.آی.۷ (a.i.m7) معروف به اسپيرو که موشک سازمانی هواپیمای اف ۴ می‌باشد، توانستند این موشک‌ها را عملیاتی کنند. این یکی از اتفاقات جالب در نیروی هوایی بود، چون موشک هاگ و اسپيرو به تعداد بیشتری موجود بود و قابل تهیه هم بود. به هر حال موشک فونیکس تمام نشده، هنوز هم در خدمت هست و روی هواپیمای اف ۱۴ نصب می‌شود.

۱۵- در رابطه با رکورد بیشترین ساعات پروازی شهید بابایی و نحوه آن توضیح دهید.

ایشان پس از یک سال موفقیت‌آمیز در انجام مأموریت‌های جنگی، ابتدا به فرماندهی پایگاه هشتم شکاری اصفهان که بزرگترین پایگاه خاورمیانه است و سپس به معاونت عملیات نیروی هوایی در سال ۱۳۶۲ منصوب شدند. با وجود این در کلیه پروازهای دشوار شخصاً شرکت می‌نمودند.

شهید بابایی بیشترین رکورد ساعت پروازی را نداشتند، ولی شاخصه بارز ایشان علاوه بر ویژگی‌های بی‌نظیر اخلاقی، مدیریت عالی او بود. ضمن اینکه ایشان یک طراح عملیاتی خوبی بودند. شهید بابایی در ابتدا خلبان اف ۵ بودند، بعد خلبان اف ۱۴ شدند. یکی از ابتکارات ایشان این بود که هواپیمای اسکرامبل یا پرواز سریع اف ۱۴ را که ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشید تا از زمین بلند شود، با هواپیمای اف ۴ بررسی کردند و نهایتاً این زمان به ۵ تا ۱۵ دقیقه کاهش پیدا کرد. ایشان مانند رزمندگان نیروی زمینی، بسیج و سپاه اغلب در منطقه جنگی حضور داشتند. گرچه یک خلبان بودند، ولی چون فرمانده عملیات در نیروی هوایی شده بودند، پا به پای آن عزیزان حرکت می‌کردند و درخواست‌های آنها را به نیروی هوایی ابلاغ کرده و انجام می‌دادند.

۱۶- چرا فرماندهان با یک هواپیما جابه‌جا می‌شوند که حاصل آن در سوانح پیش آمده شهادت دسته‌جمعی آنان و خسارت سنگین بوده است؟ آیا سقوط هواپیمایی که سرنشینان آن تیمسار فکوری و یا هواپیمای تیمسار ستاری واقعاً نقص فنی بوده یا دلیل دیگری داشته است؟

در مورد بخش اول سوال کاملاً منطقی است. در این زمینه چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب دستورالعمل وجود دارد که فرماندهان و پرسنل کلیدی هیچ سازمانی به صورت دسته‌جمعی با یک هواپیما پرواز نکنند. منتها چیزی که باید پذیرفت این است

که مادامی که پرواز وجود دارد، احتمال سانحه هم هست و این‌طور نیست که حتی در کشورهای پیشرفته پرواز در امنیت کامل انجام شود و سانحه‌ای وجود نداشته باشد. به هر حال مسائل فنی، خبط خلبان و یا موارد حاشیه‌ای مثل آب و هوا و مشکلات جوّی باعث سانحه می‌شود. ولی در رابطه با سوانحی که ما داشتیم، به خصوص سانحه ۷مهر ۱۳۶۰ که شهید فکوری و تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه نظام به شهادت رسیدند و یا سانحه هواپیمای شهید ستاری، می‌شد ضایعات و صدمات و ابعاد فاجعه را با رعایت دستورالعملی که ذکر شد، کمتر کرد.

در رابطه با سانحه اول که منجر به شهادت شهید فکوری، شهید فلاحی، شهید نامجو، شهید کلاه‌دوز و شهید جهان‌آرا شد،^۱ ماجرا به این قرار بوده است که این عزیزان بعد از عملیات پیروزمند شکستن حصر آبادان برای مراجعت از منطقه به تهران درخواست هواپیما می‌نمایند. هم‌زمان هم هواپیمای سی ۱۳۰ (که سقوط کرد) برای تخلیه مجروحین در محل بوده، لذا به درخواست خودشان و به خاطر صرفه‌جویی به جای استفاده از هواپیمایی که برای شخصیت‌ها در نظر گرفته می‌شود (هواپیمای vip) از این هواپیما استفاده می‌کنند. بررسی‌های کامل انجام‌شده از این سانحه نشان می‌دهد که به هیچ وجه خرابکاری نبوده است.

در مورد سانحه هواپیمای شهید ستاری که در اصفهان اتفاق افتاد، بررسی‌ها نشان داد که خلبان به علت خستگی مفرط، ۲-۳ اشتباه را پشت سر هم مرتکب می‌شود. اول اینکه ارتفاع را اشتباه می‌بندد، دوم درب هواپیما باز می‌شود و یک صدایی در کابین شنیده می‌شود، سوم ارتفاع فرودگاه اصفهان را با فرودگاه مهرآباد اشتباه می‌گیرد و چهارم اینکه ارتفاع سنج هواپیما احتمالاً کار نمی‌کرده. خلبان پس از بلند شدن از فرودگاه اصفهان

۱. در کتابی تحت عنوان «چشمی در آسمان»، نوشته آقای سید حکمت قاضی میرسعید، چگونگی سانحه به طور کامل بیان شده است.

تصمیم به مراجعت می‌گیرد که متأسفانه آن سانحه ناگوار پیش می‌آید. بررسی‌های انجام‌شده در این مورد نیز هیچ‌گونه خرابکاری و عمدی را نشان نمی‌دهد.

۱۷- یکی از مسائلی که جزو افتخارات شهید اردستانی محسوب می‌شود، این است که در مسابقات هوایی از بهترین خلبانان پاکستانی شات گرفته است. راجع به آن صحبت کنید.

شهید اردستانی در یکی از مانورهای سنتو در پاکستان از یکی از خلبانان باتجربه و قهرمان جنگ هند و پاکستان در یک درگیری فرضی شات می‌گیرد و پس از فرود، خلبان پاکستانی با تشویق شهید اردستانی مدال خود را روی سینه او نصب می‌کند و می‌گوید تو قهرمان جنگ هستی. در مسابقات هوایی وقتی که دو هواپیما با همدیگر درگیر می‌شوند، مانند دو کشتی‌گیر، آن نفری که می‌تواند دیگری را به زمین بزند، برنده است و دستش بالا می‌رود. وقتی که دو هواپیما با هم درگیر می‌شوند، کسی برنده است که بتواند پشت هواپیمای دوم قرار بگیرد. یعنی هواپیمایی که در عقب قرار می‌گیرد از نظر جنگ هوایی برتری دارد. چون می‌تواند دیگری را هدف قرار دهد و اصطلاحاً می‌گویند شات گرفتن؛ یعنی با دوربین هوایی که دارد، دکمه‌ای را فشار می‌دهد و به جای تیراندازی عکس گرفته می‌شود، می‌گویند شات گرفته شد. اما در رابطه با شهید اردستانی بحث دلآوری‌ها و شجاعت‌ها و از جان گذشتگی‌های ایشان بیش از این‌هاست؛ از ایشان بیش از ۸۰۰ مأموریت جنگی به ثبت رسیده است که متجاوز از ۲۵۰ مأموریت آن صعب‌الانجام بوده و احتمال سقوط بالایی داشته است. قهرمانی که در طول انجام مأموریت‌های خود دو بار مورد هدف پدافند هوایی دشمن قرار گرفته و موفق می‌شود هواپیمای خود را به زمین بنشانند. همچنین در مأموریت‌هایی که لیدری دسته‌های پروازی را بر عهده داشته است، هیچ خلبانی نبوده است که با ایشان پرواز

کرده باشد و بازنگشته باشد. لذا ایشان یکی از بهترین، ورزیده‌ترین و شجاع‌ترین خلبانان نیروی هوایی ایران محسوب می‌شدند.

۱۸- در مورد کودتای نقاب (نوزه) آیا نمی‌توان آن را دسیسه‌ای از طرف دول بیگانه دانست تا یک‌سری از خلبانان ما را از صحنه خارج کنند تا در جنگ تحمیلی شرکت نکنند؟

از همان روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی، ابرقدرت‌ها به ویژه امریکا برای سرنگونی حکومت نوپای ایران و یا حداقل تضعیف آن، توطئه‌های فراوانی را طرح‌ریزی کردند. از جمله ترور رهبران و شخصیت‌های مؤثر در انقلاب، ایجاد تنش‌های قومی و مذهبی، تجزیه‌طلبی در ترکمن‌صحرا، خوزستان، آذربایجان غربی، کردستان، سیستان و بلوچستان، براندازی و جنگ تحمیلی. کودتا نیز از ترفندها و تلاش‌های گسترده‌ای بود که در این راه انجام دادند. در ارتباط با کودتای نقاب که به غلط نوزه نام گرفته، (چون عناصری از آن کارکنان پایگاه شهید نوزه بوده‌اند) باید گفت که چند ماه بعد از عملیات نافرجام امریکا در اردیبهشت ۱۳۵۹ طبعاً قرار بود انجام شود، با استفاده از امکانات و عناصر داخلی و خارجی با دو هدف حداقلی و حداکثری طرح‌ریزی می‌شود. منتها موقعیت و شرایط برای کودتاچیان به هیچ عنوان برای این کار آماده نبود. زیرا زمانی که حتی قبل از انقلاب و در روزهای پایانی حکومت شاه که ژنرال هایزر امریکایی به ایران می‌آید، هدف اصلی‌اش در آن زمان انجام کودتا بود، متوجه می‌شود نمی‌تواند کودتا بکند، زیرا فضا برای این کار آماده نبود. مردم همه در صحنه بودند. در مورد کودتای نقاب باید گفت که این فضا به مراتب سخت‌تر بود، یعنی کسانی که کودتا را لو دادند، خودشان از کسانی بودند که در لیست کودتاچیان قرار داشتند، خوشبختانه با عنایت پروردگار این توطئه خنثی شد.

در مورد هدف حداکثری کودتا، دامنه طرح بسیار وسیع و هدف بسیار بزرگی را دنبال می‌کرد که خوشبختانه ناموفق بود. اما در مورد هدف حداقلی، یعنی بدنام کردن ارتش و بی‌اعتمادی به ارتش و از صحنه خارج کردن تعدادی از خلبانان نیروی هوایی می‌توان گفت قدری موفق بودند. چرا که بعد از کشف و خنثی شدن این کودتا تعدادی از افراد از ارتش جدا شدند و تصفیه شدند و می‌توانیم بگوییم حتی کودتای نقاب مقدمه‌ای برای آغاز جنگ بود، برای اینکه نیروی هوایی ما را ناکارآمد کنند، تا بتوانند جنگ را شروع نمایند. ولی در هر حال ارتش ایران در جنگ تحمیلی به ویژه خلبانان نیروی هوایی با از جان گذشتگی و فداکاری، وفاداری خود را ثابت کرد.

در اینجا جا دارد از سرگرد خلبان شهید نوژه یاد کنیم که یکی از خلبانان شجاع و حزب‌اللهی پایگاه همدان بود و به اتفاق شهید خلبان بشیری، کابین عقب هواپیما با زبان روزه در نوزدهم ماه مبارک رمضان برای انجام مأموریتی برای کمک به دکتر چمران با هواپیمای اف ۴ به کردستان پرواز کرده بودند. در آسمان منطقه پاوه با موشک سام ۷ که از سوی مزدوران وابسته به رژیم بعثی عراق شلیک می‌شود، مورد اصابت قرار گرفته و با سقوط هواپیما هر دو به شهادت می‌رسند و به همین مناسبت پایگاه سوم شکاری همدان که تا آن موقع به نام پایگاه شاهرخی معروف بود، به نام شهید بزرگوار نوژه نام‌گذاری می‌شود. لذا فراموش نکنیم من بعد به جای کودتای نوژه بگوییم کودتای نافرجام نقاب.

۱۹- در خصوص اولین شهید خلبان در خاک عراق توضیح دهید.

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، کمتر از دو ساعت از تجاوز عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نگذشته بود که دسته‌های پروازی از همدان و بوشهر به خاک عراق اعزام شدند. یکی از هواپیماهای دسته پروازی که به مقصد پایگاه کوت در استان میسان عراق پرواز می‌کرد، مورد هدف پدافند دشمن قرار می‌گیرد و شهیدان محمد صالحی و خالد

حیدری اولین شهدای خلبانی هستند که در خاک عراق به درجه رفیع شهادت نایل می‌شوند که پیکر پاک این دو شهید بزرگوار در سال ۹۱ به میهن اسلامی بازگشت داده می‌شود. پیکر شهید صالحی در بهشت زهرا و پیکر شهید خالد حیدری در کنار تندیس او در یکی از میادین شهر مهاباد به خاک سپرده می‌شود.

گفتنی است که خلبان شهید خالد حیدری از برادران کرد نیروی هوایی می‌باشند و پیکر مطهر ایشان از روی تصویر دختر دوساله‌اش، که در کیف او بود، شناسایی می‌شود. شناسایی و بازگشت پیکر پاک او دلیل دیگری بر حقانیت و مظلومیت این شهید بزرگوار می‌باشد که به درخواست دختر محترم ایشان پیکر این شهید در میدان یادبود او به خاک سپرده شد تا سند دیگری بر شرکت کلیه اقشار ملت ما به ویژه افراد مؤمن و میهن‌دوست ایران اسلامی در دوران دفاع مقدس باشد.

۲۰- در مورد توان رزمی نیروی هوایی عراق و هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک‌های اگزوست توضیح دهید.

پس از عملیات پیروزمند بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر استکبار جهانی برای هدف قرار دادن دقیق سامانه‌های اقتصادی ما هواپیماهای سوپراتاندارد را که مجهز به موشک‌های اگزوست بود، به صورت اجاره‌ای از سوی فرانسه در اختیار رژیم بعث قرار داد. این هواپیماها با استفاده از موشک‌های خود می‌توانستند از فاصله بسیار دور، حدود ۱۵۰ کیلومتری اهداف ثابت مثل اسکله‌های نفتی و مراکز دیگر و نیز هدف‌های متحرک مثل نفت‌کش‌ها را مورد حمله قرار دهند که با ابتکاراتی که مسئولین وقت نیروی هوایی اتخاذ نمودند، دشمن در این مأموریت هم موفق نشد و چند فروند از این هواپیماها توسط جنگنده‌های نیروی هوایی مورد هدف قرار گرفت و در آب‌های خلیج فارس سرنگون گردید.

در مورد مقایسه توان رزمی نیروی هوایی عراق در طول جنگ باید گفت عراق جنگ را با ۳۳۵ فروند هواپیمای جنگنده شروع کرد و با وجود اینکه در طول هشت سال دفاع مقدس بیش از ۶۰۰ هواپیمای شکاری خود را به انحای مختلف از دست داده بود، برابر آمارهای معتبر جهانی در پایان جنگ با ۶۵۰ فروند جنگنده از جمله جنگنده مدرن میگ ۲۵ - که می‌توانست تا ارتفاع ۱۲۰ هزار پا و سرعت سه برابر صوت به صورت پیوسته پرواز کند (سقف پرواز هواپیماهای ما و متعارف جهان تا ۵۰ هزار پا است) - و جنگنده‌های پیشرفته میگ ۲۹، سوخوی ۲۴ و انواع میراژ از جنگ فارغ می‌شود. این علاوه بر توان اطلاعاتی بود که توسط هفت فروند هواپیمای رادار پرنده آواکس سعودی-ها و ماهواره‌های غربی‌ها در اختیار نیروی هوایی رژیم بعث قرار می‌گرفت.

۲۱- آیا در زمان جنگ هواپیمایی به هواپیماهای نیروی هوایی اضافه شده است؟

ما در قبل و همین‌طور اوایل جنگ موفق به خریداری چندین فروند هواپیمای ملخ-دار آموزشی پی.سی.۷ از کشور سوئیس شدیم که با این هواپیماها توانستیم دانشکده خلبانی را راه‌اندازی نماییم و محصول این دانشکده در سال‌های پایانی جنگ به جمع تیزپروازان نیروی هوایی پیوستند که از جمله می‌توان به جمعی از فرماندهان فعلی نیروی هوایی اشاره کرد.

البته می‌توان به برخی از هواپیماهای آموزشی دیگری مانند هواپیمای تی ۳۳ که در زمان رژیم سابق زمین‌گیر بودند و توسط کارکنان فنی راه‌اندازی مجدد شده و در مأموریت‌های آموزشی از آنها استفاده می‌شد، اشاره کرد؛ ولی هیچ نوع هواپیمای شکاری در اختیار ما قرار داده نشد.

۲۲- نقش نیروی هوایی را در عملیات‌های بزرگ مانند فتح‌المبین و بیت-

المقدس بیان کنید.

اگرچه نمی‌توان نیروی هوایی را به یک منطقه خاص محدود کرد، چرا که در زمانی که این عملیات‌ها در جریان بوده است، نیروی هوایی هم‌زمان علاوه بر پاسداری از آسمان کشور در عملیات‌های آفندی انحرافی، نیروی هوایی دشمن را مشغول نموده تا نتواند تلاش خود را در منطقه عملیات متمرکز نماید. به این ترتیب علاوه بر مأموریت پوشش هوایی، گشت‌زنی، اسکرامل و پشتیبانی نزدیک هوایی از عملیات‌های مذکور، شناسایی و ترابری هوایی، برخی از مأموریت‌های خاص را هم می‌توان نام برد.

از جمله در عملیات بیت‌المقدس عراقی‌ها چنین اندیشیده بودند که اگر نیروهای ایرانی از شلمچه وارد خرمشهر شوند، به محاصره در خواهند آمد. به همین خاطر بر روی اروندرود پلی احداث نمودند که در صورت تحقق این امر از آن طریق نیروهای خود را پشتیبانی کنند. این پل توسط هواپیمای آ.اف.۴ در آستانه محاصره خرمشهر شناسایی گردید و شادروان خلبان محمود اسکندری به اتفاق امیراکبر زمانی این پل را منهدم کردند و بدین وسیله حلقه محاصره خرمشهر کامل شد، بسیاری از عراقی‌ها که بر روی این پل بودند به رودخانه سقوط کرده و راه دشمن از این مسیر قطع شد و این عملیات، یعنی انهدام پل از هوا در شمار مأموریت‌های نادر جنگی در دنیا است.

۲۳- در مورد نقش ترابری هوایی توضیح دهید.

در طول دوران دفاع مقدس هواپیماهای ترابری نیروی هوایی، از جمله سی ۱۳۰ و ۷۴۷ به صورت مداوم عده‌ها و غده‌ها را جابه‌جا می‌کردند و در عملیات‌ها، مجروحین را به صورت آمبولانس هوایی به بیمارستان‌های سراسر کشور مثل تبریز، شیراز، مشهد و... انتقال می‌دادند و از برجسته‌ترین این عملیات‌ها می‌توان به استفاده از هواپیماهای ۷۴۷ اشاره نمود که این هواپیماها علاوه بر سوخت‌رسانی که در عملیات حمله به اچ ۳ به آن

اشاره شد، شبانه از فرودگاه‌های مختلف کشور از جمله اصفهان، تهران، شیراز، نیروهای سرباز، بسیجی و داوطلب را به صورت اتوبوس هوایی به پایگاه‌های دزفول، امیدیه و اهواز جابه‌جا می‌کردند و گاهی اوقات این هواپیماها تا پنج برابر ظرفیت خود، یعنی تا ۱۵۰۰ نفر نیرو را به صورت ایستاده به پایگاه‌های پیش‌گفته می‌رساندند، به خصوص در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس که در یک شب ۵۰۰۰ رزمنده را از خراسان به امیدیه منتقل کردند، که جا دارد تلاش‌های این دلاوران و همه سامانه‌های نیروی هوایی، یعنی عناصر دژبان، فنی، لجستیکی، اداری، پشتیبانی و... یادآوری شود؛ چرا که انجام یک سورتی پرواز مستلزم تلاش افراد زیادی در یک پایگاه می‌باشد.

۲۴- مأموریت شناسایی هوایی را توضیح دهید.

خلبانان شناسایی هوایی ما با جنگنده‌های خود که مسلح نیستند، علاوه بر اینکه از سامانه‌های هوایی و تأسیسات هوایی دشمن عکس تهیه می‌کردند، در طول جنگ به ویژه در قبل و پس از عملیات‌ها از آخرین وضعیت و تحولات و تحرکات دشمن عکس-برداری کرده و آن را در اختیار فرماندهی جنگ قرار می‌دادند و این اطلاعات مبنا و اساس تصمیم‌گیری‌های بعدی فرماندهان جنگ می‌شد. در اینجا جا دارد از قهرمان بزرگ هواپیماهای شناسایی، یعنی شهید خلبان ذوالفقاری یاد کنیم که عراق با توجه به اهمیت حیاتی این مأموریت‌ها گاهی چندین فروند هواپیما را برای سرنگونی هواپیمای شناسایی گسیل می‌داشت و این شهید بزرگوار در یکی از این مأموریت‌ها در جزایر مجنون مورد هدف قرار گرفته و به شهادت می‌رسد.

۲۵- نقش نهاجا در عملیات کربلا ۵ و والفجر ۸ را توضیح دهید.

در این عملیات‌ها به ابتکار شهیدان ستاری، بابایی و اردستانی قرارگاه عملیاتی رعد تشکیل می‌شود و پشتیبانی هوایی نهاجا سامان‌مند می‌گردد. به اضافه اینکه در این

عملیات‌ها با ابتکار شهید اردستانی از تاکتیک جدیدی به نام لاف یا بمبینگ استفاده می‌شد و به رغم محدود بودن منطقه عملیات، نیروی هوایی کلیه اهداف خود را در منطقه دشمن مورد هدف قرار می‌داد. به گونه‌ای که سرلشکر عراقی و فقیق السامرائی در کتاب خود می‌گوید: «منطقه عملیات کربلای ۵ توسط جنگنده‌های نیروی هوایی ایران به وسیله بمباران فرش می‌گردید.»^۱

۲۶- نقش نیروی هوایی در اسکورت کشتی‌ها و کاروان‌های دریایی چه بود؟

نیروی هوایی علاوه بر انجام گشت‌زنی در آسمان خلیج فارس و استفاده از هواپیمای اسکرامل برای مقابله با تهدیدات هوایی مأموریت اسکورت کاروان‌ها را نیز پشتیبانی می‌کرد.

به این صورت که در یک روز معین در هفته با هماهنگی نیروی دریایی کشتی‌های حامل مواد غذایی و مواد صنعتی و... را از محل تهدید تا مرحله پهلو گرفتن در اسکله- های بندر امام اسکورت می‌نمودند و متقابلاً کشتی‌های حامل مواد سوختی و... را تا نزدیکی رأس المطاف و دور از تهدید هوایی دشمن اسکورت می‌نمودند، که در این رابطه جا دارد از شهید حسین دل‌حامد یاد شود که یک‌بار پس از سقوط هواپیمایش در خلیج فارس بیش از ۴۸ ساعت در دریا با مرگ مبارزه می‌کرد و پس از نجات معجزه‌آسا در مأموریت دشوارتری در سال ۱۳۶۱ به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

در ضمن برادر ایشان نیز از خلبانان ورزیده هواپیمای اف ۵ در پایگاه تبریز بودند که ایشان نیز در سال اول جنگ به شهادت رسیدند.

۱. و فقیق السامرائی (سرلشکر عراقی)، ویرانی دروازه شرقی، تهران، مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۸۰.

۲۷- در مورد نحوه اسارت شهید لشکری توضیح دهید.

کتابی در زمان حیات این شهید بزرگوار به چاپ رسیده است به نام ۶۴۱۰، یعنی شش‌هزار و چهارصد و ده روز اسارت.

در این کتاب شهید لشکری اشاره می‌کند که در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۷، چهار روز قبل از تجاوز سراسری عراق در نزدیکی مرز الاماره، در یکی از مأموریت‌های شناسایی مسلح مورد اصابت پدافند دشمن قرار می‌گیرد و پس از فرو ریختن بمب‌های خود بر سر دشمن به ناچار با استفاده از صندلی پُرآن هواپیما را ترک می‌نماید و به اسارت دشمن درمی‌آید.

در سال ۱۳۶۹ هنگامی که ایشان به اتفاق سایر آزادگان آماده بازگشت به کشور بودند، از اقبال بد اجازه بازگشت از سوی ارتش بعث به وی داده نمی‌شود و مرحله دوم اسارت وی شروع می‌گردد. دلیل این اقدام این بوده است که چون در یکی از بندهای قطعنامه ۵۹۸ تعیین آغازگر جنگ توسط سازمان ملل مطرح بود و عراق می‌خواست بدین وسیله ثابت نماید که ایران شروع‌کننده جنگ بوده است، لذا ایشان را به عنوان سند نگهداری می‌کند. در این مرحله شهید لشکری احساس می‌کند که خداوند رسالت دیگری را بر دوش او قرار داده است و وقتی که قول همه‌گونه پاداش‌های وسوسه‌کننده نمی‌تواند روحیه مقاومت او را بشکند که در مقابل دوربین‌ها حاضر شود و بگوید که در آن روز به قصد تجاوز و بمباران عراق اسیر شده است و از این کار امتناع می‌ورزد، او را مجدداً به انحای گوناگون شکنجه می‌کنند و نزدیک به نه سال دیگر او در بند رژیم عراق قرار می‌گیرد، تا اینکه در بهار سال ۱۳۷۷ آزاد و از سوی مقام معظم فرماندهی کل قوا به درجه سرتیپی مفتخر و لقب سیدالاسراء از سوی معظم‌له به وی اطلاق می‌شود و در سال ۱۳۸۸ نیز به لقاءالله می‌پیوندد.

نیروی دریایی

۱- وضعیت نیروی دریایی بعد از انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی

چگونه بود؟

با ذکر مقدمه کوتاهی به این سوال پاسخ داده می‌شود.

در زمان جنگ جهانی دوم، ایران مورد تهاجم انگلیسی‌ها از جنوب و شوروی از شمال قرار گرفت. نیروی دریایی ما به کلی نابود شد. آخرین ناوی ما در آبادان با تک-تیراندازی انگلیسی‌ها از پای درآمد و شهید شد. فرمانده نیروی دریایی ما، تیمسار دریادار بایندور را به شهادت رساندند. ناوشکن پلنگ و ناوشکن ببر ما را در کنار اسکله منهدم کردند. با ترفند دوستی به اسکله نزدیک شده و تمام واحدهای ما را به توپ بستند و این یک خاطره تلخ و ضربه سختی برای نیروی دریایی ما بود و تجربه‌ای بود که به خاطر بسپاریم. من بعد وابسته به کسی نباشیم و خودمان روی پای خودمان بایستیم. لذا نیروی دریایی باید آن قدر تکامل پیدا می‌کرد که بتواند جلوی تعرض دشمن را به موقع بگیرد و در زمینه دفاع اجازه ندهد کسی به آب‌های ما تعرض کند.

به خصوص بعد از انقلاب اسلامی وظیفه شرعی و قانونی ما این بود که در همان دو سال اول، نیروی دریایی را با همه توانش نگه داریم و الحمدلله توانستیم این کار را

بکنیم. پرسنل مؤمن و متعهد نیروی دریایی نگذاشتند ستون پنجم و عوامل فدائیان خلق عرب و غیره، که برای تخریب آمده بودند، فرصت چنین کاری را پیدا کنند.

نیروی دریایی چندین ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی بر اساس اطلاعات جمع-آوری شده، تعرض دشمن را برآورد کرده بود و اطلاعات کاملی در این زمینه داشت. البته بگذریم از حوادثی که قبل از شروع جنگ تحمیلی به وجود آمد که دشمنان می-خواستند خوزستان را جدا کنند و همین تکاوران نیروی دریایی چقدر فداکاری کردند و در خنثی کردن توطئه‌های دشمن نقش بسیار مؤثری داشتند و یا در حادثه سیل خوزستان که نیروی دریایی بسیج شد و توانست خوزستان را از سیل نجات بدهد.

اما با شروع جنگ تحمیلی که یکی از هدف‌های دشمن جدا کردن خوزستان از کشور بود، نیروی دریایی تحرکات دشمن را زیر نظر داشت و می‌دانست که دشمن در حال برنامه‌ریزی و حمله به کشور می‌باشد. لذا یک ماه قبل ناو تیپ هشتم دریایی خرمشهر را با ابتکار یکی از امیران بزرگوار - که ایشان مرحوم شدند - به نام دریادار ابریشمی بدون اینکه دشمن متوجه شود، به پایگاه بوشهر منتقل کردند. زیرا یگان‌های بزرگ و شناورهای موجود در این پایگاه قدرت فعالیت و مانور در رودخانه را نداشتند و ضربه‌پذیر بودند. پایگاه خرمشهر به صورت فیزیکی نگهبانی می‌شد و وقتی که عراقی‌ها حمله سرتاسری خود را به فرودگاه‌ها و بنادر شروع کردند، ما غافلگیر نشدیم. تکاوران ما در خرمشهر و بعد در عملیات شکستن حصر آبادان جنگیدند و نیز در سایر عملیات-های غرورآفرینی شرکت داشتند که باعث انهدام بیش از دوسوم نیروی دریایی عراق شد و تا پایان جنگ هم دشمن نتوانست کوچکترین حرکتی را از ناحیه نیروی دریایی خودش در سواحل ما و در شمال خلیج همیشه فارس انجام دهد و در این رابطه تا به حال ۱۱ جلد کتاب جنگ‌های دریایی به رشته تحریر درآمده است که برای اطلاعات بیشتر باید به آنها مراجعه شود.

۲- زمینه‌های مناقشه ایران و عراق بر سر اروندرود را تشریح کنید و مفهوم خط تالوگ را توضیح دهید.

خط تالوگ در واقع خطی فرضی است در عمیق‌ترین نقاط یک رودخانه قابل کشتی‌رانی بین دو کشور و به عنوان مرز مطرح می‌شود و یک عرف جهانی است که در همه دنیا به این شکل عمل می‌شود. اما مناقشات ما در اروندرود تاریخچه بسیار طولانی دارد و قراردادهای متعددی در این خصوص بین طرفین به امضاء رسیده است. در مقاطعی با دولت عثمانی، در مقاطعی با پادشاهی عراق و در مقاطعی با جمهوری عراق. دست استعمار انگلیسی که در آن زمان عراق را تحت قیمومیت خود داشت و در واقع از منابع زیرزمینی آن به خصوص نفت بهره‌برداری می‌کرد، عملاً در این مسئله مشاهده می‌شود و حق مسلم کشور ما را در یک رودخانه قابل کشتی‌رانی مرزی که خط تالوگ می‌باشد، عملاً برخلاف عرف بین‌المللی نادیده گرفته و مرز را در ساحل شرقی رودخانه اروندرود قرار داده بودند و این یک چیز عجیب و باورنکردنی است که سواحل نزدیک کشور ما در اروندرود مرز دو کشور ایران و عراق تعیین گردیده بود.

تا اینکه در یک مقطعی برای اولین بار حدود ۵ کیلومتر مقابل بندر آبادان را به عنوان خط تالوگ پذیرفتند و علتش هم این بود که در همان زمان که بحث اکتشاف نفت و بهره‌برداری از منابع نفتی ایران مطرح شد، برای پیاده کردن تجهیزات حفاری و اکتشاف نفت و بهره‌برداری از منابع نفتی ۵ مایلی را در مقابل آبادان به عنوان خط تالوگ مطرح کردند تا به لحاظ حقوقی بتوانند در آنجا فعالیت‌های آزادتری را انجام دهند. این وضعیت تا سال ۱۹۷۵ به همین شکل برقرار بود تا در این سال در اجلاس اوپک در الجزایر با پادرمیانی آقای بومیدین، رئیس جمهور وقت الجزایر، بین شاه ایران که در آن جلسه حضور داشت و صدام حسین، که معاون رئیس جمهور عراق بود، توافق‌نامه‌ای به امضاء رسید که طی آن ما به حقوق حقه خودمان رسیدیم و بخشی از مناقشات و اختلافات ما بر سر مرزهای زمینی و همچنین پذیرش خط تالوگ به عنوان

مرز بین دو کشور در ارون‌دروود و بهره‌برداری مشترک از این رودخانه توسط هر دو کشور مورد توافق قرار گرفت.

۳- تفاوت ناو و کشتی در چیست؟

به کشتی نظامی ناو گفته می‌شود. بنابراین تفاوت فاحشی بین کشتی و ناو وجود دارد. کشتی‌ها خود به دو دسته کشتی‌های تجاری و کشتی‌های نفت‌کش دسته‌بندی می‌شوند. انواع کشتی‌های تجاری فله‌بر، کانتینربر، جنرال (عمومی)، کارگو (باربری) و نفت‌کش‌ها می‌باشند که هر کدام با توجه به تناژهای مربوطه تقسیم‌بندی می‌شوند. اما ناوها دسته‌بندی‌های مخصوص خود را دارند. سنگین‌ترین یگان‌های شناور در حال حاضر کلاس هواپیمابرها هستند و پایین‌تر از آنها ناوها و رزم‌ناوها و ناوشکن‌ها هستند و بعد ناوچه‌ها و قایق‌های توپ‌دار و غیره که با توجه به بزرگی و تناژ و مجموعه جنگ‌افزارهایی که به آن مجهز هستند، دسته‌بندی می‌شوند. البته رزم‌ناوها در حال حاضر از رده همه ارتش‌های دنیا خارج شده‌اند و آخرین آنها کلاس میسوری مربوط به ایالات متحده می‌باشد که امروزه به موزه تبدیل شده‌اند.

در حال حاضر بالاترین قدرت رزمی را در نیروی دریایی دنیا ناوشکن‌ها دارند که با توجه به تجهیزات و قابلیت‌هایی که دارند به ناوشکن‌های سبک و سنگین تقسیم می‌شوند. یکی از ویژگی‌های عمومی ناوشکن‌ها این است که قابلیت دریانوردی در دریا‌های دور و اقیانوس‌ها و انجام عملیات تهاجمی با موشک، اژدر و توپ را دارند و از جهتی قابلیت مقابله با تهدیدات هوایی، سطحی و زیرسطحی و موشکی را یک‌جا در اختیار دارند.

۴- چرا نیروی دریایی عراق بعد از اینکه در ۷ آذر ۱۳۵۹ شکست خورد و

تقریباً از بین رفت، دوباره بازسازی نشد و به میدان نیامد؟

نیروی دریایی عراق به فرض بازسازی تجهیزات باقی مانده خود باز هم توان مقابله با نیروی دریایی ما را نداشت، حتی از ناوچه‌های سالم موجود هم نتوانست در شمال خلیج فارس بهره عملیاتی ببرد و تقریباً در بندر ام‌القصر و سایر آبراه‌های داخلی عراق زندانی بودند و البته عراق در همان زمان اقدام به خرید تعدادی ناو فوق مدرن از ایتالیا نموده بود، ولی با تهدیدی که از سوی ایران مبنی بر جلوگیری از ورود تجهیزات نظامی عراق از مسیر تنگه هرمز به خلیج فارس صورت گرفته بود، چنین ریسکی را نکرد و نتوانست ناوهای خریداری شده خود را وارد میدان جنگ بکند.

به هر حال باتوجه به اینکه بحث آموزش در نیروی دریایی بحث بسیار فنی و زمان-بری می‌باشد و تا کارکنان بخواهند آموزش ببینند و تجربه کسب کنند، چند سال طول می‌کشد، لذا عراق در واقع مأموریت نیروی دریایی خود را به نیروهای فرمانطقه‌ای واگذار کرد و آنها جای رژیم بعثی را گرفتند و در پایان هم با نیروی دریایی ایران درگیر شدند.

۵- در رابطه با ناو امریکایی وینسنس که هواپیمای مسافربری ایران را

مورد اصابت موشک قرار داده است توضیح دهید.

در روز حادثه تعدادی از ناوچه‌های سپاه پاسداران طبق مأموریت واگذاری در دهانه ورودی خلیج فارس، یعنی در حوالی منطقه قشم تا دهانه تنگه هرمز در حال گشت‌زنی بودند. هم‌زمان سه فروند از واحدهای شناور امریکایی، که یکی از آنها نیز ناو وینسنس بوده است، از این محل به طرف بحرین در حال حرکت بودند. ناوچه‌ها یا قایق‌های برادران پاسدار که احساس کردند آنها تحریک شده‌اند اقدام به بازگشت به پایگاه‌های خود می‌نمایند.

ناو وینسنس هم با این توهم که این ناوچه‌ها ممکن است برایشان تهدیدی باشند و در بازگشت برای آنها دردسر ایجاد کنند، آنها را دنبال می‌کند. در همین حال هواپیمای مسافربری ایران از فرودگاه بندرعباس طبق معمول و برابر برنامه پرواز می‌کند و در مسیر هوایی کشورهای جنوبی خلیج فارس که معمولاً مسیرشان از بالای قشم عبور می‌کند، قرار می‌گیرد. در این هنگام ناو وینسنس به بهانه اینکه این قایق‌ها به هنگام بازگشت به هواپیماهای نظامی جهت درگیر شدن با ناوهای امریکایی اطلاع داده‌اند، هواپیمای مسافربری ما را مورد حمله موشکی قرار داده و آن را با کلیه مسافران و خدمه پروازی ساقط می‌نمایند.

در صورتی که باتوجه به تکنولوژی بسیار پیشرفته‌ای که در این ناو وجود دارد، تشخیص هواپیمای مسافربری از هواپیمای جنگی بسیار ساده است. ولی فرمانده ناو با دو موشک این هواپیما را مورد اصابت قرار می‌دهد، این تصمیم وحشتناک که نه با عقل و نه با منطق نظامی سازگار می‌باشد، در آن لحظه توسط فرمانده ناو اتخاذ می‌شود. شاید این مسئله مقدمه‌ای برای باز کردن جبهه جدیدی علیه ما بود و دخالت آشکار و مستقیم امریکا در پشتیبانی از عراق در جنگ با ایران محسوب می‌شد. به هر حال چند ماه بعد هم فرمانده ناو مورد تشویق قرار می‌گیرد و مفتخر به دریافت مدال می‌شود. فرماندهی که نتوانست تشخیص بدهد که این یک هواپیمای مسافربری است یا نظامی و باعث شهادت همه مسافران هواپیمای مسافربری شده بود، تشویق می‌شود و این اوج عداوت و کینه امریکا نسبت به انقلاب اسلامی و ملت بزرگ انقلابی ما و نهایت سبیت و جنایتکاری دولت‌مردان امریکا را نشان می‌دهد.

۶- سیادت و برتری دریایی ایران در جنگ تحمیلی با عراق چگونه به

دست آمد؟

جنگ دریایی با جنگ زمینی تفاوت‌هایی دارد. به خاطر اینکه فضای عملیاتی و محیط عملیاتی متفاوت است. شما در خشکی عوارض حساس دارید، اهداف فیزیکی را گام به گام مرحله‌بندی کرده و بعد تصرف می‌کنید و درواقع تصرف اهداف فیزیکی حاصل عملیات شماست.

اما در دریا این‌گونه نیست. در دریا بر اساس حق حاکمیت است، سیادت و برتری است، یعنی جنگ بر سر تصرف دریا نیست و به نوعی تصرف دریا به لحاظ حقوقی هم معنی پیدا نمی‌کند. شما اگر بتوانید در دریا حاکمیت پیدا کنید یا اعمال حاکمیت بکنید، سیادت دریایی را به دست آورده‌اید. اینها نتایج جنگ دریایی است و برای تحقق آن اهداف باید به دشمن اجازه حضور ندهید.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به مأموریت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بکنیم. باز نگه داشتن راه‌های دریایی خودی، بستن راه‌های دریایی دشمن، پدافند و حراست از بنادر و جزایر خودی و ضربه زدن به منافع دشمن و جلوگیری از استفاده دشمن از دریا از مأموریت‌های نیروی دریایی می‌باشد.

فرماندهی ارتش متجاوز صدام با محاسبات بسیار سطحی تصور می‌کرد یگان‌های شناور و پروازی ما همه در بنادر چسبیده به اسکله‌ها هستند و آمادگی لازم را ندارند و ما گزارشاتی از حضور شناورهای دشمن را تا شمال جزیره خارک داشتیم. به این تصور که بتوانند سیطره خودشان را در خلیج فارس بگسترانند، ولی این اتفاق نیفتاد. چرا که قهرمانان ما مثل شهید همتی، فرمانده ناوچه پیکان و سایر فرماندهان یگان‌های شناور و فرماندهی قدرتمند نیروی رزمی ۴۲۱ در قرارگاه مقدم نیروی دریایی کاملاً به صحنه اشرف داشته و حضور سلحشورانه یگان‌های شناور با انجام عملیات هوایی و سطحی در دریا و غرق کردن تعدادی از یگان‌های شناور دشمن و ساقط کردن هواپیماهای دشمن

با همکاری نیروی هوایی قهرمان ما حضور مقتدرانه خودشان را به نیروی دریایی دشمن تحمیل کردند. به هر حال ما در روزهای اول و هفته‌های اول جنگ با نبردهای پیروزمندانه‌ای که در صحنه آب‌های خلیج فارس انجام دادیم، منجر به ساقط شدن تعدادی از هواپیماها و همچنین غرق شدن تعدادی از شناورهای دشمن شدیم و حاصل آن اعمال قدرت و اعمال حاکمیت ما در پهنه شمالی خلیج فارس بود و توانستیم مأموریت‌های پیش‌گفته، یعنی باز نگه داشتن راه‌های دریایی خودی، بستن راه‌های دریایی دشمن، دفاع از بنادر و جزایر خودی، ضربه زدن به منافع دریایی دشمن و جلوگیری از استفاده او از دریا را با قدرت و تا پایان جنگ تمام و کمال انجام دهیم و البته در این راه شهدای گران‌قدر و جانبازان عزیز را تقدیم نمودیم.

۷- موقعیت جغرافیایی بنادر عراق و چگونگی استفاده از آن در جنگ

تحمیلی را تشریح کنید.

اگر نگاهی به جغرافیای عراق بیندازید، در مقایسه با سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به لحاظ جغرافیایی موقعیت مناسبی نیست. چون هم سواحل محدودی دارد و هم سواحل بسیار کم‌عمق و نامناسب که قابلیت دریانوردی کشتی‌های سنگین را ندارند.

عراق دارای سه بندر اصلی می‌باشد:

۱. بندر ام‌القصر؛ که توسط آبراه خور عبدالله که آبراه مشترکی است بین عراق و کویت در منتهالیه خور عبدالله قرار دارد.
۲. بندر بصره؛ که یکی از بنادر مهم عراق می‌باشد و محدود به آبراه اروندرود می‌شود که در همان روزهای اول جنگ این آبراه توسط نیروی دریایی ایران تحت کنترل درآمد و به صورت کامل بسته شد.

۳. بندر فاو؛ که در واقع در مصب ورودی اروندرود قرار دارد که آن هم از حیث ارتفاع خارج شد، زیرا در تیررس مستقیم ما قرار داشت.

بنابراین بندر ام‌القصر و بندر بصره که از بنادر تجاری و نظامی‌اش بودند و بندر نفتی فاو به این وضعیت گرفتار شدند. اما از قبل، عراق به واسطه این محدودیت‌های جغرافیایی مجبور شده بود پایانه‌هایی را برای ایجاد امکان صادرات نفت درست کند و به همین منظور پایانه‌های البکر و الامیه را حدود ۱۰ مایل جلوتر از دهانه ورودی اروندرود ایجاد کرده بود.

این پایانه‌ها قابلیت این را داشتند که در هر زمان در مجموع هشت کشتی سوپرتانکر و گول‌پیکر را هم‌زمان به خودشان پهلوی بدهند و تغذیه کنند و صادرات نفت عراق از آنجا انجام پذیرد. بعد از آغاز تجاوز مهم‌ترین اهدافی که نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی می‌توانست از آن استفاده کند و به دشمن هم ضربه مهم اقتصادی بزند و هم ضربه نظامی، از کار انداختن سکوهای البکر و الامیه بود که این مهم اتفاق افتاد که در بحث‌های بعدی به آن اشاره می‌شود.

می‌دانید عراق اقتصاد متکی به نفت داشت. بایستی نفت را می‌فروخت تا بتواند جنگ را اداره کند. ولی متأسفانه با حمایت‌های مالی که از طریق کشورهای غربی و کشورهای عربی و سایر کشورها می‌شد توانست دوام بیاورد. اگر این حمایت‌ها وجود نداشت، قطعاً بدانید دشمن چند ماهی بیشتر توان مقابله با نیروهای ما را نداشت. چرا که ما به خاطر موقعیت بسیار برتر جغرافیایی و توانمندی‌های دیگر و به ویژه حضور مردمی در صحنه می‌توانستیم در همان ماه‌های اول سرنوشت جنگ را به نفع خودمان برگردانیم. ولی پشتیبانی‌های مستقیم و غیرمستقیم کشورهای فرامنطقه‌ای و پشتیبانی‌های بی‌دریغ مالی، سیاسی، رسانه‌ای، اقتصادی و نظامی کشورهای منطقه از عراق، این جنگ را به درازا کشاند و جنگ هشت سال به طول انجامید.

۸- لطفاً در مورد چگونگی انهدام سکوهای نفتی البکر و الأمیه توضیح دهید.

در رابطه با انهدام سکوهای نفتی البکر و الأمیه چهار عملیات طراحی و اجرا شده است. اولین عملیات، عملیات اشکان نام داشت که در نهم آبان‌ماه ۱۳۵۹ اجرا شد. این عملیات درواقع گلوله‌باران این پایانه‌ها به وسیله ناوگروه ناوچه‌های موشک‌انداز نیروی دریایی ارتش بود.

در آن زمان که عراقی‌ها با خوش‌خیالی و باور پوشالی به قدرت دریایی خود، حتی کارکنان شرکت نفت خود را از روی سکوها جمع‌آوری نکرده و به عقب نبرده بودند، این عملیات انجام شد که ضمن گرفتن امنیت از آن حوزه، خسارت بسیار زیادی را هم وارد کرد و زمینه را برای اجرای عملیات بعدی فراهم آورد.

دومین عملیات بر روی این سکوها توسط نیروی دریایی به نام عملیات شهید صفری انجام شد.^۱ طرح کلی عملیات شهید صفری بر این اساس بود که تیم عملیات ویژه تکاوران نیروی دریایی بایستی با هزاران پوند مواد منفجره‌ای که قبلاً آماده کرده بودند و توسط ناوچه قهرمان پیکان بر روی سکوهای البکر و الأمیه استقرار داده شده بود، انجام می‌گرفت. این مأموریت در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۹، یعنی چهار روز بعد از عملیات اول انجام گرفت و تکاوران قهرمان بر روی سکوها پیاده شدند و باتوجه به ساختاری که سکوها داشتند (سکوی الأمیه کف راهروها با تراورس‌های بسیار قطور و روغن‌خورده بود، ولی در پایانه البکر از صفحه‌های فلزی استفاده شده بود) و پیش‌بینی شده بود در کنار مواد منفجره حلب‌های بنزین نیز قرار داده شود. حدود ۲۴ ساعت تیم‌های عملیات ویژه نیروی دریایی با پشتیبانی یگان‌های شناور و نیروی هوایی بر روی سکوها استقرار پیدا کردند و تمامی مناطق حساس پایانه‌ها را خرج‌گذاری کرده و در روز ۱۶ آبان‌ماه کوه عظیم و جهنمی از آتش در آنجا ایجاد

۱. شهید مهنای‌یکم جواد صفری مقدم درجه‌دار تکاور قهرمان نیروی دریایی بود که در همان روزهای اول جنگ اولین شهیدی است که در شلمچه در جنگ تن به تن به درجه رفیع شهادت نایل گردیده است و به همین مناسبت اسم این عملیات را به نام مبارک این شهید بزرگوار گذاشتند.

شد، به خصوص سکوی ال‌امیه با داشتن لوله‌های پر از نفت، تراورس‌ها و ساختمان‌های چند طبقه همگی در آتش سوختند.^۱

نهایتاً عملیات شهید صفری به لحاظ اقتصادی و نظامی ضربه مهلکی بر پیکر ارتش متجاوز بعث عراق وارد کرد و باتوجه به بازتاب جهانی که داشت به عنوان اولین پیروزی در سطح جهان منعکس و تصاویر آن در همه‌جا پخش شد و این موضوع توانست در روحیه رزمندگان ایران اسلامی اثر بسیار خوبی بگذارد و برعکس بر روحیه دشمن لطمه بسیار زیادی را وارد کند.

سومین عملیاتی که روی این پایانه‌ها انجام گرفت، عملیات مروراید است. این عملیات در ۶ آذر ۱۳۵۹ آغاز شد. طرح کلی عملیات بر این اساس بود که با یک عملیات برق‌آسا و ضربتی تیم‌های عملیاتی ویژه تکاوران نیروی دریایی با عملیات هلی‌برن بر روی سکوی البکر استقرار پیدا کنند، البته با این هدف که سکو را تحت تصرف موقت خودشان دربیابند. در این صورت می‌دانستیم که دشمن فردای آن روز برای پس گرفتن آن، هرچه در توان دارد به صحنه خواهد آورد. چون بعد از عملیات‌های مختلفی که تا آن زمان انجام داده بودیم، نیروهای متجاوز توان رویارویی با یگان‌های شناور و پروازی ما را نداشتند و به داخل خور عبدالله خزیده و در بندر ام‌القصر مستقر شده بودند.

یکی از اهداف مهم عملیات مروراید کشاندن نیروهای دشمن به صحنه بود که خوشبختانه این اتفاق افتاد و روز ۷ آذر با قهرمانی‌های ناوچه‌های پیکان و جوشن و همچنین تیزپروازان نیروی هوایی توانستیم ۱۴ فروند از یگان‌های مختلف شناور دشمن را به قعر آب‌های خلیج همیشه فارس بفرستیم، همچنین ۱۱ فروند از جنگنده‌های آنها را در دریا ساقط کنیم که این تقریباً مساوی بود با بیش از دوسوم توان و قدرت دریایی دشمن که از آن به بعد موجب کسب کامل سیادت دریایی جمهوری اسلامی ایران در شمال خلیج فارس شد و تا پایان جنگ هم حفظ گردید.^۲

۱. در رابطه با سکوهای نفتی اشاره‌شده، درواقع شهر عظیمی از فولاد را باید تجسم کنید که طولش بیش از یک کیلومتر است و شاخه شاخه‌های مختلف دارد و تأسیسات زیادی در آنجا وجود دارد.
۲. بعدها روز ۷ آذرماه، روز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نام‌گذاری شد.

چهارمین عملیات با نام کربلا ۳ توسط نیروی دریایی سپاه در تاریخ ۶۵/۵/۱۰ با کمک ۱۲۰ غواص لشکر امام حسین (ع) انجام گرفت. در این عملیات ۶۳ نفر از نیروهای دشمن کشته شدند و ۱۲ توپ ضدهوایی و ۴ دستگاه رادار به غنیمت نیروهای خودی درآمد. یک ناوچه اوزا و ۲ رادار و تعدادی توپ ضدهوایی دشمن نیز منهدم شد.

۹- در مورد عملیات اسکورت کاروان‌های نفت‌کش و کشتی‌های تجاری

توضیح دهید.

در حال حاضر هم بیش از ۹۰ درصد مبادلات تجاری ما و نه تنها ما، بلکه در تمام دنیا، از طریق دریا انجام می‌شود. ما هم کشوری بودیم که اقتصادمان متکی به نفت بود و بایستی نفت صادر می‌شد تا اینکه بتوانیم پشتیبانی‌های اقتصادی جنگ را فراهم کنیم و کالاهای مورد نیاز کشور را از طریق بنادر وارد کنیم و این کار بسیار سختی بود و مستقیماً هم در حوزه مسئولیت نیروی دریایی قرار داشت که بایستی خطوط مواصلاتی دریایی را باز نگه می‌داشت و مأموریت و وظیفه اصلی‌اش هم همین بود. از طرفی در آن زمان ظرفیت بندری ما متمرکز در بندر امام (ره) بود.^۱ لذا نیروی دریایی در همان زمان، به دلیل تهدیدهایی که علیه کشتی‌ها انجام می‌گرفت، اقدام به انجام عملیات اسکورت کاروان‌ها کرد. اسکورت کاروان‌ها در واقع به این ترتیب بود که ۱۵-۱۰ کشتی در بوشهر متمرکز می‌شدند و در مورد چگونگی اقدام در هنگام خطر توجیه شده

۱. بندر امام در منطقه شمالی خلیج فارس توسط آبراهی به نام آبراه خورموسی به آب‌های آزاد ارتباط پیدا می‌کند که این محل به لحاظ جغرافیایی به سرزمین دشمن بسیار نزدیک است و دشمن این توان را در آن زمان داشت که هم به وسیله موشک‌های ساحل به دریا، هوا به سطح و هم استفاده از موشک‌های ناوچه‌های اوزا تمام کشتی‌هایی که می‌خواستند به این بندر وارد یا خارج شوند را مورد اصابت قرار بدهد تا با غرق شدن کشتی اصولاً آبراه بسته شود. این هدف اصلی دشمن بود، اما با وجود اینکه تمام توانایی‌ها را به کار گرفته و به صحنه آورده بود، نتوانست. این خطوط باز ماند تا ما بتوانیم از حداکثر ظرفیت بندری خود استفاده کنیم.

و بر روی عرشه این کشتی‌ها جنگ‌افزارهای پدافند هوایی مستقر می‌شد، سامانه‌های ارتباطی کشتی‌ها را قطع کرده، سامانه ارتباطی خودمان را ایجاد می‌کردیم.

کارهای عجیب و غریبی در روند اسکورت کاروان‌ها عملاً مشاهده می‌کردیم. چون صحنه، صحنه جنگ بود. برای اینکه سودجویی کنند کشتی‌های فرسوده را با بیمه‌های کلان به خلیج فارس اعزام می‌کردند و کاری می‌کردند که کشتی مورد اصابت قرار بگیرد تا بتوانند پول کلانی از شرکت‌های بیمه بگیرند. متأسفانه چنین ترفندهایی بود، ولی این مأموریت هم با همه شرایط سختی که داشت با حمایت بالگردهای هوانیروز و هوادریا و پوشش هوایی نیروی هوایی به خوبی انجام گرفت.

این روند تا سال ۱۳۶۲ که دشمن ما مجهز به هواپیماهای سوپراتاندارد اجاره‌ای فرانسوی شد، ادامه داشت. شما خوب می‌دانید ورود یک سامانه یا تجهیزات یا فناوری جدید در ارتش و به کارگیری آن نیاز به زمان، آموزش و وسایل پشتیبانی دارد.

هواپیماهای سوپراتاندارد را با خلبان به عراق اجاره داده بودند. بالگردهای سوپرفلون را با موشک‌های پیشرفته اگزوست به عراق داده بودند. این اقدامات در واقع یک تحولی را در صحنه جنگ دریایی به وجود آورد. تهدیدات اگر قبلاً تا محدوده‌های بوشهر بود، با این وضعیت تهدیدات دشمن تا بندرعباس و تنگه هرمز هم کشیده شد. البته با خدمات و پشتیبانی‌هایی که از لحاظ بندری و فرودگاهی سایر کشورهای جنوبی خلیج فارس به دشمن می‌دادند، کار ما را بسیار سخت‌تر می‌کرد. برای اینکه ما از بندرعباس کشتی‌ها را باید اسکورت می‌کردیم. در واقع کار دو مرحله می‌شد. یک مرحله از بندرعباس تا بوشهر و یک مرحله از بوشهر تا بندرامام؛ و برعکس کشتی‌هایی که تخلیه شده بودند از بندر امام به بوشهر و الی آخر.

بحث دیگری هم که وجود داشت، اسکورت کشتی‌های با محموله ویژه بود که هدف‌های خیلی بااهمیتی بودند و ممکن بود با شیطنت‌هایی که می‌شد با مشکل مواجه شوند. لذا این‌گونه کشتی‌ها را از دریای عمان اسکورت می‌کردیم و این‌گونه محموله‌ها

عملاً در بندرعباس تخلیه می‌شد. در هر صورت عملیات اسکورت کاروان‌ها عملیات بسیار سخت و پیچیده‌ای بود، ولی با این حال با توکل به خدا و تلاش و برنامه‌ریزی دقیق کارکنان نیروی دریایی این مأموریت نیز به بهترین وجه انجام گرفت.

نهایتاً از نظر آماری در طول هشت سال دفاع مقدس، حدود ۱۰ هزار کشتی تجاری و نفت‌کش اسکورت شدند. از این ۱۰ هزار کشتی، ۲۵۹ کشتی مورد اصابت قرار گرفتند که درصد بسیار پایینی است (نزدیک به ۲ درصد)؛ و این آمار بسیار قابل قبولی بوده و جزو افتخارات نیروی دریایی و ارتش جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. از تعداد ۲۵۹ کشتی فقط ۲۰ کشتی صدمه جدی دیده و بقیه حداقل با بار سالم به بندر امام یا بندر بوشهر رسیدند. البته خود این ۲۵۹ کشتی که مورد اصابت قرار گرفتند درحقیقت ۲۵۹ عملیات تجسس و نجات را به ما تحمیل کرده‌اند.

اما در راستای یک مأموریت دیگر نیروی دریایی که حفاظت از منافع کشور در آب‌های سرزمینی و به طور کلی در پهنه دریا می‌باشد، می‌دانید ما از تنگه هرمز تا شمالی‌ترین نقطه خلیج فارس جزایر و سکوه‌های نفتی فراوانی داریم که تأسیسات بسیار ارزشمندی آنجا ایجاد شده و بایستی حفاظت می‌شد و این مأموریت سنگین، نیروهای قابل توجهی را طلب می‌کرد. به خصوص پشتیبانی نیروها کار بسیار پیچیده و سختی بود. ولی در طول هشت سال دفاع مقدس با تشکیل یگان‌های تفنگ‌دار دریایی و استقرار آنها به صورت ثابت همراه با پدافند هوایی در این سکوها توانستیم این کار را انجام بدهیم و مهم‌ترین آن جزیره خارک بود. چون جزیره خارک اهمیت بسیار بالایی برای کشور ما داشت و همانند پایانه‌های البکر و الامیه که برای دشمن از اهمیت بالایی برخوردار بودند، پایانه‌های آذریاد و تی که در جزیره خارک بودند برای ما حائز اهمیت بود و دشمن هم تمام قابلیت‌هایش را به کار گرفته بود تا بتواند اینها را از بین ببرد، ولی موفق نشد و حتی برای یک دقیقه هم صدور نفت جمهوری اسلامی ایران در طول

هشت سال دفاع مقدس با ایثارگری و سلحشوری‌هایی که رزمندگان اسلام در این صحنه انجام دادند، قطع نگردد.

۱۰- رویارویی و درگیری نیروی دریایی آمریکا با نیروی دریایی ایران چگونه بود؟

در دوران جنگ تحمیلی نه تنها نیروی دریایی آمریکا، بلکه یگان‌های متعددی از نیروی دریایی انگلیس، ایتالیا، استرالیا و فرانسه از ابتدای جنگ به بهانه اینکه ایران تنگه هرمز را می‌بندد و تردد کشتی‌های جهان را به خطر می‌اندازد، (علی‌رغم اینکه ایران تعهد کرده بود که به غیر از کشتی‌هایی که برای عراق محموله حمل می‌کنند و حق ایران است که این کشتی‌ها را بازرسی کند، اجازه تردد به سایر کشتی‌ها را خواهد داد) در خلیج فارس و دریای عمان حضور پیدا کرده و تهدیدی برای ما بودند. حتی یگان‌های امریکایی چندین بار وارد آب‌های ساحلی ما شدند که با حضور به‌موقع نیروهای ما به آنها هشدار داده شد و از آب‌های ما خارج شدند. ولی در سال ۱۳۶۶ سیاست استکبار جهانی بر آن می‌شود که جنگ ایران و عراق به هر نحو ممکن بدون اینکه ایران به پیروزی برسد، خاتمه یابد؛ زیرا دیگر ادامه جنگ را در جهت منافع خود نمی‌دیدند. از این‌رو شروع به افزایش فشارها به ایران کردند. تا اینکه امریکایی‌ها خود مستقیماً وارد عمل شدند و در روز ۲۹ فروردین‌ماه سال ۱۳۶۷ به سکوها نفتی نصر و سلمان ما حمله کردند. البته قبلاً توسط بی‌سیم پیام داده بودند که سکوها را تخلیه نمایید (به بهانه اینکه شما روی اینها تیربار گذاشتید و به کشتی‌های ما تیراندازی می‌کنید. البته ما نیروهای پدافندی روی سکوها مستقر کرده بودیم). به هر حال باوجود تهدید امریکایی‌ها مبنی بر بمباران سکوها، تفنگ‌داران دریایی ما حاضر به تخلیه سکوها نشدند. امریکایی‌ها شروع به بمباران سکوها کردند و نهایتاً چون تفنگ‌داران ما سلاحی که بتوان با برد زیاد با آنها درگیر شوند را نداشتند، مجبور به تخلیه سکوها شدند. در این هنگام ناوچه جوشن مأمور می‌شود به نفراتی که روی سکوها نصر و

سلمان بودند، کمک کند. یگان‌های امریکایی مانع این کار شده و می‌خواهند که از منطقه خارج شود، فرمانده ناوچه جوشن پاسخ شجاعانه‌ای به او می‌دهد و می‌گوید اینجا آب‌های ماست، تو هستی که از آن طرف دریاها آمده‌ای. یانکی گو هوم (یانکی برو خانه‌ات).

این صحبت دقیقاً ضبط شده و موجود است. درواقع یک ناوچه در مقابل چند ناوشکن این جواب را می‌دهد. در صورتی که می‌دانست اگر بخواهند درگیر شوند، مسلماً توان مقابله با آنها را ندارد. ولی با این حال چنین پاسخ شجاعانه‌ای می‌دهد و حاضر نمی‌شود منطقه را ترک کند. ناوچه جوشن چون حاضر به ترک منطقه نمی‌شود، مورد حمله ناوشکن‌های امریکایی قرار می‌گیرد و غرق می‌شود.

ناوشکن سهند برای کمک به ناوچه جوشن به منطقه اعزام می‌شود تا به نفرات جوشن کمک کند که متأسفانه امریکایی‌ها آن را هم به همین ترتیب مورد اصابت قرار می‌دهند و تعداد بسیاری از کارکنان هر دو ناوشکن به شهادت می‌رسند. این ناوشکن حداقل مورد اصابت ۱۲-۱۰ موشک قرار می‌گیرد. نکته جالب اینکه ابتدا بالگردهای امریکایی به ناوچه سهند نزدیک می‌شوند که با آتش پدافند هوایی ناوشکن سهند، یکی از بالگردها مورد هدف قرار می‌گیرد و سقوط می‌کند و شهید قهرمانی که نفر توپچی ناوشکن سهند بوده تا آخرین لحظه غرق شدن ناوشکن در حال شلیک بوده و حاضر نمی‌شود موضع‌اش را ترک کند. در ادامه ناوشکن سبلان از بندرعباس اعزام می‌شود که به این ناوشکن هم حمله می‌شود، ولی خوشبختانه فرمانده ناوشکن سبلان با ترفندی برای اینکه از موشک‌های نیروهای امریکایی مصون بماند، تا جایی که می‌شود خود را به جزیره لارک نزدیک می‌کند که رادار موشک‌های دشمن نتوانند به راحتی ناوشکن را دریافت کنند. امریکایی‌ها که این شرایط را می‌بینند با اعزام دو فروند بمب‌افکن، ناوشکن سبلان را مورد هدف بمب لیزری قرار می‌دهند و به این ترتیب ناوشکن سبلان

هم مورد اصابت قرار می‌گیرد، ولی خوشبختانه غرق نمی‌شود.^۱ در هر صورت این شرحی بود از درگیری نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس با نیروی دریایی ایران.

۱۱- خسارت شناورهای نیروی دریایی ایران در جنگ هشت ساله چقدر بود؟

مقایسه خسارت وارده بر نیروی دریایی ایران در مقابل نیروی دریایی عراق نسبت قابل ملاحظه‌ای نیست.

در طول جنگ تحمیلی دو فروند ناوچه توپ‌دار سبک به نام‌های مهران و تیران مورد اصابت قرار گرفتند. دو ناوشکن (سهند و کهنمویی)، دو ناوچه موشک‌انداز (جوشن و پیکان)، ناو لجستیکی دیر که مورد اصابت قرار گرفت و بعداً تعمیر شد و یک ناو (میلانیا) که در حین گشت غرق می‌شود. این در حالی است که ما فقط در عملیات ظفرمند مروارید ۱۳ فروند از یگان‌های شناور رزمی دشمن را غرق کردیم و از بین بردیم و ۱۱ فروند هواپیمای آنها را در سطح دریا ساقط کردیم. این آمار واقعاً افتخارآمیز است. بحث مقایسه تجهیزات اصلاً مطرح نیست. واقعیت این است که فرمانده ناوچه عراقی که در قالب یک حکومت دیکتاتوری و با زور وارد عمل می‌شود با فرماندهی که با عشق وارد می‌شود کاملاً متفاوت است. اینها مقابله دو عقیده بود و شما مشاهده کردید از ابتدا تا آخر جنگ تحمیلی دشمن موفق نشد در طول ساحل طولانی دوهزار کیلومتری ما از کنارک تا دهانه اروندرود و بندر خرمشهر جبهه‌ای در دریا ایجاد کند. شما فرض کنید اگر جبهه‌ای در بندرعباس یا بوشهر باز می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد و این اقتدار نیروی دریایی ما بود و این سیادت و اقتدار تا پایان جنگ با نیروی دریایی ما بود و حفظ شد.

۱. این ناوشکن بعدها برخلاف باور غربی‌ها بازسازی و به ناوگان نیروی دریایی ملحق می‌شود.

۱۲- در خصوص برخورد نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با دزدان

دریایی سومالی و نقش نیروی دریایی در مدار ۱۰ درجه مطالبی را بفرمایید.

بزرگترین مرز آبی که در دریای عمان و خلیج فارس وجود دارد، به طول دوهزار کیلومتر متعلق به ایران است. دریا به خاطر اینکه ارزان‌ترین راه تجارت می‌باشد و راه اقتصادی صادرات و واردات است، بسیار بااهمیت می‌باشد و به اهتزاز درآوردن پرچم جمهوری اسلامی ایران در آب‌های بین‌المللی و آب‌هایی که متعلق به ایران است، وظیفه نیروی دریایی است. قدرت ما نشانه تعرض نیست، قدرت دفاع است و نشان-دهنده اقتدار سیاسی و توان علمی - صنعتی است، ما باید پرچم‌مان را در اقیانوس هند و دریای مدیترانه و سواحل لبنان و سواحل لیبی به اهتزاز در بیاوریم و واحدهای جنگی ما در آنجا دیده شوند. چون نیروی دریایی ما حافظ منافع این کشور در دریا است و هر جا جمهوری اسلامی در دریا حضور دارد، نیروی دریایی راهبردی ما باید حافظ و مدافع این حضور باشد. پس تا وقتی که در مدار ۱۰ درجه در شمال جزایر ماداگاسکار در اقیانوس هند و در دریای عمان و سایر آب‌ها که تردد کشتی‌رانی در دنیا وجود دارد و ممکن است کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌های ما مورد تعرض قرار بگیرند، کشتی‌های جنگی یا ناوهای ما باید در آنجا حضور داشته باشند. در این موارد یک ناوگروه از یک ناوتیپ اعزام می‌شود. این ناوگروه شامل ناوشکن‌ها و ناوهای پشتیبانی و ناو پاسیور است که در زمان تعرض و تعدی درحقیقت واکنش سریعی دارند و باید حافظ منافع ما در آب‌های آزاد باشند. کما اینکه دزدان دریایی سومالی در چند مورد که کشتی‌های تجاری کشورهای دیگر را هم چپاول می‌کردند، ایران دخالت می‌کند و این دزدان را دستگیر می‌نماید. لذا همراه کشتی‌های تجاری ناوهای جنگی ما حرکت می‌کنند و مأموریت خود را انجام می‌دهند.

۱۳- چرا سکوهای البکر و الأمیه عراق را تصرف نمی‌کردید و بعد از هر

عملیات آنجا را ترک می‌کردید؟

این سکوها از سواحل ما فاصله دارند، ما در عملیات‌ها به آنها ضربه می‌زدیم و تأسیسات مورد استفاده عراقی‌ها را منهدم می‌کردیم و برمی‌گشتیم. اگر نیرو در آنجا مستقر می‌شد، نیاز به آذوقه، مهمات و پشتیبانی نزدیک داشتند و از طرفی دائماً هم توسط بالگردها و هواپیماهای عراقی مورد حمله قرار می‌گرفتند و تلفات و صدمات زیادی به ما وارد می‌شد و نهایتاً حفظ آنجا برای ما به صرفه و صلاح نبود و ضرورتی هم نداشت. به همین خاطر بهترین کاری که می‌توانستیم انجام دهیم این بود که نیروهای عراقی که هر از گاهی می‌آمدند و مستقر می‌شدند و تجهیزات را نصب می‌کردند، ما با یگان‌های عملیات ویژه یا ناوشکن‌های مان آنها را هدف قرار می‌دادیم و منهدم می‌کردیم.

۱۴- در مورد پیشرفت علمی نیروی دریایی و ساخت زیردریایی‌های ایران

توضیح دهید.

ضربه‌هایی که نیروی دریایی از گذشته‌های دور خورده بود، همچنین تحریم‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی متوجه ما شده بود، باعث گردید ما به این فکر باشیم که باید روی پای خودمان بایستیم و متکی به دیگران نباشیم. لذا نیروی دریایی با تلاش و هم-دلی همه همکاران موفق شد در سال ۱۳۵۹ دانشکده نیروی دریایی را در نوشهر تأسیس نماید. این دانشکده تربیت افسران دریایی در کلیه رشته‌های فنی، ناوبری و رشته‌های دریایی و تخصصی را به عهده دارد. همین‌طور کارکنان پایور درجه‌داری دوره‌های مربوطه را در بندر انزلی طی می‌کنند. این آموزش‌ها توسط استادان مجربی که قبلاً در کشورهای مختلف دوره دیده‌اند ارائه می‌شود. تأسیس این دانشکده مهم-ترین گامی بود که نیروی دریایی برای خوداتکالی برداشته است. اما در مورد ساخت

تجهیزات دریایی نیز به پیشرفت‌های بسیار زیادی نایل شده‌ایم که از آن جمله می‌توان به ساخت ناوچه‌های موشک‌انداز و زیردریایی‌های کوچک اشاره کرد.

در سال ۱۳۶۲ در صنایع دفاع انواع مین‌های دریایی از جمله مین‌های هوشمند ساخته شد. مین دریایی ارزان‌ترین وسیله‌ای است که اگر جنگ تداوم پیدا کند، از آن به بهترین نحو می‌توان استفاده کرد. مین‌های چسبان غواصی، مین‌های هوشمندی هستند که اگر در موقعیتی مستقر شوند در زمان دلخواه فعال شده و می‌تواند هدفی را که از روی آن عبور می‌کند منفجر نماید و آخرین دستاوردهای ما ناوشکن‌های بزرگی است که مجهز به موشک، توپخانه و بالگرد می‌باشند و نمونه آن ناوشکن جماران است که اخیراً به آب انداخته شد.

من الله التوفيق و عليه التكلان

نمایه

- ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۰،
 ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹،
 ۱۷۰، ۱۷۴
- ارتشی: ارتشیان ۱۷، ۱۹، ۴۲، ۴۶، ۴۷،
 ۵۲، ۹۳، ۹۸، ۱۱۱
- اردستانی: مصطفی؛ سرلشکر شهید
 ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵
- اردن ۶۶، ۶۷، ۱۴۰
- اروند رود ۲۴، ۲۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۵۳،
 ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۳
- استرالیا ۱۷۷
- اسرائیل ۲۱، ۳۲، ۶۷، ۶۹، ۹۳، ۹۴
- اسرای ایرانی ۱۰۱، ۱۰۳
- اسرای جنگ ۸، ۱۰۱
- اسرای عراقی ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
- اسکله‌های نفتی ۱۵۱
- اسکندری: محمود؛ خلیبان ۱۳۹، ۱۴۱،
 ۱۵۳
- اصفهان ۱۳، ۱۸، ۸۸، ۱۴۱، ۱۴۶،
 ۱۴۷، ۱۵۴
- آ
 آتش‌بس ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۷۳، ۷۴،
 ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۹۱، ۹۳، ۱۱۲
- آذربایجان غربی ۶۸، ۱۴۹
- آراسته: ناصر؛ سرتیپ ۱، ۲، ۱۰
- آلمان ۶۶، ۶۷، ۷۵، ۱۱۴
- آواکس ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۱۳۶، ۱۵۲
- ا
 اجلاس اوپک ۱۵۹
- اچ ۳ ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۳
- ارتش ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵،
 ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲،
 ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۱،
 ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰،
 ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷،
 ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸،
 ۷۸، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷،
 ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵،
 ۹۶، ۹۸، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۷،
 ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۵

انقلاب اسلامی ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷،

۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۳، ۴۷، ۵۱، ۷۰،

۸۳، ۸۴، ۸۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰،

۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۸،

۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۷۵،

انگلیس: انگلیسی ۶۵، ۷۵، ۱۱۳،

۱۱۴، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۱،

اهواز ۱۳، ۱۸، ۲۷، ۳۴، ۷۴، ۸۳،

۱۰۷، ۱۵۴،

ایتالیا ۶۶، ۱۶۱، ۱۷۱،

ب

بابایی: عباس؛ سرلشکر خلبان ۴۷،

۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۴،

بحرین ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۶۱،

بختیاری: مسعود؛ سرتیپ ۱۰،

بسیج مردمی ۷، ۳۴، ۴۹، ۸۸، ۹۹،

بصره: بندر ۳۰، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۵۶، ۹۱،

۱۳۵، ۱۶۴، ۱۶۵،

بعث: بعثی ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۶۰، ۶۶،

۹۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۲۰،

۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶،

۱۶۱، ۱۶۷،

بغداد ۴۱، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰،

افغانستان ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۴۲،

اقیانوس هند ۱۷۴،

الأمیه: سکوی نفتی؛ پایانه ۱۶۵، ۱۶۶،

۱۶۷، ۱۷۵،

البکر: سکوی نفتی؛ پایانه ۱۶۵، ۱۶۶،

۱۶۷، ۱۷۵،

الجزایر ۲۴، ۲۵، ۱۰۷، ۱۵۹،

الولید: پایگاه ۱۴۱،

ام‌القصر ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷،

امام حسین(ع) ۹۸،

امام خمینی؛ حضرت، راحل ۳، ۱۱،

۱۷، ۲۴، ۳۳، ۴۲، ۵۰، ۵۲، ۵۳،

۵۴، ۶۰، ۶۱، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲،

۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۸،

۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۲۴،

امام موسی صدر ۸۳،

امریکا: امریکایی ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵،

۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۴۵، ۶۵، ۶۷،

۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸،

۷۹، ۸۳، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۴،

۱۱۷، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۶۱،

۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳،

امیدیه ۱۵۴،

- بمباران ۶۶
۲۱، ۲۳، ۳۵، ۴۷، ۴۸، ۶۰،
۷۷، ۹۷، ۹۹، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰،
۱۴۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۱
- بمباران شیمیایی ۳۹، ۷۷
بندر انزلی ۱۷۵
بندرعباس ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲،
۱۷۳
بنی صدر ۳۳، ۳۴، ۸۶
بوشهر ۱۹، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۸، ۱۶۹،
۱۷۰، ۱۷۳
- بیرجند ۱۲۸
- پ
پالایشگاه دوره بغداد ۱۳۹
پایگاه شاهرخی ۱۵۰
پایگاه همدان: سوم شکاری ۱۴۱، ۱۵۰
- ت
تانک تی-۷۲، ۳۱، ۶۶
تبریز ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۵
ترکمانچای: عهدنامه؛ معاهده ۱۱۳،
۱۱۴
ترکمن صحرا ۱۷، ۱۴۹
ترکیه ۶۹، ۱۴۴
- تفنگداران دریایی ۱۷۱
تکاوران دریایی ۱۹، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۶۷،
توپخانه ۱۳، ۱۸، ۴۳، ۴۳، ۵۵، ۸۸،
۹۹، ۱۲۷، ۱۷۶
تیپ ۳۷ زرهی ۱۳
تیپ ۵۵ هوایرد ۴۶
تیپ ۶۵ نیرومخصوص ۴۶
تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد ۱۸
تیرماه ۱۳۵۹ ۱۳، ۱۳۷
- ج
جانبازان ۴۸، ۱۶۴
جانبازان شیمیایی ۴۸
جزایر ماداگاسکار ۱۷۴
جزیره لارک ۱۷۲
جهادی ۴۷، ۱۱۱
جهان آرا: محمد؛ شهید ۱۹، ۱۴۷
- چ
چمران: مصطفی؛ دکتر، شهید ۸۳،
۸۴، ۱۵۰
- ح
حزب منحلہ دموکرات ۶۸
حسینی: سیدناصر؛ سرتیپ ۱۰
حلبچه ۲۳، ۳۹، ۴۳، ۷۷

دزفول ۲۲، ۲۷، ۳۴، ۱۰۷، ۱۴۳، ۱۵۴

دفاع متحرک ۲۳

دفاع مقدس ۱، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۳۳، ۳۶،

۳۸، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰،

۵۷، ۵۸، ۶۳، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۶،

۹۱، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۶، ۱۰۸،

۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷،

۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷،

۱۲۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۰،

۱۷۱

دوران: عباس؛ سرلشکر خلبان، شهید

۱۳۸، ۱۳۹

دهلاویه ۸۴

ر

رزمندگان عشایر ۴۷

رزمندگان کمیته ۴۷

رستمی: سرگرد پیاده، شهید ۸۴

رضایی: محسن؛ پاسدار ۸۵، ۸۶، ۸۷،

۸۹

رود ارس ۱۱۳

روسیه ۳۱

ریگان: رئیس جمهور امریکا ۷۰

ز

حیدری: خالد؛ خلبان، شهید ۱۵۱

خ

خرمشهر ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۹،

۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۶۰، ۷۴، ۹۱،

۹۳، ۹۷، ۱۰۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۸،

۱۷۳

خضرائی: محمود؛ سرلشکر خلبان،

شهید ۱۴۱

خلیج فارس ۲۲، ۲۴، ۵۵، ۶۶، ۷۶،

۷۷، ۹۷، ۱۲۱، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۶۱،

۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹،

۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴

خیماره‌های دوزمانه ۶۶

خور عبدالله ۱۶۴، ۱۶۷

خوزستان ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۳۶،

۴۴، ۴۵، ۶۱، ۸۳، ۱۰۷، ۱۴۹،

۱۵۸

د

دانشگاه افسری ۴، ۱۹

دانشگاه برکلی: کالیفرنیا ۸۳

دریای عمان ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۴،

دریای مدیترانه ۱۷۴

دزدان دریایی سومالی ۱۷۴

سوپرفرلون: بالگرد ۱۶۹	زیردریایی ۱۷۵، ۱۷۶
سوخوی ۲۴ ۱۵۲	ژ
سودان ۶۷	ژاندارمری ۴۷، ۱۱۱
سوریه ۷۰، ۷۲، ۹۴، ۱۴۱	س
سوسنگرد ۸۳	سازمان ملل ۸، ۳۰، ۳۵، ۴۳، ۶۳، ۶۴
سومار ۱۳، ۱۰۷	۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۱۰۸
سومالی ۱۷۴	۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۵۶
سیستان و بلوچستان ۱۴۹	سپاه: پاسداران؛ سپاهی ۷، ۱۱، ۱۵
ش	۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۲، ۴۳
شورای امنیت ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۵، ۷۷	۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳
۱۱۰	۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۸، ۸۶، ۸۷، ۸۸
شورای عالی دفاع ۶۳، ۷۹، ۸۵، ۸۶	۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۱۱
۸۹	۱۲۰، ۱۴۶، ۱۵۵
شوروی ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۳، ۳۷	ستاری: منصور؛ سرلشکر شهید ۴۷
۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۱، ۷۵، ۷۷، ۷۸	۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۴
۱۱۳، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۷	سر پل ذهاب ۱۰۷
شهریور ۱۳۵۹ ۱۳، ۱۳۴، ۱۵۰	سربازان وظیفه ۷، ۵۷، ۵۸
شیمیایی: سلاح، عوامل، بمب ۲۳، ۴۱	سردشت ۲۳، ۴۳، ۷۷
۴۲، ۴۳، ۶۷، ۷۷، ۷۸	سلاح‌های غیرمتعارف ۶۶
ص	سنتو: پیمان، مانور ۱۳۸، ۱۴۸
صالحی: محمد؛ خلبان، شهید ۱۵۰	سوئیس ۶۵، ۱۵۲
۱۵۱	سوپراتاندارد: هواپیمای جنگنده ۶۶
	۱۵۱، ۱۶۹

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲،
 ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱،
 ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰،
 ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰،
 ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱،
 ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶،
 ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،
 ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹

۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵

عربستان ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۷۴

عملیات رمضان ۳۸

عملیات ۲۳مهر ۳۸

عملیات بدر ۳۸

عملیات بیت‌المقدس ۲۲، ۳۵، ۳۶

۸۴، ۸۸، ۹۳، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴

عملیات خیبر ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۱۳۱

عملیات طریق‌القدس ۲۲، ۳۵، ۳۶

۸۴، ۸۸، ۹۳

عملیات کربلا ۴ ۳۸

عملیات کربلا ۵ ۷۷، ۱۵۴

عملیات کرخه‌کور ۳۸

عملیات کمان ۹۹ ۲۱، ۱۳۵

عملیات مرصاد ۴۳، ۸۵

صدام: حسین ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،
 ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴،
 ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴،
 ۴۵، ۴۸، ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۷۲،
 ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰،
 ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۷، ۱۰۸،
 ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۳۴، ۱۳۵،
 ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۶۳

صلیب سرخ ۱۰۲، ۱۰۳

صمدی: هوشنگ؛ ناخدا ۱۹

سیادشیرازی: علی؛ سپهبد، شهید ۴

۵، ۴۴، ۴۷، ۵۴، ۸۴، ۸۵، ۸۷

۸۸، ۸۹

ع

عراق: عراقی ۷، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷

۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴

۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴

۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱

۴۲، ۴۳، ۴۵، ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۶۱

۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰

۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷

۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۹۱، ۹۳

۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴

قطعنامه ۵۹۸ ۳۱، ۳۵، ۴۳، ۴۵، ۶۴،

۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۱۵،

۱۵۶

قهرمانی: شهید ۱۷۲

ک

کاظمیان: منصور؛ ستوان یکم، سرتیپ،

آزاده ۱۴۰

کردستان ۱۷، ۳۹، ۴۶، ۶۸، ۸۵، ۹۲،

۹۷، ۱۴۹، ۱۵۰

کرکوک ۱۴۱

کرمانشاه ۳۴، ۴۳، ۴۴، ۹۲، ۹۷

کره شمالی ۳۷

کشورهای عربی ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱،

۷۴، ۷۷، ۱۶۵

کشورهای غیرمتعهد ۱۳۸

کلاهدوز: یوسف؛ شهید ۱۴۷

کویت ۳۶، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۵، ۷۶،

۷۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۴

گ

گردان ۱۵۱ دژ ۱۹

گردان ۲۳۲ تانک ۱۹

گروه خبات ۶۸

گروه راه کارگر ۶۸

عملیات مروارید ۱۶۷، ۱۷۳

عملیات والفجر مقدماتی ۳۸

عملیات والفجر ۱ ۳۸

عملیات والفجر ۸ ۵۶، ۱۵۴، ۱۵۵

ف

فاو ۴۱، ۵۶، ۱۶۵

فدائیان خلق: اکثریت، اقلیت ۶۸، ۱۵۸

فرانسه ۳۱، ۶۶، ۷۵، ۱۵۱، ۱۷۱

فکوری: جواد؛ سرلشکر خلبان، شهید

۴۷، ۱۴۶، ۱۴۷

فکه ۱۳

فلاحی: ولی؛ سرلشکر، شهید ۴۷، ۸۶

۱۴۷

ق

قاضی میرسعید: سید حکمت ۱۴۷

قرارداد ۱۹۷۵: معاهده؛ توافق نامه ۲۴،

۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۲، ۴۵، ۵۹، ۶۰،

۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۵

قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) ۵۳، ۵۶، ۸۶

قرنی: محمدولی؛ سپهبد، شهید ۴۷

قشم: جزیره ۱۶۱، ۱۶۲

قصر شیرین ۱۳، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۴۳،

۵۹، ۱۰۷

منافقین ۳۳، ۳۴، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۶۸،

۸۵

موسوی: سید اسماعیل؛ سرتیپ ۲

خلبان ۱۰

موسوی: نخست‌وزیر ۸۹

موشک تاو ۷۰

موشکباران ۲۳، ۴۸

موشک اسکاد ۶۶

موشک هاگ ۷۰، ۱۴۵

موشک اگزوست ۱۵۱، ۱۶۹

موشک فونیکس ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵

مهاباد ۱۵۱

مهرآباد ۱۰۳، ۱۴۱، ۱۴۷

مهران ۲۳، ۳۰، ۳۴، ۹۷، ۱۰۷

مهرنیا: احمد؛ سرتیپ ۲ خلبان ۱۴۱

میراژ ۶۶، ۱۵۲

میگ ۲۵ ۱۵۲

میگ ۲۹ ۱۵۲

مین دریایی ۱۷۶

ن

نامجو: سید موسی؛ سرلشکر، شهید

۱۴۷، ۸۹، ۴۷

ناو وینسنس ۱۶۱، ۱۶۲

گروه ۴۲۱ ۱۹

گروهک چپ راه آزادی ۶۸

گروهک کوموله ۶۸

ل

لبنان ۷۰، ۷۱، ۸۳، ۹۳، ۹۴، ۱۷۴

لرستان ۹۲

لشکر ۱۶ قزوین ۱۸، ۴۶

لشکر ۲۱ حمزه ۱۳، ۱۸، ۴۶

لشکر ۲۸ سنندج ۱۸، ۴۶

لشکر ۶۴ ارومیه ۴۶

لشکر ۷۷ خراسان ۱۸، ۲۳، ۴۶

لشکر ۸۱ کرمانشاه ۱۳، ۱۸، ۴۶

لشکر ۹۲ زرهی ۱۸، ۱۹، ۲۰

لشکری: حسین؛ سرلشکر خلبان،

شهید ۱۰۵، ۱۳۷، ۱۵۶

لیبی ۷۰، ۷۲، ۱۷۴

م

معاهده پاریس ۱۱۴

معاهده گلستان ۱۱۳

مقام معظم فرماندهی کل قوا ۳، ۴

۵۳، ۸۶، ۱۰۲

مقدم: سروان ۸۴

مک فارلین ۷۰، ۷۱

هـ

هاشمی: سید حسام؛ سرتیپ ۱۰
هاشمی رفسنجانی ۷۱، ۸۶، ۸۷، ۸۹
هلند ۶۷
همتی: محمدابراهیم؛ دریادار، شهید
۱۶۳
همدان ۱۵۰
هواییمای ۷۴۷ ۱۵۳
هواییمای اف ۱۴ ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۲،
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶
هواییمای سی ۱۳۰ ۸۴، ۱۴۷، ۱۵۳
هواییمای مسافربری ۷۸، ۱۶۱، ۱۶۲
هوانیروز ۸، ۹، ۱۸، ۴۱، ۴۴، ۵۵،
۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۹
هورالعظیم ۴۱

ی

یمن ۶۷

ناوچه پیکان ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳

ناوچه توپ‌دار ۱۷۳

ناوچه جوشن ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳

ناوشکن جماران ۱۷۶

ناوشکن سبلان ۱۷۲

ناوشکن سهند ۱۷۲، ۱۷۳

ناوشکن کهنمویی ۱۷۳

نظران: محمدعلی؛ شهید ۸۶، ۱۰۲

نفت‌شهر ۱۳، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۵۹، ۱۰۷

نوزه: محمد؛ خلبان، شهید ۱۴۹، ۱۵۰

نوشهر ۱۷۵

نیروی دریایی امریکا ۷۷، ۱۷۱، ۱۷۳

نیروی هوایی ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶

۱۸، ۲۱، ۲۲، ۳۵، ۳۷، ۴۳، ۴۴

۵۵، ۸۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۴

۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹

۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶

۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷

۱۶۹

و

ویتنام ۴۶، ۱۴۲



Sayehaye Noor

Brigadier General *Abbas Taghian pour*

War Cognizance Committee of

Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi